ژوندون

اطلاعات و کلتور
شنبه ۵ ثور ۱۳۶۰

LIBRARY OF CONGRESS
6
MAY 1 1 1981
CONT. COPY
ORDER DIVISION
15521/029/10

زنده باد اتحاد و همبستگی همهٔ طبقات و اقشار دموکراتیک و ملی افغانستان
تحت رهبری حزب دموکراتیک خلق افغانستان

ببرك كارمل منشی عمومی کمیته‌مرکزی حزب دمو کرا تیك خلـــق‌افغا نستان رئیس شورای انقلابی‌و صدر اعظم هنگامیکه اعضـــای شورای عالی علما و رو حانیـــون‌شئون اسلامی افغا نستان راپذیرفته‌و با آنها صحبت می کنند .

اختصار وقایع مهم هفته

ببرك كارمل منشی عمومی کمیته مرکزی حزب دموکرا تیك خلـــق افغانستان رئیس شورای انقلا بی وصدراعظم جمهور ی دموکرا تیـــك افغانستان بعد از ظهـــر روز دو م ثور اعضای شورای عالی ، علمـــا و روحانیو ن شئون اسلامی جمهوری دموکراتیك افغانستا ن رابـــرا ی ملاقات در قصر گلخانه مقرشورای انقلابی پذیر فته و در فضای نهایت صمیمانه با ایشا ن صحبت کردند .

■ ■ ■

ببرك كار مل منشی عمومی کمیته مرکزی حزب دموکرا تیك خلق‌افغا نستان ، رئیس شورا ی انقلا بـــی وصدراعظم جمهور ی دمو کرا تیك افغانستان برای بازدید از ولا یـــت ننگر هار صبح روز ۳۰ حمل وارد جلال آباد گردیده ودر میدا ن‌هوایی آن شهر از طرف دگروال خلیل الله عضو کمیته مرکزی حزب ، عضـــو شورای انقلابی وقو ماندا ن قو ل اردوی مرکزی ، دکتور خـــداداد بشرمل منشی کمیته ولایتی ، قدیر هوتك والی وقادر میاخیل قوماندان قوای عسکری ننگرهار ، فعا لیـــن حزبی ،نمایندگا ن مردم شرا فتمند وکار مندان دوایر مرکزی آن‌ولا یت باشور وشادمانی استقبال‌گردیدند.

■ ■ ■

د چکو سلواکیا د کمونست گوند دمرکزی کمیتی دعمو می منشی اود چکوسلواکیا د سوسیا لستـــی جمهوریت دجمهور رئیس په تو گه دگوستا ف هوسا ك دبیا تاکل‌کیدو له امله د افغانستا ن د خلك دمو ـ کراتیك گوند دمرکزی‌کمیتی‌دعمومی منشی او دافغانستان دمو کرا تیك جمهوریت د انقلابی شورا د رئیس اوصدراعظم ببر ك كار مل دمبارکی تیلگرام په ځواب کی دهغه له ځـوا

ببرك كارمل منشی عمومی کمیته‌مرکزی حزب دمو کرا تیك خلـــق‌افغا نستان ، رئیس شورای انقلابی‌و صدراعظم جمهوری دمو کرا تیـــك افغا نستان حین ایراد بیانیه شـــان‌در گرد هم آیی باشکوهی که توسط‌موسفیدان و نمایند گان اقـــوام‌مختلف ولایت ننگر هار ، شهریـــان جلال آباد و فعالین حزبی در بـــاغ‌جمهوریت تشکیل شده بود .

ولادیمیرایلیچ لنین رهبر بزرگ کارگران جهان .

دبیر ك کارمل په نامه دمننی تیلگرام رارسید لی دی .

په دی تیلگرام کی د افغا نستان د دموکرا تیك جمهور یت خلکو او حکومت ته د چکو سلواکیا دحکومت او خلکو د ورور ولی او انترناسیو- نالیستی ډیو ستون او دوستی ژو احساسات څرگند شویدی .

• • •

به مناسبت یکصدو یازدهمین سالگرد تولد ولادیمیرایلیچ لنین رهبر بزرگ زحمتکشان جهان بعد ا ز ظهـــر روز دوم ثـور محفل شانداری ازطرف انجمن دوستی افغان-شوروی درتالار ستور وزارت امور خارجه ترتیب شده بود .

در این محفل داکتر صالح محمد زیری ونوراحمدنور اعضای بیروی سیاسی و منشی های کمیته مرکـزی حزب دموکراتیك خلق افغانستان، سلطانعلی کشتمند عضو بیروی سیا سی معاون شورای انقلابـی و معـاون صدراعظم ، دوکتور اناهیتاراتب زاد عضو بیروی سیاسی ورئیس انجمن دوستی افغان- شوروی دستگیرپنجشیری عضوبیروی سیاسی کمیته مرکزی حزب عضو شورای انقلابی برخی از اعضای کمیته مرکزی حزب وشورای‌انقلابی وشورای وزیران ، کدر های برجسته حزبی، اعضای هیات رهبری سازمان های اجتماعی واتحادیه های صنفی بـرخـی از افسران و مامورین عالیرتبه، تابییف فکرت احمدجانوویچ سفیرکبیر اتحاد شوروی مقیم کـابل سفـرا وسارژدافیرهای سفارت خانه های کشورهای دوست مقیم کابل واعضای انجمن دوستـی افغان وشوروی اشتراك نموده بودند .

• • •

باستقبال از سومین سالگرد انقلاب ثـور نمایشگاه زندگی وفعالیت جوانان اتحادشوروی بعد از ظهر روز ۳۰ حمل در سالون کـابل ننداری گشایش یافت .

پوهنمل گلدادوزیر تحصیلات عالی ومسلکی و معاون دوم انجمن دوستی افغان وشوروی هنگام سخنرانی در محفل یکصد ویازدهمین سالگرد تولد ولادیمیرایلیچ لنین .

پیک ژوندون

«مابه جهان اعلام میداریم که باید توطئه‌ها ودسایس تجاوزات علیه کشور ما قطع گردد . باید جلو صدور اشرار این قاتلان‌حرفوی بداخل افغانستان گرفته شود زیرا مردم این جانیان را نمی خواهند ، مردم صلح‌می خواهند . بیائید که همه باهم صلح و امنیت را در افغانستان استقرار بخشیم» .

ببرك كارمل

شنبه ۵ ثور ۱۳۶۰ ۲۵ - اپریل ۱۹۸۱

سومین سالگرد انقلاب شکوهمند ثور را گرامی میداریم

سومین سالگرد پیروزی انقلاب شکوهمند ثور را امسال در شرایطی تجلیل می کنیم که همه اوضاع واحوال وجریانات در روندتکاملی انقلاب بسود انسان زحمتکش جامعهٔ ماسیر می کند وهمهٔ موانع ، مشکلات ونابسامانی های ناشی از مداخلات وتجاوزات امپریالیزم وعمال ضد انقلاب ، به همت بازوی مدافعین صدیق انقلاب ، مردم ووطن ازسرراه تکامل انقلاب برداشته می شود وکار وپیکار انقلابی مردم زحمتکش ما در دوجهت یعنی اعمار یك جامعهٔ نوین وشگوفان مبتنی برعدالت اجتماعی ودفاع ازدست آورد های انقلاب ثور دربرابر تجاوزات ومداخلات امپریالیزم جهانی در راس امپریالیزم جهان خوار امریکا وتمام مرتجعین ودشمنان داخلی وخارجی ما بشدت ادامه دارد ودرین نبرد برحق وعادلانه موفقیت های چشمگیری نصیب مردم زحمتکش کشور ما گردیده توطئه ها ودسایس دشمنان ماروزبروز خنثی میگردند .

پیروزی های چشمگیری را که مردم ستم دیدهٔ ما در مبارزات عادلانه و شریفانه خود بدست می آورند همه و همه مولود وزاده احساسات نیك ووطن پرستانهٔ همه مردم کشور وحدت حزب ، دولت وهمهٔ خلقهای استثمارشونده میهن انقلابی مابشمار می آیند .

حزب دموکراتیك خلق افغانستان و دولت جمهوری دموکراتیك افغانستان برای خاتمه بخشیدن برکلیه رنجها وآلام مردم زحمتکش کشور پس از پیروزی انقلاب شکوهمند ثور وبخصوص مرحله نوین وتکاملی آن یکسلسله اقدامات نیکی را روی دست گرفته است که اعتماد وپشتیبانی همه اقشار وطبقات مردم ما رانسبت به حزب ودولت انقلابی آن هاافزایش مزید می بخشد . حزب دموکراتیك خلق افغانستان و دولت جمهوری دموکراتیك افغانستان درطی مدتیکه از پیروزی انقلاب شکوهمند ثور وبخصوص مرحله نوین تکاملی آن می گذرد درهمه زمینه های مربوط بهمیهن ومردم ما کارهای مثبتی را انجام داده است انجام اصلاحات ارضی که دهقانان بی‌زمین وکم زمین مارا صاحب زمین ساخت و ازقید اسارت واستثمارفیودالان مستبد رها ساخت . طرح ، تدوین وانفاذ اصول اساسی جمهوری دموکراتیك افغانستان راکه همه وجایب و مکلفیت های مردم زحمتکش کشور ماراتعیین می نماید در ساحهٔ ایجاد قانونیت دموکراتیك به نفع زحمتکشان یکی از مثال های برجسته این گونه فعالیت های شریفانه دولت ملی ودموکراتیك افغانستان میتوان بشمار آورد .

قانون جدید مکلفیت عمومی عسکری که اخیرا نافذ گردیده است یکی ازقوانینی است که در شرایط فعلی کشورما تسهیلات زیادی رادرموردجلب وجذب افرادکشوربخدمت مقدس عسکری فراهم‌نموده‌است، چه این قانون جدید مکلفیت جوانان مارا در برابر انقلاب میهن ومردم زحمتکش کشور بیان داشته آنها رابه وجایب ملی شان بیش از پیش آگاه وملتفت می سازد .

قابل یادآوری می باشد اینکه دولت ملی ومترقی مادر پهلوی آنکه در طی سال هایی که ازپیروزی انقلاب آزادی بخش ثورمیگذرد به وضع دهقانان ، کارگران وسایر زحمتکشان کشور توجه عمیقی مبذول داشته است .

دولت برای مساعدت به دهقانان کم زمین وبی زمین کشور قیمت کود کیمیاوی را به پیمانه زیادی تقلیل بخشید وبرعکس در قیمت خرید پنبه ولبلبو به نفع زارعان کشور ازدیاد قابل ملاحظه یی بعمل آورد همچنان دولت برای بهبود وضع حیات اقتصادی کارگران و اجیران کشور افزودی معاشات کارگران ، اجیران وماکولات ماموران دولت‌را رویدست گرفته بدان جامعه عمل پوشانید .

این همه اقدامات نیك وارزشمند حزب دموکراتیك خلق افغانستان و دولت جمهوری دموکراتیك افغانستان باعث آن گردیده‌است تا کلیهٔ اقشار وطبقات زحمتکش کشور بدور حزب ودولت انقلابی خود بطور روز افزونی جمع شوند وبا تشکیل جبهه ملی وسیع پدر وطن در تحت رهبری حزب دموکراتیك خلق افغانستان «پیش آهنگ طبقه کارگر و تمام زحمتکشان کشور » برای محو کامل آخرین بقایای ظلم‌وستم ارتجاع فیودالیزم وامپریالیزم ازدامان مطهر میهن انقلابی ما وایجاد جامعه آباد وشگوفان نوین فارغ از استثمار انسان بوسیله انسان بکار وپیکار آگاهانه وشعوری ووطن پرستانه خویش ادامه دهند، دشمنان‌راه پیشرفت وتکامل خودرا تار ومار نموده محوو نابود سازند وبی هراس براه انقلابی وانسانی خود ادامه دهند .

مردم افغانستان دراین پیکار عادلانه و شریفانه خویش تنها نیستند وهمه خلق ها و کشور های انقلابی ، ترقی خواه وعدالت‌پسند جهان‌ازآن هاحمایت وپشتیبانی بعمل می‌آورند.

در این شماره

انقلاب ما پیروزمند است .

• • •

آنان که مرگ می آفرینند و آنانیکه زندگی را فریاد می کنند .

• • •

زحمتکشان میهن ما سومین جشن پیروزی انقلاب آزادی بخش ثوررا گرامی میدارند .

• • •

کارگران زحمتکش ما از اقدامات نیك دولت انقلابی خود ابراز قدردانی مینمایند .

• • •

او هغوی بریالی شول .

• • •

حماسهٔ آزادی .

• • •

وقایع مهم جهان درسال ۱۳۵۹ .

• • •

شرح روی جلد :
اتحاد وهمبستگی نیروهای ملی ووطنپرست کشور .

شرح صفحات متن وپشتی چهارم :
البوم ملاقات ببرك كارمل منشی عمومی کمیته مرکزی ح.د.خ.ا، رئیس شورای انقلابی وصدراعظم جمهوری دموکراتیك افغانستان با اقوام وملیت های مختلف کشور .

شرح پشتی سوم : یك سربازدلیر وشجاع افغان - مدافع انقلاب ثور .

جشن بهار

پیروزی از آن ماست، از آن مردم افغانستان است

آوانیکه انقلاب پیروز مند ثوربه ارادهٔ حاکما نه مردم دلیر افغانستان وتحت‌رهبری‌حزب دمو کراتیك خلق افـغانستان سه سا ل قبل‌کا خ‌های سمتگرا ن راباخا ك یکسا ن‌نمود و آرزوی های‌سده های متوالی‌زحمت‌کشان افغانستان با این پیروز ی‌بر آورده شد، اهر یمنان جهـان و در پیشا پیش آنها امپریا لیزم ایالا ت متحده باپخش درو غ هاو اتهامات ناروا با آن برخورد کردند . آنها در تبلیغات واتهاما ت خود ظا هرا برای اسلام وافغانستان اشك‌تمساح می ریزند ولی در واقعیت پیر و زی انقلاب ثورنه تنها علیه اسلام واقعی نبود بلکه پیروزی آن متحدین‌وچا‌کران‌امپریالیزم را که اضافه از نیم قرن زالو وار ازخون و گـو شت زحمتکشان شریف افغانسـتا ن استفاده کرده بودند، از اریکه‌قدرت بزیر افکند ومردم را که‌صاحبا ن اصلی نعم مادی اند، بر اریکه‌قدرت نشا یند .

از ابتدا ی پیروزی انقلاب ثـور تاامروز که ماسو مین بهار آنـرا جشن می گیریم ارتجا ع،امپریالیزم هژمونیزم ، صهیو نیز م ،سادا ت ها وضیاء هاهمه دریك‌صف‌نامقدس علیه مردم افغانستا ن وانقلا ب‌ثور داخل عمل شدند ،ولی همان‌طوریکه می دانیم دوستا ن مرد م‌افغانستان وکلیه مردمان زحمتکش جه ان در راس کشور کبیر شوراها صداهای تایید وتهنیت وکمك را صادقا نه بلند کردند

امپریا لیزم ویارانش نمی دانند ویانمی‌خوا هند بدانند که حا لادیگر مردمان آزادیخواه وصلح طلب‌کشور های مختلفهٔ جهان بیدار شده انـد وهرگز فریب یاوه سرا یی ودرو غ های آنها رانمـی خـورند کشو ر باستانی مـاو مردم صلح جـــوو سلحشور آن که‌تاریخ رنگین وزرین مبارزا ت ضد استعمار وضداستبداد دارند ،مصممانه در موضع دفا ع‌از انقـلاب بـر آ مـد نـد، و لـــی باکمال تاسف که امپریا لیزم‌بادر ك این مطلب که نمی تواند در سنگر گرم مبارزه ویا تبلیغا ت سوء بـه امیال شوم خود برسد ، در داخل حزب ودولت جمهور ی دمو کراتیك افغا نستان با جا زدن جاسوس‌خویش امین خاین توانست انقلاب رازمسیر اصلی‌اش انحـــراف دهد وعده ای زیادی ازهموطنان شریف ماقربانی این توطئه امپریا لیزم وارتجـــا ع گردد. ولی یکبار دیگر مردم مابخود جنبیدند وبر عما ل ضد انقـلا ب وضد مردم شوریدند وبا به‌پیروزی رسانیدن مر حلهٔ نوین و تکا ملـی انقلاب در شش جدی ۱۳۵۸ بـــر شیشهٔ آرزو های پلید دشـــمنا ن بیشرم خود سنگ زدند .

اینك که ما سو مین بهار پیروزی انقلاب ثور را جشن مـی گیر یـم لذت این جشن با پیروز ی مر حلهٔ نوین انقلاب دو چند ان است زیـرا مردم ما اینك دیگر از چنگا ل سیاه کاران برای همیشه رسته اند ویك دست ویکدل در راه به‌هدف‌رسیدن راهی اند . پیروزی مر حلهٔ نو یـن انقلاب ثور عملا به اثبا ت رسانید که انقلاب مردم افغانستا ن برگشت ناپذیر وپیروز شد نی اسـت . و زعامت مدبر حزب ودو لت جدا در صدد آنست تا حتی از لحـــظه ها برای بهروز ساختن مردم مااستفاده نماید .

هکذا شواهد روشن موجوداست که‌درین راه قدم های موثری نیـــز برداشته شده است . تصو یـــب اصول اساسی جمهور ی‌دموکراتیك افغانستان به مثابهٔ قانو ن اساسی مؤقت همه‌حقوق ومکلفیت هـــا ی مردم را واضح ساخته ومهم ترآنکه درین اصو ل اساسی نه تنهارعایت اصول دین مبین اسلام ازطرف‌دولت تعهد گردیده بلکه دولت بصرا حت دفاع وحمایه از دین اسلام راوظیفهٔ خود شمرده است. همچنان‌طرق‌رشد وتوسعه اقتـصاد ی اجتمـــا عی‌و فرهنگی و مردم نیز درآن بیان شده است.

دولت جمهوری دموکراتیك‌افغا‌نستان علاوه از طر ح وتدو ین و تنفیذ قوانین واصولنا مه ها که‌همه وهمه برای خدمت موثر به‌مردم‌نافذ گردیده است برای بهبود و ضـــع اقتصادی واجتماعی مردم بخصو ص زحمتکشان قد م های فرا خـی بر‌داشته است ازدیـــــاد معا ش کار گران ومستخدمین ،ازدیاد ماکو لات مامورین، کارگران و کار مـــندان دولتی، کمکهای مادی از طریق‌کو‌پراتیف ها همه و همه شوا هدانکار ناپذیر ی هستند که می توا ن بـا اتکاء برآن هامتیقن شد کـــه در آیندهٔ نه چندا ن دور مردم افغانستان انقلابی وسر بلند بهروز ومسعود شده وحیا ت مر فه ای خوا هـند داشت

تشکیل اتحادیه های‌صنفی‌زحمت کشان بهمین ترتیب اجلاس مقدماتی برای‌تشکیل‌جبههٔ وسیع‌ملی پدر وطن نمایانگر شرکت دادن همه مرد م‌در ادارهٔ امور دولتی میباشد.

هدف اصلی حزب دموکرا تیـك خلق افغانستان ودولت جمـهور ی دموکراتیك افغانستا ن ایجاد یـك جامعه ای است که در آن ازاستثمار وستم طبقاتی نشانی نبا شد. چنا‌نچه ببر ك کار مل منشی عمو می کمیتهٔ مرکزی حزب دموکرا تیـك خلق افغانستا ن رئیس شـورا ی انقلابی و صدراعظم جمهور ی‌دمو‌کراتیك افغانستا ن خطا ب به مو‌سفیدان ونما یندگان قو م‌باشهامت صافی دره سر حد ی شو نگـر ی ولایت کنر به تاریخ ۵ثـور ۱۳۶۰ منجمله چنین فر مودند : ((... می خواهیم که از انقلابی کـه بـه‌اراده توده های کشور ما پیروز شده‌دفاع نماییم ویك افغانستان آباد،شگو‌فان وفار غ از استثمار فرد از فرد را اعمار نماییم .هد ف حزب شما ، حکومت شما وجبههٔ ملی وسیع‌پدر وطن اینست تادر ینجا صلح وامنیت برقرار باشد ،نه تنها در کشور ما بلکه در منطقه وحتی در جها ن‌صلح وامنیت برقرار باشد ...))

آری اکنون انقلاب از خود مـــی تواند دفا ع کند زیرا مرد م بیدار شده‌اند ومدافعین بلا فصل انقلا ب اند. درحالیکه سومین بهار پیروزی انقلاب پیروز مندثور رابه همه‌مردم افغانستان سربلند وآزاد تبر یـــك می‌گوییم بااین حقیقت سر سخـــت که پیروز ی از آن ماست از آن‌مردم افغا نستان گفتار خود را را پا یان می دهیم .

فرخنده باد سومین سالگرد پر افتخار انقلاب ثور

برید جنرال محمد رفیع و زیـردفاع ملی حین صحبت باخبرنـگارژوندون

از : دریا

آنان که مرگ میآفرینند و آنانکه زندگی را فریاد میکنند

یك گفت وشنود کاملااختصاصی بابرید جنرال محمد رفیع وزیردفاع ملی :

این گفت وشنود جالب وخواندنی که به گونه کاملا اختصا صی برای ژوندون تهیه شده به تمام پر سش‌های خانواده ها در زمینه های جلب واحضار سر بازی ومسایل مر بوط به‌عمال ضد انقلاب و واقعیت ها ی جبهات جنگ وتسهیلات که بـرای سربازان جان برکف پا سدارانقلاب ودست آورد های آن وجود دارد وده هامورد دیگر در همین زمینه و آنچه در ذهن خانواده ها به‌صور ت یك ابهام وجود دارد پاسخ راستین میدهد .

در این گفت وشنود خـبر نگارژوندون همه مسایـــل را از زبا ن خانواده هابه طرح میاورد وپاسـخ‌میگیرد وبه همین دلیل از شما می خواهیم خود آنرا بخوانید و هـــم‌به خانواده های دیگر توصیه کنید آنرا مطالعه کنند .

اهریمن ها چه را فریاد می کنند وشیطان باکی به ستیز برمی خیزد؟

این را باید از تاریخ بپرسیم که آئینه رویداد هاوباز تاب پر تجلی واقعیت های اراده پر مایه و بـــی شکست خلق هاست واز اسطوره ها پاسخ‌شنویم که ((من)) با لقـوه انسان تا مرز بی نها یت انسانیت باهمه خواست هایش و آرزوهایش وباهمه نیرو وتوان بالنده و پیش رونده اش در آن‌انعکاس دارد .

تاریخ به ما میا موزد که‌پیروزی ازآن خلق هاست واسطـوره ها از بی نهایت زمان صدابلند میکنند که نیکی ها بدی هارا می شوینـــد ، شیطان ها در بند الهه ها می‌افتند، **اهریمن هـــا تسلیم اهورا مزداهـــا می** گردند وحق درهمه جـا، در همـه وقت دیر یا زود بربا طل فایق میاید وتیرگی ها وسیاهی هادر موج نور در سپیده های روشن تحلیل مـی روند ونابود میگردند چرا که‌انسان در وسعت انسا نیت خـــود و در پهنای معنو یت خود آزادی را می خواهد ورهایی از اسار ت‌راوبرابری ورفاه همگانی را، میخوا هد ظلم را وبیداد را در نطقه خفه کند وصدای ظالم رادر گلو خاموش کندوچپا ول وغار ت را واستثمار واستعمار رادر هر شکل وقالب آن محو گرداند تا انسان به وارستگی انسا ن رسد ، تادیگر نه ظالمی باشد ونه‌مظلو می نه غارتگر ی ونه غار ت شونده یی وهمه افراد یك جامعه همچون یـك خانواده واحد باکار وپیکار خود ، باتولید فراوان ومناسبا ت تو لیدی عادلانه وتوزیع‌عادلانه‌چنان شرایطی رابه وجود آورند که هر گز چـنان نباشد که جمعی از گرسنگی بمیرند واندکی از سیری بـتر کـــند، در حالیکه اهریمن ها وشیطان‌هاوباطل گرایان چنین میخوا هند وازهمیـن روی باحق وباروشنی و سپیده بـا اندیشه باطل وتیرگی ذهن خود در جنـــگ و ستکیـــز می باشنـــد . واین ستیز وتضاد میان آنا نیکـه انسان جمع رابا انسانیت به همراه میخواهند وآن دیگرانی که مر ز ی عمیق وپر نشد نی رامیان آد م و ـمیت **میخواهند به وجود آورنـد** وجود دارد وتاحق به غلبه کا مـل نرسد وپیروزی به نها یت‌خود ،باز بازهم وجود خواهدداشت.

•••

چاشتگاه است کـــه بـه مـلاقات وزیر دفاع میروم، قصردارالا مـان باشکو همند ی وجلال خود رو ی تپه یی که باسبزی و شادا بی اش بهار را در چشم ها به جلوه‌میاورد زیبایی غرور آفرینی دارد ، و قتی وارد اتاق انتظار میشوم هـــم‌چون معمول همیشه ، عده ای در انتظار نوبت خود میباشند تا کار هـا را گزارش کنند، بعداز لحظاتـــی زود گذر وزیر دفا ع از اتا ق خودخارج میگردد وعذر خواهی میکند کـــه گرچه وقت خودرا در همین سا عت

برای گفت وشنود بامن اختصا ص داده‌است نا گزیر است‌برا ی یـك کارفوری رهسپار مقرشورای‌انقلابی گردد ، صمیمیت و بیر یایی‌درچهره نگاه وکلامش در هم ریزی دارد ، رفتارش ساده وبی آلایش است و با همه متانتی که در خود نهفـــته دارد چنان بی پیرا یه ودوراز قیدو بند وتشریفا ت اداری‌ورسمی‌ارستو کراتیك است که اگر بیننده که اورا نشنا سد بایك سرباز عادی‌اشتباه میکند واین به خاطر خصو صیـت هایی است که اید یالوژ ی متر قی اندیشمند ی ونیك پنداری‌وخواست عمیق پیوندیافتن بامردم‌در کرکترش جای داده است .

وزیر دفاع از اطا ق خارج‌میگردد ومن مقابل پنجره بزرگ دفـــتر میاستم وبه بیرو ن مینگـــر م ،در برابرم قصر تاج بیك خودنما یـی دارد ،وهمین موجب‌میگردد که‌خاطره هادر ذهنم تداعی گردد وجار ی‌شود این قصر امین را به یاد میاورد وان همه دهشت را وترور راواختـناق را، روز ها یی را که بهتر یـــن فرزندان ما در شکنجه گا هـها ی دژخیمان سکوت رابه قیمت جـا ن خود حفظ میکردند ودر کشتارگاهها انبوه انبوه ازانسان های خـواهان انسانیت در زیر رگبار گلو له ها جان میدادند اما عقیده وایما ن خود رانمی فرو ختند وروز ها ی دیگررا که ضوابط اختنا ق بیا ن هرمطلبی راجز تایید آدمکشا ن حر فو ی‌جرم به‌حساب میاورد وکـلمه آزادی در زنجیر اسار ت های گونا گو ن به آرامی مفهوم خودا از دست‌میداد .

این یاد هاوخاطره هادر پی هم‌در ذهن من جاری میگردند تاآنجا که‌به تحول شش جدی مرحله نوین‌تکاملی انقلاب میرسم وقهر و خشم توده‌ها واندیشمندی و رهبری داهیانه حزب وسقوط فاشیزم در شامگاه یك‌روز اسطواره ها رامی شنوم که :

حق را بر باطل پیروزی‌است

نیم ساعت بعد برید جـــنرا ل محمد رفیع باز میگرددو به‌بازگشت زمانی ذهنی ام پایان میدهد .

• • •

میگویم ژوندون این هفتگی نا مه خانوادگی همه خانواده های کشور میکوشد در گفت وشـــنود ها ی اختصاصی خود با هیئا ت کا بینه همه پیرایه های تشریفا تی راکنار گذارد واز زبان خانواده ها آنچه‌را که برایشان مبهم است به طـر ح آورد وپاسخ دهد که این لازمه اش صراحت است با استفاده از آزادی های دموکراتیك وبر همین اسا س به اجازه تان مسایل را نه در پرده استتاره نگه‌میداریم و نه در قیـــد کلمات به‌آن شعار میدهیم..

بالبخند گرمی که به لب دارد و صدای آهنگ دار وپر طنین کـــه اراده و مصمم بودن را القاء میکند آمادگی اش را ابراز میدارد و مـــن نخستین پرسش رابه طرح می آورم . لطفا به صور ت فشرده و جامع توضیح دهید که شرایط دفا عـــی کشور وباالخصو ص مسایل دفا ع از دست آورد های انقلاب به‌ارتباط جنگ اعلام ناشده وتحمیلی که با ضد انقلاب وجود دارد در پیش از تحول شش جد ی ۵۸ بچه گو نه بود، بعد از تحو ل در ابعاد کمی و کیفی خود چه خصو صیتی گر فت ودر مد ت کمتر از یکسا ل و نیـم که از پیروز ی مر حله نوین تکاملی انقلاب میگذرد شما مو فقیت ها ی خودرا چگو نه در این زمیـــــنه ارزیابی می کنید ، چه عده ای چنین استدلال میکنند که بابه میا ن‌آمدن تحول ٦ جدی میـــزان بر خـــورد های مسلحانه باعما ل ضد انقلا ب وسعت بیشتر ی یافته وایـــن در مجمو ع واز نظر برخی ازمنتقدا ن دو مورد رامیتواند موید باشد :

یـــك اینکه تعداد عمال ضد انقلاب فراوان تر شده‌است و دو دیگرآنکه قوای مسلح ،قوای امنیتی وگرو ه های مقاو مت ودفا ع از انقلا ب به خاطر موقعیت استرا تیژ یك‌دشمن در جبها ت جنگ ودارابود ن سنگر های مستحکم آنان در امر سر کوب ساختن شان دچار مشکلا ت مـــی باشند .

شما این مسئالهٔ .راچگونه‌توجیه می‌کنید ؟

وزیر دفا ع پیش از اینکه بـــه پاسخ مستقیم این پرسش بپردازد برای یك بررسی کا مل از اوضا ع واحوال پیش از انقلاب و ضرورت دگرگونـی های کـــیفی و عمقـــی جامعه واز میا ن بر داشتن ضوابط پوسیده فیو دالی میپر دازد ،شرایط ماه های آغاز وپیروز ی انقلا ب را با یك علت یابی علمی و دقیـــق در رابطه با فرا کسیو ن باز ی هایی که‌از طرف امین وباندش به وجود آمد شرح میدهد نیات اعمال‌خائینانه پنهان وآشکار امین رابه‌پیوند بـا ارتجاع بین المللی یك بیك بـــر میشمارد وبعد اضافه میکند که :

.. دشمنان انقلا ب ، ار تجـا ع داخلی ومنطقه ، امپریالیزم شیطان منش ودر راس امپریالیزم امریکا و وابسته گان متحد ش مانند چین ، مصر، نظامیگران پاکستا ن وارتجاع عرب که بانجا ت به موقع انقلا ب ومردم از انحرا فی که قرار بـــود به خواست آنا ن وبه وسیله امیـن در مسیر حرکت آن به وجود آورده شود از تحقق خواست های شو م‌و ننگین خود نا امید گشتند این بار کوشیدند بابراه انداز ی توطئه ها ودسایس و ریا ورزی ودروغپردازی وپروپاگند های سراپا فر یب‌پیوند عمیق میان مردم ورهبر ی جدیدرا گسسته سازند چه آنها که شاهـد استقبال گرم ، پر حرار ت ،انقلابی و وطنپرستانه همه اقشار و طبقات تحت ستم جامعه ما از رهبری حزب ومرحله نوین تکاملی انقلاب شـده بودند میدانستند که این دو لت با رهبری حزب دموکراتیك خلق افغا- نستان جز آرامی مردم افغا نستا ن رانمی خواهد وهر روز پیو ند مردم باحزب ،دولت وانقلاب عمیق تر می گردد وبناء دیگر هیچ امید ی برای آنان وکامیابی طرح‌های ننگین شان به جای نمیگذارد ، بر همین‌اساس آنهاکه در دوره امین و به کمك‌خود وی توانسته بودند قوای مسلح ما را در ابعاد کمی وکیفی آن دچـــار سستی سازند وا زقدرت آن بکاهند این بار نیز برای وارد آورد ن‌ضربه های کاری بر پیکر انقلاب‌وجلوگیری ازبالندگی آن وناکام ساختن و یا مسخ واقعیت های دست آوردهای انقلاب دریك اتحاد نا مقد س باز هم امپریالیزم امریکا ، شئونیز م چین ،حکو مت نظا میگر پاکستان‌و ارتجا ع عر ب گرد آمدند ، باندهای ترور یستی وآدمکشی رادرپارکستان زیر تربیه نظامی قرار دادند ، پول واسلحه در اختیار شا ن گذا شتند و آنان رابه کشور ما صادر کردند تابا ترور وآدمکشی و قتل وغارت وچور وچپاول وویرا نی آتش‌سوزی ودیگر اعمال ضد انسانی‌خودانقلاب را دچار شرایطی مشکل و دشوار سازند ، آنها بسیار کوشید ندکه در این دوره نیز در قوا ی مسلح قهرمان ما هما ن شرایط دوره امین و باند او را مسلـــط سازند کـــه خوش بختانه‌بارهبری‌داهیانه حزب، دولت وپیوستن مردم به صفـو ف انقلاب وکمك به موقع برادرا نه و دوستانه دوست بزرگ افغا نستان کشور شورا ها وتصامیم بجا و به موقع مشاورین بزگترین مشـکلات در این زمینه حل شد .

شما میدانید که در دوره ظلم ، استبداد وبیداد گر ی وجنا یـــت پیشه گی امین وباند او بهتر یـن فرزندان این آب وخاك شهیدشدند ویادر زندان ها و شکنجه گاه‌ها ی امینی جای گرفتند که در پهلـــوی عوامل بالا این مورد هم بسیار نقش داشت که‌باپیروزی مر حلـه نو ین تکاملی انقلاب آنانی که از زیـــر شکنجه دژخیما نه امین‌سربه‌سلامت برده بودند دوباره آزاد شدند در قوای مسلح در پست های خودجای گرفتند و قدر ت و نیرو ی قوا ی مسلح را واپس به آن‌برگردانیدند.

بقیه‌درصفحه٤٦

رزمندگان دلیر حزب قهرمان دموکراتیک خلق افغانستان!
صفوف خویش را به دور کمیتهٔ مرکزی ح . د . خ . ا و بیروی سیاسی آن هرچه فشرده تر متحد سازید نیروی شکست ناپذیر ما در وحدت پولادین ماست

به مناسبت سومین سالگـــردانقلاب ثور

اسمعیل محشور

انقلاب ما پیروزمند است

انقلاب شکوهمند و ظفرمندی کـه بتاریخ ۷ ثور ۱۳۵۷ به اراده مردم د لیرافغانستان وتحت ر هبری حزب د مو کراتیک خـلق افغانستان در میهن ما بر قله‌های پایمردی و شرف وایثار باز هم مردم با شها مـت افغانستان سرود پیروزی سرائید ، یـک حادثه‌ای مجرد ومجزا و منفـرد نبود بلکـه حادثـه‌ای بود طولانی کـــه شناسنامه اش از طلوع وافول ، فراز و نشیب ، کو د کی وبلوغ ، افتادن ها و بر خاستن‌ها آموزش‌ها وتجربه ها روایات فراوان دارد . این‌رویداد سترگ تاریخی که جان های زحمتکشان را از شر، یك رژیم فاسد سلطنتی‌وامپریالیزم حامی آن با خود به ار مغان آورد ، متکـی بر گذشتهٔ سر شار از نبرد هـــای انقـلابی در عر صه های گو ناگون حیات ا جتما عی بود .

حزب د مو کراتیك خلق ا فغا نستـــا ن این ساز مانده ا نقلاب ثور ، ا ین حزب طبقهٔ کار گر و کلیه ز حمتکشان کشو ر بخود می بالد که بحیث نخستین ساز مـان سیاسی در افغا نستـان دا نش انـــقلا ب اجتماعی را در دسترس طبقات واقشارمختلف زحمتکش میهن قرار داد ، پشتوانهٔ تئوریك انقلاب ملی و دموکراتیك مردم افغـانستان را تدارك دید ، سمت و جهت و ما هیت و محتوی ا نقلاب را با تحلیل و ضع خـاص اقتصادی ، اجتماعی افغانستان ، تعیین نمود وموجز اینکه چراغ ر هنما را فـــراز راه رهنوردان استقـلال ، آزادی و دموکـراسی واقعی روشن کرد .

آری درپرتو همان رهنمود ها و به ارادهٔ مردم دلیر ما انقلاب ملی و د مو کراتیك ضد ا مپر یالیستی و ضد فئودالی ثوربه پیروزی رسید و در تاریخ ا فغـا نستا ن برای نخستین بار قدرت حا کمه به مـردم تعلق گرفت .

انقلاب ثور در جا معهٔ ما تحول و جـهش شگرفی بود . انقلاب از همان آ غازپیروزی اقدا مات سریع ، مثمر و جدی را بـرای خوشبخت شدن مردم ا فغا نستان‌وشگوفانی واعمار میهن باستانی و با عظمت ما ر وی دست گرفت و درین راه قدم های چنـد هم برداشته شد .

آری انقلاب شکو همند ثور که درکشورما پیروز شد ما هیتا ا نقلابی بود ملی ودمو- کراتیك ضد فئو دالی ، ضد سلطنتی وضد امپر یالیستی که راه را برای‌ر سیدن به‌جامعهٔ ایده آل و انسانی باز نمود و لی با تا سف باید اظهار داشت که بنا بر تو طئه ضـد حزبی ، ضد دو لتی ، ضد انقلابی و ضد ترقی، ارتجاع و امپریالیـزم در وجود امیـن این جاسوس شنا خته شدهٔ سی ، آی، ای وبا ند فا سدش نه تنها ا قدا مات فوق - متوقف گردید بلکه خط السیر ا صو لـــی واصلی انقلاب کنار گذاشته شد و ا نقلاب‌به بیراهه کشانیده شد . البته باید بصراحت گفته شود که انحرافی را که امین به حـکم با داران ار تجاعی و امپر یالیستی خـــود وارد آ ورد ، به این معنی نیست که‌ماهیت انقلاب ثور د گر گون شده باشد ز یـــرا وضع جا معه و د رجه رشد و تـــکا مـل آن حکم می نماید که چنین باشـد چنـا نکه ببـرك کـارمل منشـی عمومی کمیته مرکزی حزب د مو کراتیك خلق ا فغانستان رئیس شورای انقلابی و صدراعظم جمهـــو ر ی د مو کراتیك ا فغانستان در بیانیهٔ علمی و انقـلابی شان بـــروز شـانـزدهـم سنبلـه سال گذشته خطاب به رو شنفکران شهـر کابل چنین فرمودند :

((تحول ا نقلابی که در ۷ ثور ۱۳۵۷ آ غاز گردید ما هیتا و خصلتاً انقلاب‌ملی‌ودموکراتیك ضد فئو دالی وضد امپر یالیستی بوده و هست ، ا ینکه مشتی چند از خا ئنین‌عمال ساز مان جاسوسی امپر یالیستی ا مـــریکا موقتا انقلاب را از مسیر ا صو لی‌آن منحرف ساخته ومی خواستند استقـلال کشـور ما را از میان بر دارند د لیل بر آن شده نمی‌تواند که در اصل ما هیت ا نقلاب وا قعی خلـق افغانستان انقلاب ملی ود مو کـــرا تیك کوچکترین شك و تر دید ی بوجود آید...))

توطئه و دسیسهٔ ا رتجاع که در و جـود امین‌علیه حزب وانقلاب و میهن ما عمـــلی گردید باز هم به ارادهٔ تزلزل نا پـــذ یر مردم دلیر و طن و به پایمردی ار د و ی دلیر افغانستان با قیام پیروز مند ٦ جد ی ۱۳۵۸ نقش بر آب گردید و انقـلاب بـــه صراط المستقیم سوق گر دید و خطر جدی وهو لناکی که استقلال و تما میت ا ر ضی کشور را در معرض خطر قرارداده بود ازبین رفت، آری روز٦ جدی روزپر افتخار وپر - ارج د یگری ا ست د ر تاریخ کشور ما ، درین روز مردم بلا کشیدهٔ افغانستان دژ - خیم فا شیست و باند جانی اش را بسزای اعمال شان رسانیدند وانقلاب و میـهن را نجات دادند و مر حلهٔ نوین و تـکا مـــلی انقلاب آغاز گردید .

مرحلهٔ نوین و تکا ملی ا نقلاب‌ثور همانا ادامهٔ اصو لی ا نقلاب شکو همند ثوراست ونباید درین مورد شکی داشت .

پس از پیروزی مر حلهٔ نوین ا نقـلا ب ثور ز عا مت ا نقلابی حزب و دو لت‌بااتکاء بر تصمیم خلل ناپذیر مردم د لیر ومستقل وآزادهٔ افغانستان در راه د فاع از آ زا دی، استقلال و تما میت ار ضی و حا کمیت ملی کشور داخل اقدام شد. مرحلهٔ نوین‌وتکاملی انقلاب ثور ، آرمان ها والا وکبیر انقـلاب ثور را از آ لو دگی و انحـراف عـمدی و اشتبا هات مر گبار نجات داد و با ا تکـاء برتئوری ا نقلابی ا صول واقعا انقلا بی را در کشور احیاء نمود . واقعیت های فوق‌را می توان در اسناد معتبر حزبی ،با بیا نیه‌ها انقلاب ثور ، آرمان های والا وکبیر انقـلاب مرحلهٔ نوین ا نقلاب ثور بو ضوح مشا هده واحساس نمود .

کارمندان موسسات تعلیمات‌عالی و علمی !

برای پیشبرد امور اقتصاد ملـی،متخصصین ورزیده و کادر هـــای وفادار به منافع مردم وانقلاب‌تربیـه‌کنید .

زحمتکشان افغا نستان‌انقلابی!

وحدت خویش را با خلق هـــای جهان به خاطر آزادی ، استقلال ملی وترقی اجتما عی مبارزه علیه امپریا- لیزم ، شوونیزم ، استعمار وتبعیض نژادی نیرو مند تر سازید .

اولین عمل د وامدار حزب و د و لت با اتحاد نزدیك با مردم و با شر کت ار دوی قهر مان ، خارندوی و طنپرست واردآوردن ضربات کشنده و قاطع بر عنا صر ضـد انقلاب این با ند های صـادر شده از خارج ومسلمان کش می باشد و با این عمل، پلان های شوم قوای امپـریالیزم جهانی هژمونیزم چین وارتجاع منطقه وپترو دالر که می خواهند حاکمیت فئودال ها و عناصر وابسته بـه امپریالیزم را احیاء نمایند ، نقش بر آ ب گردیده ومیگردد. بزرگترین‌اقدام دولت‌مترقی‌و ملی ماهمانا تدارك‌کنفرانس نیروهای ملی و وطن پرست جمهوری د مو کراتیك‌افغانستان برای ایجاد جبهه وسیع ملی پدر و طـــن می‌باشد که نخستین جلسهٔ با شکوه آ ن با شرکت نمایندگان طبقات و اقشار و ملیت های مختلف کشور در نخستین سا لگـرد مرحلهٔ نوین انقلاب ثور یعنی بتاریخ ٦جدی ۱۳۵۹ در کابل دایر گردید جبههٔ ملی و وسیع پدر و طن که حزب و دو لت انقلابی ما مجدانه در صدد تشکیل آ نست بهترین شکل ساز مانی تمام نیرو های ملی و وطن-

ـ خلق های افغا نستان از مبارزه خلق های جهان در امر تبدیل بحر هند و منطقه خلیج فارس به منطقه صلح پشتیبانی قاطعانه می نمایند.

پرست واقعی و ساز مان های مربوط شان می‌باشد . این جبهه شکل مطمئن و آزموده شده ساز مان توده های مردم بر ا سا س آرمان های ملی و د مو کراتیك ا ست که تئوری ا نقلابی و تجربهٔ تاریخی جنبش های انقلابی جهان و هم چنان تجربهٔ سیا سی حزب دمو کراتیك خلق افغانستان و نهضت انقلابی میهن ما موید آنست .

ببرك کار مل منشی عمومی کمیته مرکزی حزب د مو کراتیك خلق ا فغا نستان رئیس شورای انقلابی و صدراعظم جمهو ر ی دمو کراتیك افغانستان ضمن خطاب به کنفرانس نیرو های ملی ووطن پر ست کشور به تاریخ ٦ جدی ١٣٥٩ درین مورد چنین فرمودند : « ... جبههٔ ملی پدروطن سیستم و سیع و توده ای ساز مان های اجتماعی ، سیاسی است که ستون فقرا ت آنرا اتحاد کار گران ودهقانان تشکیل‌میدهد وتمام طبقات ، ا قشار و گرو هیای ملی و دمو کراتیك همه نیرو های ا جتماعی‌ومذهبی وطن پرست را برای همکاری بخاطر منافع وطن مان افغانستان ا نقلابی متحد می - سازد . . . »

ـ همو طنان نجیب !

دوستی برادرانه ، همبستگی انقلابی و همکاری همه جا نبه رابا خلق اتحاد شوروی تحکیم و تکامل بخشید .

دو لت ملی و متر قی ما با اتکاء بر تئوری ا نقلابی بخوبی دانسته است‌که‌بدون رفع عقب ماندگی ا قتصا دی ر سیدن‌باهداف انسانی و شرافتمندانه ممکن نیست به همین سبب و بر ا ی ر سید ن به همین هدف تو جه دو لت به رشد ا قتصا د ی کشور همه جانبه و با ابعاد گسترده جریان دارد . البته باید اذعان داشت که مداخلات دوامدار نیرو های ار تجاع و امپر یالیزم‌بین- المللی نه تنها آرامی مردم مارا برهم میزند

بلکه سد را پیشرفت و ا نکشاف سریع کشور ما نیز می باشد یعنی ا گر مداخلات وجنگ اعلام ناشدهٔ امپریالیزم وارتجاع علیه

مردم و میهن وانقلاب ما و جود نمی دا شت آهنگ رشد اقتصادی واجتماعی کشور ما به مر ا تب سر یع تر می بود . علاوتا باید اظهار داشت که در نتیجهٔ اعمال خرابکارانهٔ ار تجاع و عمال فرو خته شدهٔ آن به ز راعت ، صنایع، ترانسپورت مراکز آ مو زشی و فر هنگی ، صحی‌ودیگر سکتور های دو لتی و خصو صی صد ما ت جبران ناپذیری وارد آمد است . و لی این تلاش های ار تجاع در نتیجه کار و پیکا ر انقلابی مردم ما و بکمك دو ستان‌بین‌المللی مردم ما در راس کمك های‌بیدریغ وبرادرانهٔ اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی ، نقش برآب است و خوا هد بود .

کار واقدام بزرگ د یگر دو لت انقلابی ما تدوین و تنفیذ اصول ا ساسی جمهوری دموکراتیك افغانستان بمثابه قانون اساسی موقت کشور می باشد که با در نظرداشت خواست ها و آ مال مردم و با تو جه به مرحلهٔ خاص کنو نی کشور طرح و تد وین گردیده است .

دراصول اساسی جمهوری د مو کرا تیك افغانستان تساوی حقوق میان همه ملیت ها واقوام و عدم مو جودیت تبعیض حکم گردیده است . تساوی حقوق میان زن ومرد در اصول ا ساسی جمهوری د مو کرا تیك افغانستان صریحا ذکر گردیده ا ست .

هکذا یك اصل‌مهم دیگر در اصول اساسی جمهوری دموکراتیك افغانستان نه تنها احتر ام به دین مقدس اسلام صریحا ذکر گردیده بلکه ر عایت و دفاع ازدین مقدس اسلام‌درج گردیده است‌درماده ششم اصو ل اساسی جمهوری د مو کراتیك افغانستان‌گفته شده است که : جمهوری دموکراتیك افغانستان دولت مستقل و دموکراتیك تمام مردم مسلمان وزحمتکش کشوراست در کشور ما احترام ، رعایت و دفاع از دین مقدس اسلام در عمل تا مین شده و برای تمام‌مسلمانان آزادی اجرای مراسم مذ هبی تضمین میگردد. دولت این وظیفه را بد و ش گرفته است که به فعالیت و طنپر ستا نه علما و رو حانیون در جهت ا جرای وظایف ووجایب‌شان‌کمك ومساعدت نماید ولی هرگز به کسی ا جازه داده نخوا هد شد تا د ین مقدس اسلام را علیه منافع‌والای مردم‌مسلمان افغا نستان ا ستعمال سوءنماید.

درساحهٔ سیاست خارجی دولت جمهوری دمو کراتیك افغانستان کما فی ا لسا بق بحیث یك کشور غیر متعهد و مستقل‌ووفادار به منشور ملل متحد باقی مانده و در راه مبارزه علیه تشنج بین المللی و در راه‌تقویت همزیستی مسا لمت آ میز و دیتانت و قطع مسابقات تسلیحاتی فعالانه سهم گرفته است . هکذا دو لت جمهوری د مو کرا تیك افغانستان جدا خواهان ر فع اختلافات وسوء تفا همات در منطقه از را ه صلح آمیز ومفا همه بوده و می باشد و همیشه ا رادهٔ خودرا مبنی بر مذاکره با همسا یگان بدون شرایط قبلی ابراز داشته است .

ـ کار مندان موسسات دولتی !

شیوه های سا لم رهبری دولت‌را تکامل بخشید ، در جهت بهبود سازماند هی امور ، انجام به موقع‌ودقیق تصا میم حزب و دولت و محو همه‌مظاهر بیرو کراسی و کار شکنی‌صادقانه تلاش ورزید به خواست های زحمتکشا ن بر خورد دقیق ومسوولانه نمایید .

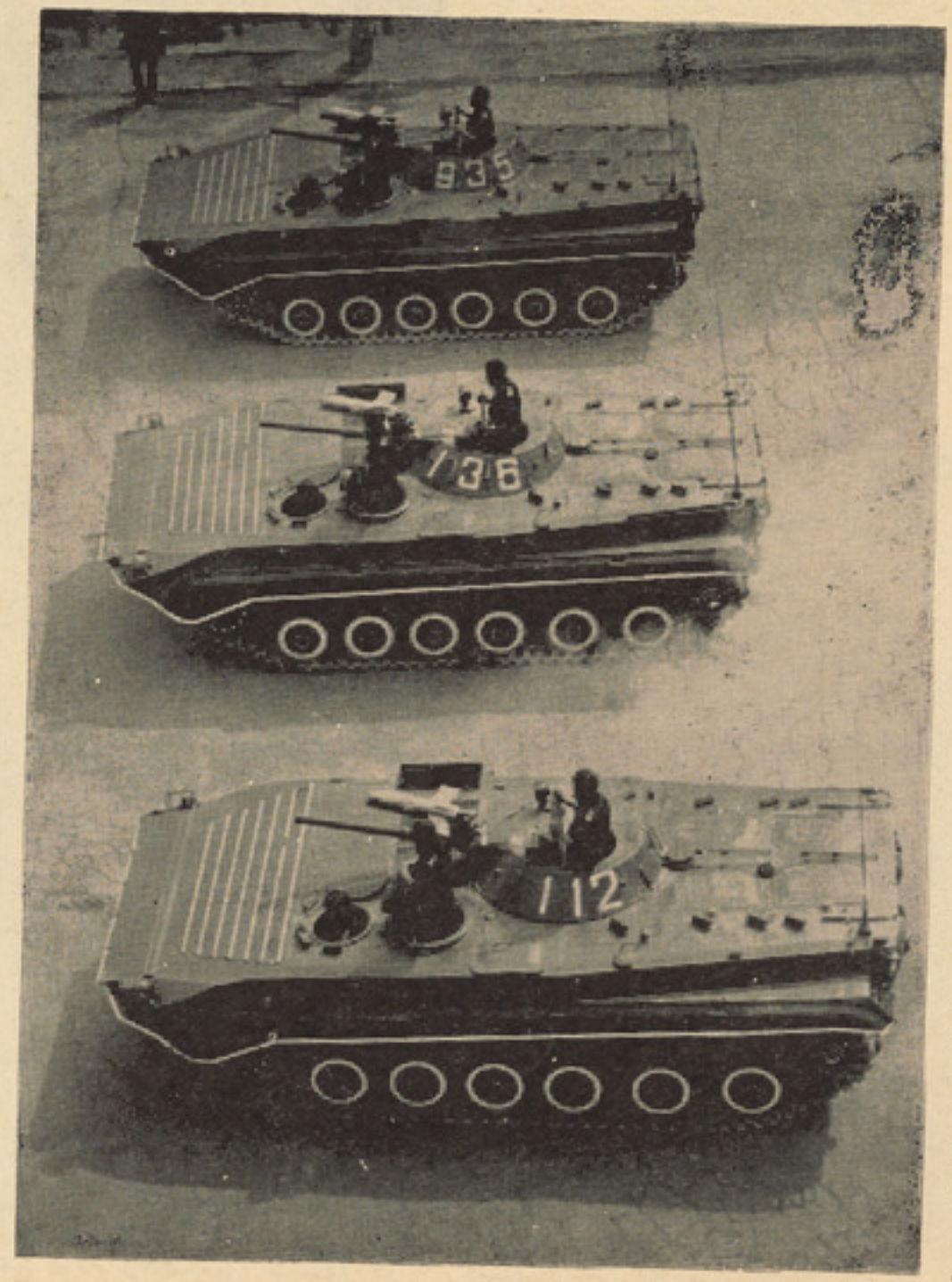

در ساحهٔ رشد ا قتصادی و اجتماعی‌کشور باید متذکر شد که باوجود دوام جنگ‌اعلام- ناشده علیه جمهوری دمو کراتیك افغانستان که از طرف امپریالیزم جهانی در راس امپر یالیزم ایالات متحده دوام دارد مردم ما به پیشرفت هائی در سا حهٔ ا قتصا د ی و اجتماعی د ست‌یافته است . تولیدات غیر- خالص ملی در سال ١٣٥٩ نسبت به سال قبل ٤ر٣ فیصد کم بود و لی در نتیجهٔ کمك های کشور های دوست در راس اتحاد شوروی بزرگ عا ید ملی چار فیصد افزود گردید .

موجز اینکه در پلان طرح شدهٔ انکشاف اقتصادی و اجتماعی سال ١٣٦٠ کو شش شده است که با درنظر داشت مشکلات موجود و درك شرایط خاص فعلی راههای حل پرابلم های مختلفه علما سنجیده شده است .

اینك که در آ ستا نهٔ سو مین سالگرد پیروزی ا نقلاب شکو همند ثور قرار داریم وباپیروزی مر حلهٔ نوین و تکا مل ا نقلاب شرایط و امکانات همه جا نبه برای ر شد وترقی میهن و بهروزی مردم مهیا می‌باشد. مردم ما تفنگ به شانه و افزار کار بدست در راه دفاع از آ ر مان های ا نقلاب واعمار جامعهٔ نوین و خو شبخت کار و پیکار می- کنند .

زنده باد مردم افغا نستان این سازندگان جامعه نوین .

زنده باد آزادی . صلح و دمو کراسی واقعی .

زحمت کشان میهن ما سوّمین جشن پیروزی انقلاب

ـ انقلاب شکو همند ثـور آزادی اجرا ی مراسم دینی و مذهبی تما م مسلمانان کشور را تضمین کرد .

• • •

تشکیل جبهه ملی وسیع پدرطـن مشت کوبندهٔ دیگر ی است که بر دهن دشمنان انقلاب ثور فرود می‌آید .

انقلاب بر گشت ناپذیر ثور که بر اراده وحما یت ملیو ن هاانسان زحمت کش کشور ، در بهار سال ۱۳۵۷ به پیروزی رسید با فـرو ریختاندن کا خ دیرین استبدادارتجاع وامپریالیزم همه زحمتکشا ن افغانستان رابه سرنوشت سیا سـی شان مقدر گردانیده بزر گتریـن چر خشی رادر حیا ت سیا سی ، اجتماعی واقتصادی خلق زحمتکش کشور رونما گردانید .

با پیروزی انقلاب دورانسا زثور در تحت رهبر ی حزب دموکرا تیك خلق افغانستان ((پیش آهنگ طبقه کار گر وتمام زحمتکشا ن کشور)) دروازه های سعادت و خوشبختی، رفاه وآرا می وکلیه مزایا ی زنده‌گی انسا نی بر رخ انسا ن زحمتکش واستثمار شونده جامعه ما بازگردید وبر همه اقشار و طبقا ت محرو م والم دیده میهن ما فر صت این امر مساعد گردید تابرای اعمار یـك افغانستان نوین وایجاد جا معـه آباد وشگوفا ن خالی از رنج وعذاب بکار وپیکار سازنده وانقلابی دست یازند وبا دور نمود ن همه موانـع از سر راه خویش به آرزو هـا ی دیرینه وشریفا نه خود نایل آیند.

انقلاب آزادی بخش ثور و دست آورد های نجات بخشـ آن بالای حیات سیاسی ، اقتصادی‌واجتماعی هموطنان عذاب دیدهٔ ما اثرات بسیار ارزنده وسود مند ی رابه جاگذاشته است که هر گز نمیتوا ن از آن‌چشم پوشید . از این جهت است که کار گران ،دهقانان ، ماموران ، پیشه‌ـ وران و سایری اقشار و طبقـات زحمتکش کشور ما همانطور یکه با اراده وحمایت باالقوه وبا الفعـل خود انقلاب دورانساز ثور را بـه پیروزی رسانیدند، امروزنیزازانقلاب ودست آورد های نجات بخش آن با متانت واستواری کامل دفا ع مـی نمایند ودراین راه شریفانه‌ازریختن آخرین قطره خون خود دریغ نمـی ورزند .

اینك که مادر آستانه استقبا ل از سومین جشن پیروز ی انقلا ب ملی و دمو کراتیك ثور قرار داریم خواستیم با بر خی از زحمتکشا ن افغانستان سر صحبت بگشا ییـم تاببینیم مردم ز حمتکش میهـن انقلابی مادر شرایط کنو نی تاریـخ کشور از حلول جشن پیـروز ی انقلاب دورانساز ثور چگـو نه استقبال می نمایند و اثرات ارزنده یی راکه این انقلاب آزادی بخش‌در حیات سیاسی ، اقتصادی ، اجتماعی فرهنگی وکلتور ی آنها به میـا ن آورده است چگونه بیان می دارند .

در آغاز بپا ی صحبت یکتن از سربازان جوان کشور که شب وروز سلاح بدست دارد واز استقلال‌ملی حاکمیت ملی وتما میت ارضی کشور، انقلاب دورانساز ثور و دست آورد های نجات بخش آن دفا ع می‌نماید می نشینیم وبا وی سر صحبـت باز می نماییم .

ـ میتوانید خودرا بخواننده‌گان ارجمند مجلهٔ ژوندو نمعر فـی بدارید ؟

ـ اسم من محمد یوسف استو در لوای‌سی وهفت‌کوماندو مصروف گذشتاندن خدمت مقدس عسکر ی خود می باشم .

ـ از نظر شما به حیث یك‌سرباز جوان که همیشه آماده دفا ع ازمیهن مردم وانقلاب خودهستید با پیروزی انقلاب دورانساز ثور چه اثـرا ت مثبتی در حیات سربازان کشـور رونما گردانیده است .

ـ سوال جالبی است ، انقلا ب دورانساز ثور همانطور یکه همـهٔ داشته های مادی ومعنوی میهن مـا

محمد یوسف سرباز
ژوندون

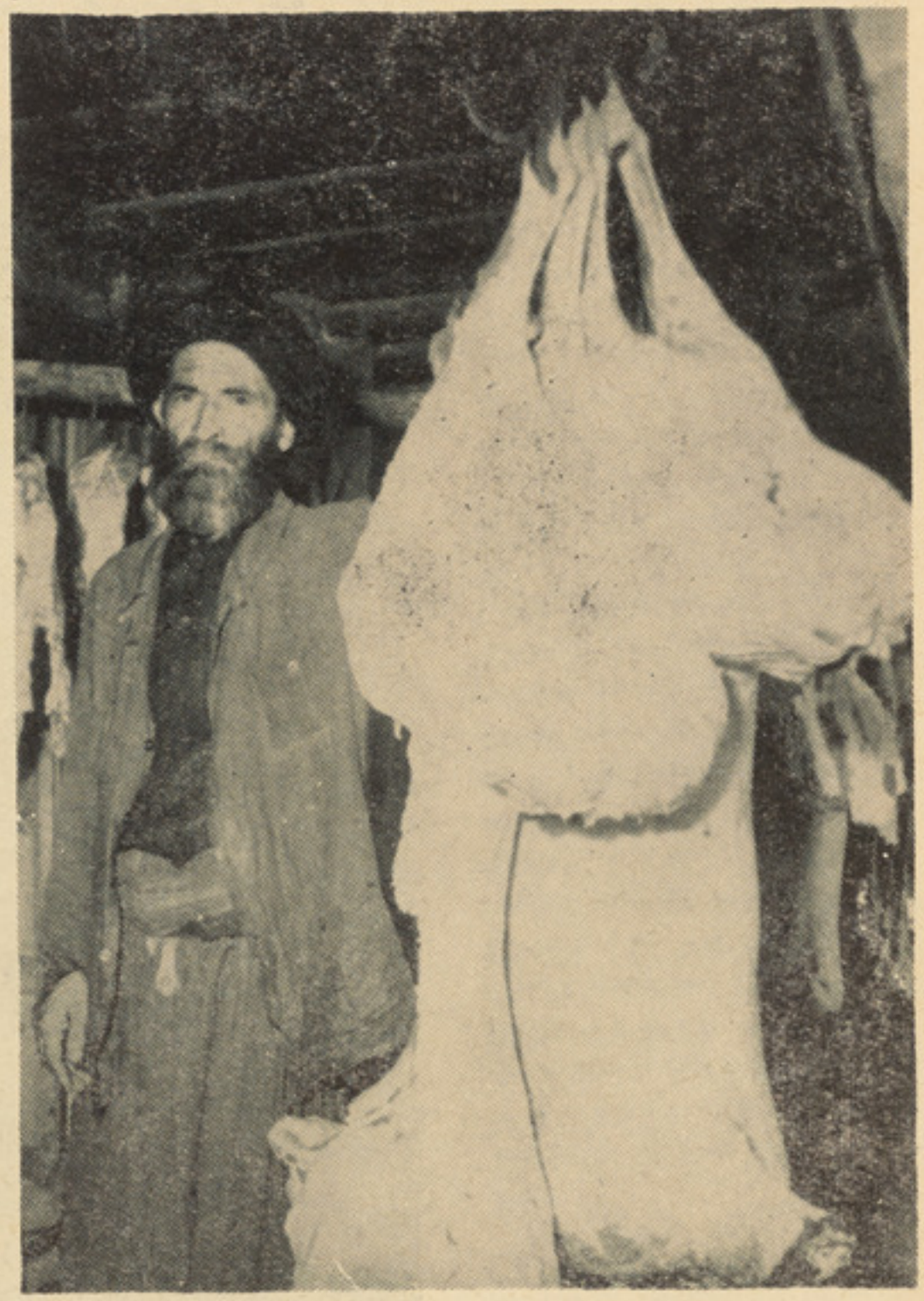

به اثر توجه دولت انقلابی مـا ومساعی مردم زحمتکش کشـور در بازار های شهر اند کترین اثـری‌قلت گوشت به مشاهده نمی رسد

انقلاب آزادیبخش ثور را گرامی میدارند

رابه زحمتکشان کشور متعلق گر- دانید آنها را در خدمت مردم عذاب دیدهٔ ما قرار داد ، اردوی ، دلیرو حماسه ساز کشور راکه در گذشته هاوسیله دنا ع از منافع چند چاکر ارتجاع وامپریا لیزم بشمار می‌رفت درخدمت میهن ،مردم و انقلا ب ما قرار داد وپیوند های عمیقی رامیان

زنان رزمندهٔ وطن !

در زند گی اجتما عی ، سیا سی واقتصاد ی کشور فعا لانه سهیم شوید و دست آورد های انقلاب ثور را تحکیم بخشید .

اردو وخلق زحمتکش کشور بوجود آورد . امروز از برکت پیروز ی انقلاب ثوراند کترین فاصله یی میان اردو ومردم وجود ندارد ،اردو از مردم است ومردم از اردوی‌جوان خود تاپا ی جان پشتیبا نی می نمایند .

قبل از پیروز ی انقلاب‌شکوهمند ثور اردو وسیله اعمال زور و فشار برزحمتکشا ن بشمار می آمد کسانیکه در صفوف قوای مسلح به خدمت مقدس عسکر ی می‌رفتند مورد شکنجه وآزار با لایی هاقرار می گرفتندوحتی به کرامت انسا نی آنها توهین صور ت می گرفت ولی پس از پیروز ی انقلاب دراین وضع دگر گو نی عمیقی به میا ن آمده ودولت جمهور ی دموکرا تیك افغانستان برای محو بقایا ی همهٔ بی نظمی ها ونابرابر ی ها درمیان صفوف قوای مسلح کشور قانون جدید مکلفیت عمو می عسکر ی را طرح وتدوین نمود که همه وجایب ومکلفیت های مارا در صفو ف قوای مسلح افغانستان ترتیب وتنظیم نموده است . با استقبا ل از تنفیذ همین قانون متر قی است که‌هرروز صدها و هزار ها جوان کشورجهت ادای بزرگترین وجیبهٔ قانونی‌خویش یعنی خدمت‌مقدس‌عسکری‌به صفوف قوای مسلح کشور می پیو ندند و عملا در صف مدافعین وطن وانقلاب خویش قرار می گیرند . علاوه براین انقلاب ثور ده ها اثر مثبت وارزنده دیگر ی رابالای حیا ت ماافسرا ن وسربازان قطعات مختلف‌قوای مسلح کشور بوجود آورده است که‌شمهٔ از آن را به طور خلاصه در فو ق تذکر دادیم .

اکنون بسرا غ یکی از هموطنان دیگر خود می رویم که اسمش عبدالقدوس بوده در باغ قاضی شهر کابل به حیث قصاب در خدمت وطنداران شرافت مند خود قرار دارد موصوف‌نظر خود را در مورد تغیرا تی که پس از پیروزی انقلا ب شکوهمند ثور در حیات وی به میان آمده اینطور بیان میدارد :

ـ من از مد ت پنجاه سا ل‌بدین طرف بوظیفه قصابی اشتغال دارم وناگفته پیداست که بعد از پیروزی انقلاب شکو همند ثور در شرا یط کار ما تغییرا ت زیادی به میا ن‌آمده است. در گذشته ها یعنی قبل از پیروزی انقلاب شکوهمند ثور عمل رشوه خوری در کشور ما هر روز قوس صعودی خود رامی پیمود و همه پیشه وان وبخصوص ماقصابان از این ناحیه به مشکلات زیاد ی مواجه بودیم به طور مثال اگر مایك گوسفند رابه مبلغ یك هزار افغانی می خریدیم وبعد از ذبح و فروش گوشت و پوست آن مبلغ چند افغانی مفاد می نمودیم مجبوربودیم که نیمی از آن را به مامور ین شاروالی می پرداختیم تادر جر یان کار ماموانع ایجاد نه می نمودند و به اصطلاح با بهانه قرار دادن این یا آن مسئله از جرم وجریمه نا حق درامان می ماندیم .ولی اکنو ن طوریکه همهٔ ماوشما می بینیم‌هیچ اثری از رشوه ورشوه خور ی در ادارات و دفاتر کشور وجود ندارد و اصناف شهر از این ناحیه تشویشی نداشته بکار وپیشهٔ خود بدو ن هراس ادامه می دهند .

بقیه در صفحه ٦٠

این دو هموطن ماکه یکی پیشه کباب پزی دارد و دیگری خبازی را پیشه خود ساخته است همیشه در خدمت هموطنان خود قرار دارند

کارگران زحمتکش کشور ما از اقدامات نیک دولت انقلابی خود ابراز قدردانی می نمایند

امین کارگر دستگاه‌حفظ ومراقبت فابریکه جنگلك با شور و شوق انقلابی به کار سازندهٔ خود ادا مه میدهد

به حیث یك کار گر سابقه دار که در دوران قبل از پیروز ی انقلا ب آزادی بخش ثور وبعد از پیروز ی انقلاب شکو همند مرد م افغانستان دراین فابریکه کار کرده اید و باگرم وسرد روز گار بسیار بر خورده‌اید این اقدام انسا ن دوستا نه دو لت جمهور ی دموکرا تیك افغا نستا ن رابا لای حیا ت اقتصاد ی خو یش چگونه ارزیابی می کنید ؟

ـقسمیکه بیا ن داشتید من در دوران سیا ه استبداد خا ندان تاریخ زده یحیی نیز در همین شغلیکه‌فعلا بدان‌اشتغال دارم‌کار می کردم در آن زما ن باو صف آنکه بسیار کار می نمود م نه تنها از لحاظ اقتصادی بلکه از لحا ظ روحی نیز دچار مشکلا تی بود م ،بد ین معنی که دولت وقت ونما یند گا ن بیباك آن پیروز ی هایی را که ما

به سلسله گفت وشنود ها ی خویش، پیرامون افزودی معاشا ت کار گرا ن واجیرا ن دو لت که به اثر توجها ت بهی خواهانه دو لت انقلابی ما تحقق پذیر فته است در این هفته به سرا غ کارگران فابریکه جنگلك می رویم و پیرامون این رویداد بزرگ در حیا ت‌اقتصادی آنها باتنی چند از کار گرا ن فابریکه مذکور به پای صحبت می نشینیم تا ببینیم این کار گرا ن عذاب دیده ما افزودی معا شا ت خویش رادر حیا ت اقتصاد ی شان چگونه ارزیابی می نما یند ودرزمینه چه پیامها وگفتنی هایی دارند که‌به خلق زحمت کش کشور وبخصوص صنف کار گرا ن دورانسا ز کشور ابراز بدارند .

در آغاز به دستگاه پر کار ی فابریکهٔ جنگلك می رویم در این شعبه کار گرا ن زیادی مصرو ف کاردیده می شوند واز سیمای هر- یك‌از آن هاچنین برمی آیدکه‌سالیان درازی رادر این‌دستگاه سپر ی نموده اند و از تجار ب زیاد ی در کار خویش بر خوردار اند. ماازیکی از این کار گرا ن زحمتکش که مصرو ف کار می باشد خوا هش بعمل می آور یم تا لحظه یی چند با مابه پا ی صحبت بنشیند و به سوا لات ماپاسخ ارائه بدارد .

ـ میتوانید خودرا بخواننده گان مجلهٔ ژوندون معرفی نمایید ؟

ـ اسم من میر محمد شاه بوده کار گر دستگاه پرکار ی فابریکه جنگلك می باشم .

ـ از چند سا ل بد ین طر ف دراین دستگاه کار می کنید ؟

ـ درست بیست وچهار سا ل‌می شود که من در دستگاه پر کار ی فابریکه جنگلك ایفا ی وظیفه می نمایم .

ـ طوریکه اطلاع دارید دو لت جمهوری دمو کراتیك افغا نستا ن فیصله نموده است تا معا شا ت کار گرا ن و اجیرا ن دو لت راسر از آغاز سا ل جار ی از بیست وپنج تاپنجاه در صد افزا یش بد هد شما

الله نورکارگر دستگاه ساختمانی فابریکه جنگلك درهنگام کاروفعالیت دیده می‌شود

کارگران در جریان کار خود حاصل می نمودیم نادیده می گر فتند وما باآنکه بسیار کار می نمود یم واز لحاظ اقتصادی واجتماعی و شرایط کار در مضیقه قرار داشتیم مورد تهدید قرار میگر فتیم وبه همهٔ کار هایی که انجام می دادیم انگشـــت انتقاد گذا شته می شد و دلیـــل آن هم این بود که زما مدارا نوقت نمی خواستند کار گرا ن کشـــور تشویق شو ند ، شعور سیا سی و اجتماعی کسب نمایند وبا کار پرثمر وانقلابی جامعه خویش رابه مدا ر ج عالی تر قی وپیشر فت سو قدهند زیرا آنها می دانستند که اگر کار گر ان عذاب دیده میهن ما کســب شعور سیاسی واجتما عی نما یند و از لحا ظ اقتصاد ی هم دچارپریشانی و تکلیف نباشند بر ضد هر گو نه بیعدالتی ونابرا بری ها به ستیزه‌بر می خیز ند ، کا خ استبداد آنهارا ویرا ن می نما یند وبا طوفا ن خشم خویش همه دشمنان خود را که‌مانند خس وخاشا ك در سر راه آنهـــا قرار دارند محو ونابود می نمایند. براساس همین دلایل بود که نما ـ یندگان ار تجا ع وامپریا لیز م در دوران قبل از پیروز ی انقلا ب‌آزادی بخش ثور سعی میکردند تا همـــه زحمتکشا ن کشور مارا از لحا ظ سیاسی ، اجتما عی ،اقتصاد ی و روانی در تحت فشار داشته با شند وازاین‌طریق به زعم‌خود مرگ ابدی خویش‌را اندکی‌دورتربسازند، ولی‌با پیروز ی انقلا ب دورانساز ثور همه آرزو های آنها به‌خاك رفت‌و ماکار ـ گران و زحمتکشان افغانستان توا ـ نستیم بر آزاد ی های بر حق ودمو کراتیك خویش نایل‌آمده همه‌رنجها ومشکلات را از سرراه خود بـدور اندازیم .

ولی بعد از پیروز ی انقـــلا ب شکوهمند ثور وبه خصو ص‌مرحلهٔ نوین وتکا ملی آن دو لت ملی ومترقی ما سعی می نماید تا از طرق مختلف زمینه آرامش اقتصاد ی ،اجتماعی ورو حی زحمتکشا ن کشور رافراهم آورد تاآنها بتوانند در یك فضا ی خالی از رنـج و تکلیف به‌کـــار سازنده وپر ثمر خویش در امرطرد همهٔ بقایا ی بیعدا لتی ها ونابرابری هاوایجاد جامعه نوین وشگو فـــا ن خود پیروز ی های زیادی رابدست آور ند .بدین اساس است که دولت ملی و مترقی ما مطابق به ایجا بـات شرایط اقتصادی کشور معاشا ت‌ما کار گرا ن واجیرا ن رااز بیست‌و پنج تاپنجاه در صد افزایش بخشید وبدین ترتیب تحول بزرگی را در حیا ت اقتصاد ی فا میل ها ی ما به میان آورد .

من به حیث یك کار گرحق‌شناس این سر زمین از این اقدا م نیـــك دولت ملی ومرد می خویش ابرا ز قدر دانی می نما یم وبه دو لـــت انقلا بی خویش وعده می دهم که‌تا پای جان در راه آبادی و شگو فانی میهن عزیز خود از هیچگو نه کارو پیکار خستگی ناپذیر دریغ نمی‌ورزم ودر تحت رهبر ی حزب و دو لـت انقلابی خود تا آخرین لحظات زند ـ گی بـر ا ی ر فع انـــواع عقـب ماندگی های کشورم بذل مسا عـی می‌نمایم.

اکنون مادر دستگاه ساختما نی فلز فابریکه جنگلك که یکـــی از دستگا ههای بزرگ‌دیگرآن‌فابریکه‌می باشد قرار داریم و می خواهیم بـا

این کارگر زحمتکش با وجـــودکبرسن کار زیاد انجام‌میدهد

چندتن ازکارگرانی که‌دراین دستگاه کارمی کنند صحبتی انجام دهیم.

ـ لطفا شما خودرا معرفی‌کنیدو بگویید که چند سال میشودکه در این دستگاه کارمی کنید ؟

ـ من الانواز نام دارم وازمد ت هژده سال بدین طر ف‌در دستگـاه ساختمانی فابریکهٔ جنگلك کار می کنم .

ـشما راجع به‌اقدام اخیر دو لت جمهوری دموکرا تیك افغا نستان‌در قسمت افزایش معا ش کار گرا ن‌و اجیران دولت چه‌نظر دارید ؟

ـ از آن جاییکه دولت جمهوری دموکراتیك افغانستان به خواست، اراده وپشتیبانی اکثریت مطلق‌مردم عذاب دیده کشور به میان آمده‌است بدون تردید هر گامی راکه بر می دارد به‌منافع تود ه‌های وسیع مرد م زحمتکش میهن مامی انجامد کـــه افزودی معاشا ت کار گـــرا ن و اجیران دولت را میتوا ن یکـــی از نمونه های بارز آن بشمار درآورد.

من از این اقدام ارزشمند دولت انقلابی خودباگرمی استقبال به‌عمل آورده بدولت ملی ومردمی خویش وعده می دهم که تا جان دربدن‌دارم ازکار در راه آبادی وشگوفا نی‌میهن محبوب خود دریغ نمی ورزم تابه نوبه خود در ایجاد شرایطی کـــه دولت انقلابی ما بتـواند مساعد ت های مزیدی رابرای مردم زحمتکش کشور بخصوص ماکار گر ان‌انجا م بدهد رسالت تاریخی واجتماعی‌خود را انجام داده باشم .

ـ شما عضو اتحادیه کار رگا ن فابریکه هستید ویا چطور و نقش اتحادیه ها ی‌صنفی رادر حیـــا ت اجتماعی واقتصادی زحمتکشـــا ن کشور چگونه ارزیابی می‌کنید ؟

ـ اتحادیه های صنفی در حیا ت اجتماعی ،سیاسی واقتصادی کار ـ گران وزحمتکشان کشور ما و همه جوامع بشری ارزش زیادی دا رند ازلحاظ اجتماعی این‌اتحادیه‌ها مرجع تبـا ر ز آمال و خو ا سته هـــای کـــا ر گـــر ا ن بـوده کـارگران وزحمتکشان میتوانند از طریق این اتحادیه ها دشوار یها ومشکلا تی را که د رحیات خویش بدان رونما میگردند درمیان گذارند ودر رفـع آن اقدام نمایند.

ازنظر اقتصادی نیز اتحاد یـه های صنفی کار گران مزایا ی‌زیادی دارد، یعنی در مواقع ضـــرور ت اتحادیه می‌تواندبه‌آن‌عده اعضای‌خود که‌به‌کمك نیاز داشته‌باشندمساعدت نماید .

از این روخوا هش من از هـمه کارگران دوران ساز کشور ایـــن است‌که به اتحادیه های‌صنفی‌مربوط خویش به پیو ندند ودر چوکا ت این اتحادیه ها صفو ف رزمنـــده وانقلابی خود را فشرده سازند وبا کار وپیکار انقلابی ووطن پرستانه بزودی هرچه تمامتر برهمه‌دشواری ها وناملایمات غلبه حاصل نمایند. حـال بـه سر ا غ کار گـــر ا ن دستگاه حفظ ومرا قبت این فابریکه می‌رویم‌وبا کار گران زحمتکش این دستگاه به گفت وشنود می‌نیشینیم.

از یـــکتـــن از کارگران ا یـن دستگاه که به جلو ما می‌آیدخواهش بعمل می آوریم تاخودرا معر فـــی کند میگوید :

این کارگر دورانساز درکار خودبیش ازبیست سال تجربه دارد.

لطفا ورق بزنید

ـ اسم من امین وتخلصم ((کارگر)) است ودر دستگاه حفظ و مراقبت این فابریکه بیست وهفت سال تجربه کار دار م .

ـ میتوانید راجع به نحوه کار خود اندکی معلوما ت دهید ؟

ـ این شعبه مسئوول حفظ و مراقبت همهٔ دستگاه ها وما شین هایی است که در فابریکه از آنها کار گرفته می‌شود و موظفین این دستگاه وظیفه دارند که همه ماشین هایی راکه در قسمت های مختلف فابریکه به ترمیم نیاز پیدا کنند ترمیم نموده دراختیار کار مندا ن مربوط قرار بدهند یعنی هر کارگر این شعبه باید به کار سایردستگاه ها بلدیت کامل داشته باشد واز عهده ترمیم ماشین های مربو طبدر آید.

ـ اگر در مورد افزودی ماکولا ت کار گران واجیرا ن که در اثر توجها ت نیك دولت انقلا بی ما صور ت گرفته است نظرتان راابراز بدارید خرسند می‌شویم .

ـ در گذشته هایعنی قبل از پیروزی انقلاب زحمتکشا ن افغا ـ نستان که سیستم آقایی وباداری در کشور ما حکمفر مابود میا ن امتیازات کار گران واجیرا ن و مامورین دولت تفاو ت های قابل ملاحظه یی وجود داشت ،ولی با به میان آمدن انقلاب ملی ودموکراتیك ثور در کشور بساط این تفاو تهاو ناهمگونی هاروز بروز جمع میشود و به‌خواسته های برحق زحمتکشان افغانستان پاسخ های مثبتی ارائه میگردد . در اوایل پیروز ی‌انقلاب دولت جمهوری دموکرا تیك افغا ـ نستان به این اصل عمده تو جه جدی مبذول داشت ودر قدم او ل تفاوت میان ماکولات مامورا ن و اجیران وکار گران را ازمیان بر ـ داشت وباپیروی ازهمین امر شریفانه بودکه در مرحله جد ید وتکاملی انقلا ب آزادی بخش ثور دولت ملی ومترقی ماهمانطوریکه ما کولات ماموران دولت را به‌معیار پنجاه در صد افزایش بخشید ماکولات کار گران واجیرا ن رانیز به‌همین پیمانه بلند برد ونگذاشت دراین زمینه میان مامورا ن وکار ـ گران دولت تفاوتی بمیان آید .

از این جا است که همه زحمت ـ کشان کشور به خصو ص صنف کار گرا ن واجیرا ن دولت به‌حقانیت خدمت گذاری دولت ملی ومرد می خویش باور کامل حاصل مینمایند وبدین امر هرچه بیشتر معتقد می‌شوند که دولت همیشه درتلاش آن‌است تاکلیه تفاوت های نا شی ازبی عدالتی هارا درجامعهٔ ما ازبین برده به‌همهٔ زحمتکشا ن کشور زمینه این امر را مسا عد سازد که آزادا نه وشجا عانه کار کنند وبا تصاحب دستر نج خویش‌بی هراس وبدون تشویش امرار حیا ت‌نمایند.

شعبه کپی کشی موتر نیز یکی از شعبات بزرگ فابریکه جنگلك را تشکیل می دهد وکار گرا ن زیادی در آن به کار اشتغا ل‌دارند برای اینکه ببینیم این کا رگران‌زحمتکش ماچه گفتنی هایی دارند به نزد یکتن از آنها قرار م ی‌گیر یم واز اوتقاضا می‌کنیم تا لحظه یی را با ما بگذراند.

ـ نخست اوخودرا چنین معرفی می‌دارد:

ـ اسم من عبدالقدیر کار گر شعبه کپی کشی موتر بوده ازمدت بیش از دوازده سال بدین طر ف دراین دستگاه مصرو ف خدمت می باشم .

ـ لطفا معلوما ت بد هید که تعداد اعضای فامیل شمارا چند نفر تشکیل می‌دهد وآیا معاشی را که درگذشته یعنی قبل از افزودی اخیر معاشات اخذمی‌نمودید مصار ف روزمره ی تان را تکافو می کردیا خیر ؟

ـ تعداد اعضا ی فامیلی ام را، به‌شمول خودم هفت نفر تشکیل می دهد ویگانه کسی که صاحب‌در آمداست خودم می‌باشم وبس .

درمورد اینکه آیا قبل ازافزودی معاشات کارگران واجیرا ن دو لت معاش من تکافو ی مصار ف ام را می‌نمود ویا چطور باید بگو یم نه به هیچ صور ت نمیکرد ،زیرااز یك طرف نرخها بلند بود وازجانب دیگر معا ش که‌من اخذمی نمودم مطابق به معیار نرخهای چند ین سال قبل سنجش گردیده بود که‌با نر خ ونوای‌روز مطابقت نمی‌کردبنا برآن مجبور بودم ماهانه مبلغ دیگری رانیز از دوستان ورفقا ی خود نسیه بگیرم و با صرف آن گذاره اهل وعیا ل خودرا بنما یم .

ـ اکنون که‌باد رنظر داشت‌این مشکل شمادولت موضو ع افزودی معاشات کار گران واجیران را تحقق بخشیده است ومعاشات شما رابه‌یك پیمانه معینی زیاد ساخته است فکر می‌کنید که مشکلات شما تااندازه مرفوع خواهدگشت ؟

ـ آری ! دولت ملی ومترقی ما روی همین ضرور ت مبر م کارگران زحمتکش کشور بودکه در این‌زمینه اقدام عاجلی به‌میان آورده معاشات ماکار گران رابه مقیا س خو بی‌بلند برد تابتوانیم باصر ف آن گذاره شباروزی خودرانموده به کار خود در راه عمران وآبادی کشور وجامعهٔ مان ادامه بدهیم . بدو ن تردیداین رقم می‌تواند اثرات خوبی را در اقتصاد فامیلی ما به‌میان آورد .

محمدسعید یکتن دیگر ازکارگران فابریکه جنگلك بامابه پای صحبت می‌نشیند وباعلاقه زیاد به‌سوالا ت ما پاسخ ارائه می‌دارد .

ـ می خواهم نظرشمارا به‌حیث یك کارگر جوا ن درمورد تاسیس جبهه وسیع ملی پدر وطن بدا نم ، میتوانید دراین زمینه معلو مات ارائه بدارید ؟

جبهه وسیع ملی پدر وطن که‌به ابتکار حزب ودولت ملی ومتر قی‌ما درشر ف تاسیس است وقرار است در آیندهٔ نزدیکی تشکیل آن تحقق پذیرد یکی از اقدا ما ت ارزشمند دیگر ی است که در مر حله جدید وتکاملی انقلاب آزادی بخش ثور در کشور ما صور ت می‌گیرد .این جبهه طوریکه ازنام آن پیدا ست همهٔ اقشار و طبقات زحمت کش کشور رابه پیمانه وسیعی دور هم جمع می‌نماید ودر آن همهٔ اقوا م، ملیت هاوقبایل کشور اشترا ك‌می ورزند و از طریق کار انقلا بی در چو کات این‌جبهه مر د می

بقیه در صفحه ٦١

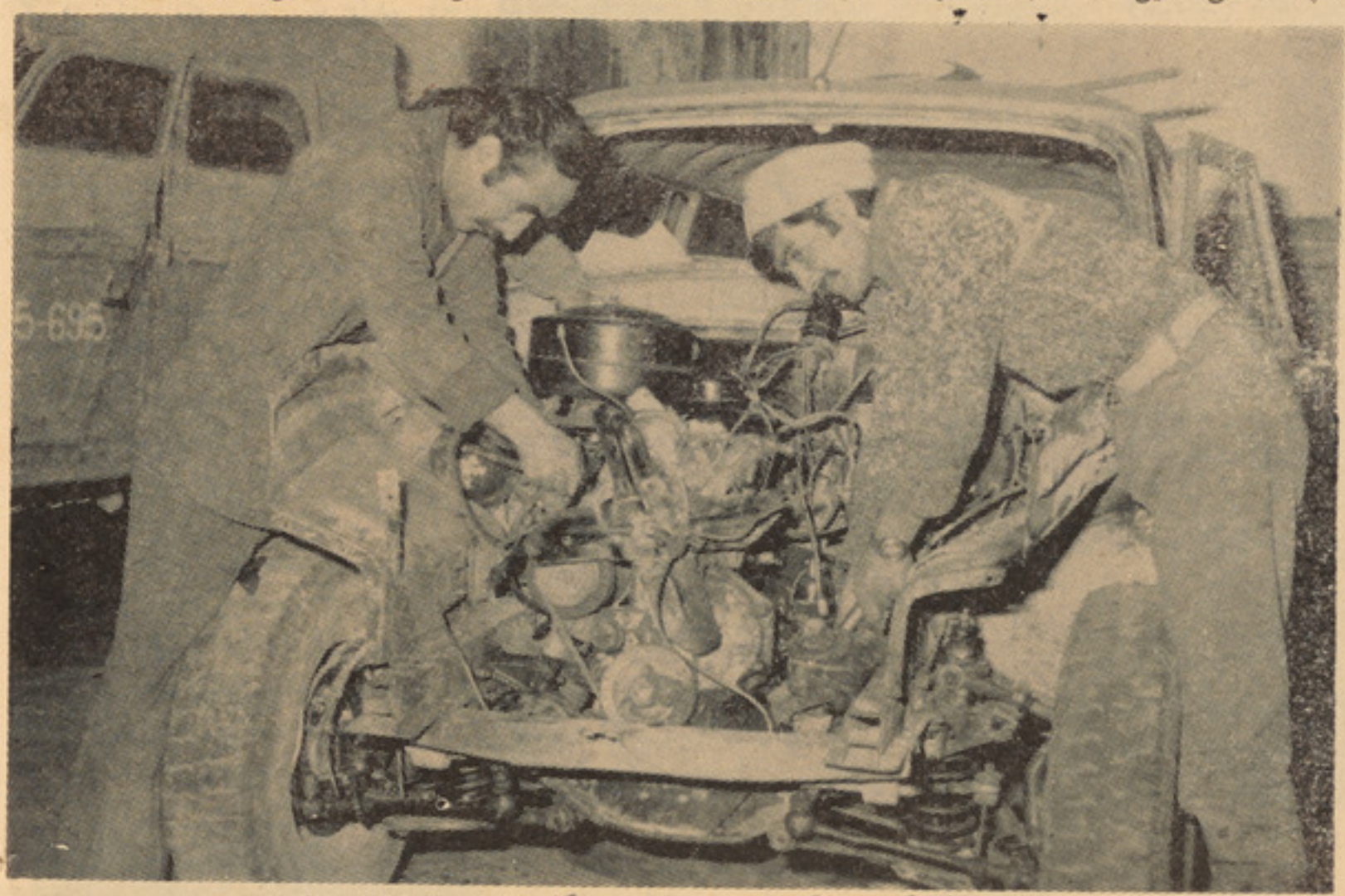

عبدالقدیر کارگر دستگاه تر میم موتر بهنگام ترمیم‌موتری‌دیده‌میشود

ـخلق های افغا نستان به خاطر صلح، همکاری ومناسبات دوستا نه‌باهمه همسا یگان خود تلاش خستگی ناپذیر می کنند .

و ، ای ، لنین

انقلابی بزرگ ودانشمند بزرگ دوست مردم افغانستان

درسر تاسر جهان ۲۲ اپریل هر سال (دوم ثوربمثابه روز تولد دانشمندگران مایه انسان سترگ انقلابی و لادیمیر ا یلیچ‌لنین روز جشن وارج گذاری ز حمتکشان جهان است یکصدو یاز ده سال قبل از ا مروز در چنین روزی بود که متفکر کبیر، بنیاد ـ گذار او لین حزب ا نقلابی طراز نوین و موسس نخستین دولت کارگری و دهقانی ومعلم ز حمتکشان گیتی چشم بدنیاگشود .

تاریخ شاهد است که رجل سیاسی بزرگ و متفکران دا رای بعد جها نی معمولا در دوران های انقلابی پر از مدوجذر در صحنه سیاسی جهان ظهور می کنند، یعنی در زمانیکه جا معه عطشان تحول ا نقلا بی و دگر گو نیهای بنیادی باشد ، اینجا ست که بحکم ز مان شخصیت های ا نقلابی‌وسترگ پا بعرصه می گذارند و رهبری توده هارا برای سر انجام ر سانیدن خوا ست شان بدوش می گیرد .

دورانی که لنین این ادامه د هندهٔ‌پرنبوغ ووفا دار راه ر هبران کبیر ز حمتکشان جهان (مارکس‌ـانگلس) حیات بسر می برد در طول تاریخ بشر بی نظیر بوده دریـن دو را ن بشریت تاریخ جدید خویش را آغاز نهاد وبرای نخستین بار در قسمت و سیعی از جهان نظام عدل واقعی بر قرار گر دید . آری جنبش ا نقلابی این دو ران شخصیتی را در دا مان خویش پر و رش داد و بـه رهبری خود بر گزید که شایستگی بسزائی برای پا سخگوئی بخوا ست دوران داشت .

ولادیمیر ایلیچ او لیانوف ((لنین)) بتاریخ بیست و دوم اپریل سال ۱۸۷۲ در شهر سیمبرسك (اولیا نو فسك کنونی) که در کنار دریایی پرخروش والگا موقعیت دارد پابه جهان نهاد . پدرلنین ایلیانیکولایویچ توانسته بود با و جود تهی د ستی فا میل ازپوهنتون غازان فارغ التحصیل شود و این تنها نتیجهٔ کار و کو شش و ا ستعدا د ش بود . او توانست ا بتدا معلم فا کو لـته بعدا مفتش و سر انجام آ مر فا کو لته‌شود پدر لنین مرد با فرهنگ بود و در راه اشاعه علم و فرهنگ در بین توده ها خـدمـت فراوان کرد . مادر لنین کـه « مـاریـا الکساندر و نا)) نام داشت د ختریك طبیب بود او نیز تحصیلات عا لی داشت و به چند زبان خارجی دسترسی داشت او زن باهوش ارادهٔ قوی ، آ رام و مهر بان بود او بـه فرزندان خویش که سه پسر و سه د ختر بود علاقهٔ فراوان داشت واین شش‌تن‌درتحت تاثیر تر بیهٔ نیك خانوادگی ا شخاص پرکار، پاك و فرو تن و علاقمند به مردم بار آمدند. این شش خواهـر وبرادر همه انقلابی با ر آمدند و حیات خویش را در راه خد مت به مردم و قف کردند .

واما لنین والاترین سجایای طبقهٔ کارگررا درخود یکجا داشت . نبوغ ، عقل، جسارت، انرژی پایان ناپـذیر ، ارادهٔ پـولادیـن ، وفا داری به ار گان های انقلابی طـبقهٔ کارگر، نفرت از غلامی واستبداد وستمگری دشمن بی دریغ با ستم و استثمار ، شهامت واز خود گذری انقلابی ، تر کیب حد اعلای وطن ، وطن پرستی با انـترناسیونـالیـزم پرولتری همه و همه در و جود این‌شخصیت کم نظیر تاریخ جمع بود . مو جز ا ینکه‌لنین دانشمند سترگ در عر صهٔ ا نقلاب وانقلابی بزرگ در عر صه دانش بود .

لنین ۱۶ سال داشت که پدرش‌درگذشت هنوز سیاهی مرگ پدر بر فا میل وی بـال های خودرا جمع نکرده بود که حا دثهٔ دیگری این فامیل را در غم کشاند و آن عبا ر ت بود ا ز اعدام برادر بزرگ لنین(الکساندر) بملت شرکت در سوء قصدی که بجان‌پادشاه خونخوار رو سیه صورت گرفته بود.الکساندر را در ماه مارچ ۱۸۸۷ اعدام کردند لـنین باوجود علاقه و الفت فراوان به برا درخویش در هنگام اعدامش گفت : « نه ما از این راه نخواهیم رفت نباید از ین راه ر فت !)). آری لنین راه قاطع ر هائی از قید ستم وظلم و استثمار را بر گزیده بود . راه مبـارزه طبقاتی را .

لنین در دو رانی داخل پیکار علیه ستم وظلم واستبداد گردید که سر مایه داری از مرحلهٔ ر قابت آزاد به سر مـا یـه داری انحصاری یعنی بمر حلهٔ ا مپر یالیزم‌پانهاده و تمام تضاد های جامعـهٔ سرمایه داری اعم از تضاد های داخلی و بیرونی شد ت وحدت فراوانی کسب کرده بود و هکذا د رین ز مان ابعاد جنبش کار گری گسترش بی سا بقه‌ای یافته و ایجاب می‌کرد تا تاکتیك واستراتیژی علما تنظیم شده موافق بخوا ست شرایـط وزمان تد وین و در عمل پیاده شود رسالت رهبری طرح چنین ا عمال را تا ریخ بدوش لنین گذاشت واو با متوجه بودن به ا هداف

بقیه در صفحه ۱۸

دوستی واتحادخلل‌ناپذیر مردمان‌و اقوام کشور ما ضامن حفظ تمامیت ارضی ، شرف و آزادی میهن محبوب‌ماست .

خلق های افغا نستان هیچگاه،کمك برادرانه اتحاد شوروی را به افغا ـ نستان انقلابی فراموش نخواهنـد کرد.

... او «هغوی» بریالی شول

((هغوی چی ژوندی دی))

دثور انقلاب ددریمی کالیزی په ویاړ •

امین افغانپور

له یوی اوونی نه په کمه موده کی دریم خل ماشیراحمد جگتورن ولید چی‌دکنډلاددیوالی جریدی مخی‌ته ولاړدی او په هغه کی کوم مشخص ټکی ته په خیرخیر گوری • مادغرمی له ډوډی نه وروسته دغه جریده په مفصله‌توگه لوستلی وه، په هغی کی دیو شمیر شهیدو سر بازانو اوپه‌تیره بیادهغودریوتنو سربازانو چی دکنډک په وروستی محاربوی وظیفه کی‌یی بیسا ری میرانه او زړه ورتوب ښکاره کړی و• عکسونه سربیښ وو•اوزموږ دکنډک دمخابری دبریدگی په‌نوم دغنډ دقوماندان دستاین‌لیک متن، په‌پای‌کی‌یی دغنډ دسیاسی آمریت له‌خوا دسربازانوپه غوښتنه دښی وظیفی پیژندنی اوپه وخت او دښه کیفیت لرونکی پخلی په خاطر دقدردانی په نامه دغنډ دآشپز عکس ښلولی و. دوه ستونه‌خبرونه‌اودوه متحدالمال‌هدایتونه دجریدی د نښلولو د تختی په لاندی برخه کی داوروژنی تعلیمات اودکنډک دنو کریوالو جدول خړول‌شوی‌و •

ما داټول لوستی وو• حتی دهغو شهیدانو نومونه می‌هم په زړه وو، مگر هم دشیراحمد علاقمندی دمعلومولو په مقصد او هم بدی هیله چی گوندی کوم نوی شی په جریده کی زیات شوی وی ورو ورو دده دشانه ورنژدی شوم• جریده کټمټ په هماغه حال وه چی ماغرمه لیدلی وه • مگر دشیر خیره له‌اړخ نه‌گورم چی عادی بنه نلری • رنگ یی الوتی ښکاری اودوه سترگی یی دهغو دوتنو شهیدانو پر عکسونو نښتی چی دجریدی پورتنی خوا کی سربښ دی• دی دومره په ژورفکرکی‌تللی چی زمانژدی‌کیدل اوبیا (رسم تعظیم) هم نه متوجه کیږی•

ماو غوښتل چی له ده سره په خبرو پیل‌وکړم اوله ده‌نه خه توضیحات وغواړم ، خوپدی وخت کی دکنډک قوماندان رانژدی شو او زما چټک منځ اړول او (رسم تعظیم) دشیراحمد دچرت سلسله هم وشلوله • دی ورو شیراحمد ته ور نژدی شو •دده پراوږه یی لاس کیښود او په ټیټ آواز یی وویل:

ـشیراحمد ه، دوی خپله وظیفه سر ته ورسوله • ته ډیر مه خوریږه •دوی هیڅکله په مړوکی ندی شمار • هغه لوی کار چی‌دوی کړیدی • تل به دوی دژوند یو انسانونو په خیر هم دنورو سر بازانو په خاطره کـــــی ژوندی وی اوهم په خپلو شاوخوا کـلیوالو بزگرانو کی •••

ـصاحب ، ماهسی دنوکریوالی جدول کوت چی نن شپه د کنډک نوکریوال خوک دی ؟

ـشیراحمده ، دکنډک دقوماندانی له‌خیمی‌نه راجریده له ورایه ښکاریی • زه دی ویښ‌یواخی په‌همدی دو ورځو کی داخورم‌خل دی چی‌تادلته ویښ او همدا اوس می هم ولیدی چی نیـــغ راغلی او په همدی دوو شهیدانو باندی دی سترگی خښی شوی • ستا دا علاقمندی دخپلو سربازانو سره ډیره دقدرو ړ ده • مگر زه‌متوجه کیږم چی دغی علاقمندی عجیبه بنه غوره کړیده چی دیوه صاحب منصب او بیا دیوه ټولی دقوماندان لپاره غیر عادی ده • نه ددی لپاره چی زه‌یی مضروبولم • بلکه فقط دیوه تکی لپاره او هغه دا چی شیراحمد هیرنکړی موږ سترو ظایف په مخکی لرو ، موږ ته نه ښایی چی خپل ذهن کی اندیښنی او غمونه انبار کړو موږ خپلو شهیدانو او قهرمانو سربازانو له خاطر وسره باید بل وړ برخورد او چلندولرو هغه باید دمعینو هدفو وپه ارتباط چی دوی‌د هغو په لارکی سرونه ورکړی ، ټولو سر بازانو ته توضیح کړو او خاصتا ددغو شهیدانو پیام نه یواخی ددی غنډ سربازانو ته بلکه ددی ملك ټولو زیارایستونکو او کړیدلو خلکو ته ورسوو • مادغنډ قوماندانی ته پیشنهاد کړی چی ددغو شهیدانو په برخه کی لازم توضیحات باید په دولتی او عسکری خپرونو کی په‌پراخه پیمانه انعکاس ورکړی شی • په آخر کی‌یوخل بیادا خبره درته کوم چی دشهیدانو له خاطرو سره که دا ډول معامله‌ولرو ، اصلی وظایف به موهیر شی •

شیراحمد غوښتل خه ووایی خو دکنډک قوماندان ماته منځ را واړاوه •

ـخه حال دی • زموږ کنډک دی خوښ شو، خپه شوی خوبه نه یی ، دلته دی له پخوانیو آشنایانو خخه خوك شته که‌نه ؟

ـقوماندان صاحب ، ډیر ښه کنډک دی او خاصتا دیوی اوږدی موده ی‌محاربوی وظایفونه وروسته دلته دکنډک دپرسونل روحیه ډیره پیاوړی ده ، چی‌تر هرشی زیاته زماخوښیږی ـراځی چی ولاړ شو زما خیمی ته ، خورمی له کابل خخه یو توطی شین چای ماته رالیږلی، هغه زما دعلاقی وړ شین‌چای هیڅکله نه هیروی مگر دا وار ی ډیرښه شین چای رالیږلی دی•

خودکنډك دقوماندان په شنه چای کی زموږ نصیب نه‌و • خکه په همدی وخت کی دصاحب منصبانو دټولیو طرم وغږول شواو ټول دغنډ قوماندانی ته ولاړو ، دشپی چی دگزمی خخه خلاص شوم او خپلی خیمی ته تللم په لارکی می‌بیا دکنډك په دیوالی جریدی سترگی واگیدی اودشیراحمد او دکنډك دقوماندان خبری را یاد شوی او ددوی دی خبرو په ماکی تلوسه پیدا کړه چی ددی شهیدو سربازانو په برخه کی کی په خپله‌له‌شیراحمده توضیحات‌ترلاسه کړم•

داسمه‌ده‌چی زموږخونسلونوصاحب منصبانوته په ژوندکی دغسی فرصت نه‌و ترلاسه شوی چی دمسلحو قواوو په لیکوکی دوظیفی دترسره کولو په وخت‌کی‌دو ه‌ره ستری پیښی ووینی دیـــوه ستر آرمـــان لپاره و جنـــگیږی ، نوی‌دوستان پیداکړی.ښه دوستان‌له‌لاسه‌ورکړی یاله هغوی سره په سنگرونو کی داوږدی‌مودی لپاره دمرگ هر کلی ته منتظرشی ، اوبیایا دلږی مودی لپاره اویادتل لپاره سره‌جلاشی. دهغوی په روح کی دقهرمانیو اوسترو کار ناموتوان درك کړی په خینو کی‌په تاسف سره دویری او تـــردیـــد نښی ووینی او لـــه خینو خخـــه ستر قهـــر مـــا نـــان جوړ شی • داچی دمرگ او ژوند په لوبه کی ددوستیو او خواخوږیو اړیکی ټینگیدل اوهغوته دداسی کسانو په خبر کتل چی دیوه سترهدف

• ـ کار مندان ادارات آموزشی ! شیوه ها و بر نامه های آموزشی‌را بهتر سازید ، نسل جوا ن راباروحیه آرمان های والای انقلاب ثور عشق به میهن محبوب مان و آشتی‌ناپذیری در مبارزه با دشمنان‌انقلاب آمادگی و دفاع مسلحانه از دست‌آورد های انقلاب ثور پرورش دهید.

په لوری په شریکه سره ودانگی او پداسی شیبو کی چی‌له شاوخوا خخه گولی اوری نوشااو مخی ته روښی او کین پلوته گوری اواحساس‌کوی چی ددغه جزوتام پرسونل لکه خوارموروته هغه‌کوی چی‌په‌خپل‌هرحرکت سره دملگرو ژوند وساتی او ددښمنانو دشمیر په کمولو سره له خپلو دغوعزیزو موجوداتو سره هغه ضروری او ترټولو ستره مرسته وکړی مگر دشهیدانو په مقابل‌کی دقوماندانانو برخورد پوره منطقی چوکات لری چی‌هغه دشیراحمد له برخورد سره توپیر لـری او همداوجه ده چی زه یی اړکړی یم په هر قیمت چی وی له‌ده نه ددی خبری توضیح او رڼا وی وغواړم .

ماهم خپل ډیر ښه سربازان له لاسه‌ورکړی، ډیر ښه هم صنفیان ، همزولی اوخواږه‌ملگری له لاسه ورکړی ، خو دشیراحمد په ډول یی هیڅکله داسی رنځوروزمه غم اواندایښه نه‌ده احساس کړه ،شیراحمد ته ټول دیوه ښه‌پوه هوښیار او زړه ور قوماندان په توگه احترام لرلی ، دغه متضاد حقایق مادی ته اړباسی‌چی له شیراحمد نه پدی برخه کی حقایق واوړم...

• • •

زه‌یوه اوونی دمخه دغه کنډک ته دپلی‌دوېم ټولی دقوماندان په توگه راغلی وم . شیراحمد دلومړی پلی ټولی قوماندان و. زموږ کنډک دری هفتی دمخه دضدانقلابی اشرارو نه دسیمی دپاکولو له وظیفی خخه راستون‌شوی‌اوولسوالی ته دنژدی غونډ یوپه لمنوکی یی صحرایی اردوگاه تاسیس کړی وه .

♦ یوه اوونی وروسته ماته دا فرصت ترلاسه شو چی له شیراحمد سره دوه په دوه کښینو. موږ دټولی قوماندان دشپی دډوډی نه وروسته دکنډک قرار گاه‌ته وروغو ښتلو او داکمالاتو په برخه کی یی نوی رسیدلی هدایتونه راته ابلاغ کړل .کله چی خپلوخیموته روان وو ماله شیراحمد غوښتنه وکړه چی که خه کار نلری دچای خښلو لپاره دی زما میلمه شی . ده هم ومنله اوله ماسره ولاړ .

وروسته تردی چی چای موو خښه ، له‌هری خوا خخه خبری پیل شوی . دده پوښتنو ته مالنډ لنډ ځوابونه ورکول اودا فرصت می‌لتاوه چی دخپل مقصد خبره ورته طرح کړم ، مگرله نیکه مرغه داسی پیښه وشوه . چی دی خپله زما دمقصد ټکی ته را نژدی شو . هغه هـم داسی چی زما خیمی ته نژدی دسر بازانو له خیمونه درباب غږ پورته شو، درباب دشرنگ له اوریدو سره شیراحمد له ووایه چوپ شو او په اوږده چرت کی ډوب ولاړ . خوناخاپه درباب غږ ودریداو ورپسی سر بازانو آوازونه واوریدل شول چی‌په تـرپ او تروپ سره له خیمی خخه راوتل.داسی ښکاریده چی دډاگی دگزمی وار رسیدلی وی .

درباب دنغمی له پری کیدو سره شیراحمد دیوسو اسویلی نه وروسته سترگی پورته کړی اووی ویل :

ـجمعه خان هم ډیر خوندور رباب غږ اوه . زموږ دټولی سر بازان چی دجمعه خان له‌دی هنر خخه خبر شول په خپلو پیسویی ده ته یو ښکلی رباب واخیست .

ماچی دکنډک دجریدی په عکسونو کـــی دجمعه خان په نامه یو تصویر لیدلی‌و ، نو سملاسی پوه شوم چی دشیراحمد مقصد هماغه شهید سرباز دی ، نوددی لپاره چی دغه فرصت له لاسه ورنکړم ، پوښتنه می وکړه :

ـرښتیا جگتورن صاحب ، هغه بله ورځ دکنډک‌قوماندان‌صاحب‌ستاسودشهید وسربازانو متعلق تاسوته خبری کولی، فکر کوم جمعه‌خان به‌په هماغه شمیر کی وی .

ـهو ، تورن صاحب ، همدغسی ده .

ـ اجازه لرم پوښتنه وکړم، تاسی‌تل دخپلو سربازانو شهادت دغسی ناگراروی ، یا پدی شهیدانو کی خه خاصه استثنا ء شته ؟

ـهم هو او هم نه . هوپدی معنی چـــی هرسربازچی زه له لاسه ورکوم سخت خورـ یږم په تیره بیا دغه موجوده سربازان چی له انقلاب نه وروسته کله چی‌زموږ کنډک له قشلی راوتلی اوپه محاربوی وظیفو یی پیل کړی نودشپی او ورځی له ماسره دی، زیات وخت می درلودچی‌دوی‌له‌نژدی‌اوپه‌بیلابیلو شرایطوکی وپیژنم ،نه یواخی‌ددوی هربوه محاربوی کیفیت او ارزښت راته معلوم‌دی‌بلکه ددوی په‌خصوصی ژوندانه کی می‌هم پوره معلومات ترلاسه کړی دی . مادسیاسی آمریت دهدایاتو سره سم‌تل هغه کوله چی خان دوی ته دومره ورنژدی کـــړم چـــی هیـڅ شـــی له ما خخه پـټ نکړی . نو تقریبا دټولوله خصوصی ژوندخخه هم خبریم . ماته به راتلل چی ددوی کورونوته لیکونه ولیکم . او لدی لاری به دوی زه دخپل ژوند دخوږ واو ترخو خخه خبرولم . پدی ترتیب زه پوهیږم چی کوم سرباز واده کړی ، کوم سرباز کوژده لری ، دچا خو ماشومان دی‌او کوم یو پووړی دی دکـــوم سرباز په کورکی ناروغ پروت دی او داسی نور اوپدی کی داسی‌سر بازان هم شته چی دترخیص له اخیستلو خخه وروسته یی داوطلبانه خپل‌خدمت ته دوام ورکړی او پدی‌ترتیب اوږده مودهوشوه چی شپه اوورځ په تعلیم ، په گزمه ، په پیره په جگړه اوپه استراحت کی سره یوځای یو. نو فکر وکړی چی کله یو سر باز شهید شی. زه‌نه یواخی‌خپل یودستگرملگری بلکه یوملگری اوهغسی یو ملگری چی پـــه اوس وخت کی هم ماته دوظیفی دترسره کولو له مخی او هم له روحی نظره تر هر چا نژدی دی ، اوترهرچا ماته دهغه وجود او ملگرتیا اهمیت لری له‌لاسه ورکوم نو خامخاډیر خواشینی کیږم.

البته دانه ددی لپاره چی بیاهم زما ټول خپگان اواند یښه‌دنظامی‌او پوځی ژوند دطبیعی حدودو په چوکاټ کی‌وی،یعی داسی نه‌گیږی چی دیوه سرباز شهادت ماله اصلی وظیفی او هدف خخه لری کړی ، بلکه دهر سرباز له شهادت وروسته به هغه کوو چی دهغه وینه بی ځایه اوبی اثره پری نږدو. پخپل لازیار او قربانی هغه هدف ته خان ورسووچی دغه وینی دهغه په لارکی توئی شویدی .

ـ بښنه غواړم، که ستاسودخبرو داوروستی جمله زما پوښتنی لپاره اصلی ځواب وی،نوبیا ستاسی داوسنی عمیق او ژور تاثر چی حتی دکنډک قوماندان صاحب یی هم دی ته اړکړچی‌په دوستانه ټکو تاسوله ډیری اندیښنی نه واړوی خنگه توجیه کړو ؟

ـزما خبره لاسرته نده رسیدلی . یعنی ستاسو ځواب می‌په رښتیاهم پوره ندی‌درکړی تورن صاحب پدی شهیدانو کی داسی یوه «استثنا» ستاسوپه‌اصطلاح شته چـی زمایی له طبعی پولی خخه لږ خه ایستلی یم .

ـکه تاسو ته مشکله نه‌وی گیدی شی زه هم یی پوه شم ؟

ـهیڅکله . نه یواخی پدی برخه کی خبری کول .

نوربیا

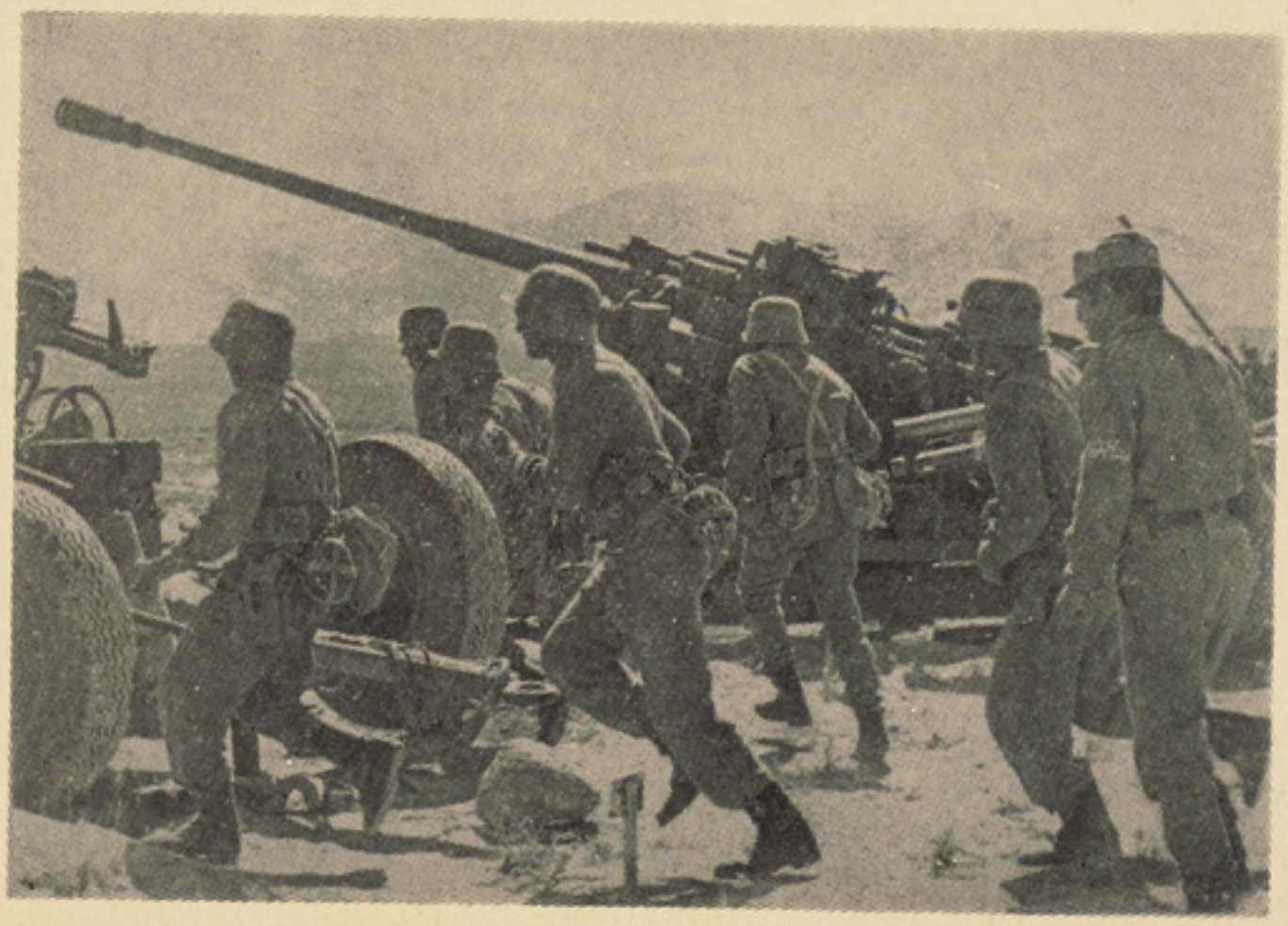

بقیهٔ صفحهٔ ۱۵

انقلابی بزرگ و دانشمند سترگ دوست مردم افغانستان

ووظایف تازه‌ای که طبقهٔ کار گر با آن روبرو بود این رسالت را در همه ابعاد آن تکامل بخشید .

لنین به کار تئوریـــک توجه عمیقی داشت ونیروی عظیمی در ین راه صرف می کرد . او همواره خاطر نشان می سا خت که عمـــل انقلابی و جنبش واقعا انقلابی بدون مجهز بودن به تئوری انقلابی ممکن نیست. بی‌خبری وضعف در دانش تئوری ا نقلابی یك انقلابی را از مشی انقلابی منحرف و بالاخره حتـما ور شکست می سازد و لی لنین تئـو ر ی انقلابی را فقط در پیوند نا گسستنی آن‌باعمل انقلابی‌قابل اعتبار می دانست یعنی بحقیقت پیوستن این گفته کارل مارکس کـه فلسفهٔ انقلابی ، فقط بسنده کردن به تو ضیح جهان نیست بلکه هدف آن د گر گو نـی‌وتغییر جهان‌است .

لنین ۲۳ ساله بود که او لین مقالهٔ خـــود را تحت عنوان ((تحولات نوین ا قتصادی‌در زندگی د هقانی)) که حاوی پنجاه صفحـــه بود در « سا مارا » کنار در یای وا لگـــا نوشت . هکذا آ خرین ا ثر لنین د ر سال

۱۹۲۳ هنگا میکه سخت بیمار بود و دربستر مریضی‌قرارداشت تحت عنوان آخرین‌وصایای لنین به چـاپ رسید او ایـن وصایا را به منشی خویش دیکته کرد ز یرا خو د ش

یارای نوشتن را نداشت . از سال ۱۸۹۳ الی ۱۹۲۳ یعنی در طول سی سال صد ها کتاب و رساله و هزا ران مقاله از او بجا مانده که اکنون تقریبا به همه ز بان هـــای

زندهٔ دنیا تر جمه شده و همه ملیت هـــای جهان از آن بهره مند میشوند مجموعهٔ کامل آثار لنین مشتمل بر ۵۵ جلد است که این ۵۵ جلد حا وی ۹ هزار اثروسند می‌باشد.

در۲۵ اکتوبر سال ۱۹۱۷ (۷ نوا مبر به تقویم جدید) قیـام مسلح کارگـــران و سربازان انقلابی آ غاز شد و همان شب‌دولت موقت ضد ا نقلابی سقوط کرد و قدرت‌حاکمه بدست شوراهاافتاد . لنین روز ۲۵ اکتوبر ضمن سخنرانی خود در جلسهٔ فوق العادهٔ شورای نمایندگان کار گران و سر بـــازان پترو گراد پیروزی ا نقلاب سو سیا لیستی را اعلام داشت :

« ازین پس مر حلهٔ تازه‌ای در تاریـــخ روسیه آغاز می شود واین سومین ا نقلاب روسیه در فر جام خود با ید بـــه پیروزی سوسیالیزم بیانجا مد ... » .

روز ۲۶ اکتوبر لنین در کنگرهٔ شوراهای سراسر رو سیه طرح سند تا ریخی‌ودوران‌ساز « منشور صلح» را که حاوی پیشنهاد صلح بیدرنگ به تمام دول شا مل جـنگ جهانی اول بود ، و به تعقیب آن سندجهانی دورانساز دیگر یعنی « منشور زمین» را در بارهٔ انتقال همه زمین های کشور به مالکیت اجتماعی عموم مردم ا علام داشت و کنگره هردو سند را به تصویب ر سانید. در همین کنگره بود که برای نخستین بار د ر تا ریخ جامعهٔ بشری دو لت شوروی کار گری‌ودهقانی تحت ر هبری و لادیمیر ا یلیچ ((لنین)) بنیاد نهاده شد .

بدین سان حـزب کمونیستی راکه لنین با پشت کار و پیکار بی ا مان آ فریده‌بود قدرت را به نمایندگی از کار گران‌ودهقانان وهمه ز حمتکشان بدست گرفت .

لنین و افغانستان :

هرگاه تاریخ افغانستان را در طول قرن جاری بخصوص پس از کسب ا ستقـلا ل سیاسی و رق بزنیم دوستی بی شا یبه و بی نظیری میان دو دو لت همسایه ا تـحاد شوروی وافغانستان در هر و رق آن نظرما را جلب خواهد کرد اساس و بنیاد ایـــن دوستی طراز نوین را از طرف کشور شورا ها این دژ تسخیر ناپذیر صلح وسو سیالیزم ولادیمیر ایلیچ لنین مو سس آن دو لت و امان الله غازی شاه د مو کرات ووطن پرست ومبتکر تحولات جدید در افغانستان گذاشته اســـت . آوانیکـه مردم افغـانستان درآغاز سال ۱۹۱۹ عیسوی جهاد کبیر خو یش را علیه تسلط اهریمنی انگلیس براه انداختند، زمزمهٔ اطمینان بخش و دو ستانهٔ د و لت نوبنیاد شوروی تحت ر هبری لنین کـبیراین خواست انسانی را همراهی کرد . دو لـت شوروی توسط اعلامیه ای که بتاریخ ۲۷مارچ سال ۱۹۱۹ به نشر رسید بحیث نخستیـن دولت جهان استقلال ا فغانستان رابه‌رسمیت شناخت شاه ا مان الله غازی بتاریخ۷ اپریل

سال ۱۹۱۹ نامهٔ به عنوان و لا دیمیر ایلیچ لنین ر هبر و بنیاد گذار بزرگ دولت‌شوروی فرستاد ، هکذا ا مان الله خان غازی نا مـهٔ دیگری بتاریخ ۲۰ اپریل به عنوان رهبرکبیر دولت شورا ها ارسال کرد واز قصد خویش برای اعزام نماینده‌ای ازطرف‌دولت افغانستان به دولت اتحاد شوروی درین نامه متـذکر شد . دو لت شوروی این پیشنهاد را بـا علاقمندی دوستانه پـذیرا گـردیده و رهبر انقلاب کبیر اکتو بر ولادیمیر ایلیچ لنین‌در ۲۷ می ۱۹۱۹ طی نا مهٔ دو ستانه‌ای موافقت خودرا با قصد دو لت افغانستان ا بـــراز داشت .

باید متذکر شد که مردم افغانستان قبل از کسب ر سمی استقلال سیاسی خو یش از دو لت انگلیس شنا خت سیاسی‌خویش‌را

بتاریخ ۲۸ فبروری سال ۱۹۱۹ به دو لت جوان وانقلابی اتحاد شوروی ا براز دا شته بودند .

هنگا میکه به ارا دهٔ دو لتین مستقـــل افغانستان و شوروی اعزام نمایند گان بـــه

پایتخت های هر دو کشور صورت گرفت . نمایندهٔ دو لت جوان و آزاد افغانستان‌بتاریخ ۱۴ ـ اکتـوبـــر از طـــرف ولایمیر ایلیچ‌ـ لنین پـذیرفته شد و لنین با گـــرمـی و

صمیمیت با وی مذا کره نمود . بـــا ر یخ ۲۷ نوا مبر همان سال لینن طی نامهٔ دیگری به شاه ا مان ا لله خان که بدست نما یندهٔ دولت انقلابی شوروی اعزام شده بوداساسات دوستی‌افغان ـ شور وی را مستحکم تـــر نمود .

روابط افغانستان واتحاد شوروی روز تـا روز محکـــم تـر گـــر د یـــد ه است . در زمان حیات ولادیمیر ایلیچ لنین ا و لین معاهدهٔ دوستی و حسن همجواری میان هردو کشور یعنی بتاریخ ۲۸ فبر وری سال ۱۹۲۱ عقد گردید، البته این حادثه دلچسپ روابط دوستانهٔ افغان ـ شوروی را مستندساخت.

در ۲۷ نوا مبر سال ۱۹۲۶ قرار بیطرفی وعدم تعرض بین دو لتین اتحـــاد شورو ی سوسیالیستی و دو لت مستقل ا فغا نستان عقد گردید و در سال ۱۹۲۷ لین هوائی بین کابل و تاشکند تاسیس گردید .

دوستی و حسن همجواری میان هـر دو کشور و بنیاد گذا ران آن لنین کبیروامان‌الله غازی بودند نه تنها سیر تکا ملی خود را پیموده و می پیماید بلکه این دو ستی‌نمونهٔ آموزنده برای سایر کشور های جهان نیـــز می‌باشد . معا هده دو ستی ، برادری‌وحسن هم جواری و همکاری میان اتحاد شو روی وافغانستان که در ماه دسامبر سال ۱۹۷۹ به امضاء ر سید این روابط را به شکـــل طراز نوین و برا درانه در آورد .

لنین کبیر این بنیاد گـذار حزب‌کمونست ودولت اتحاد شوروی ما نند یك ا نقلا بی راستین وانتر ناسیو نالست وا قعی کـــه انساندوستی ومبارزه با هر گو نه ستمگری سرشت جدائی ناپذیر او بود همواره د ر صدد آن بوده تا ملل تحت استعمار و ستم را در راه رهائی شان مساعدت نماید او با شنیدن صدای رسای مردم ا فغا نستان برای

کسب استقلال و ر هائی از چنگال اهریمنی استعمار انگلیس لبیك دو ستانه و صمیمانهٔ خودرا ابراز نمود که مردم دلیر افغانستان هرگز این عمل دو ستانه وشریفانه‌رافراموش نخواهد کرد .

جاوید باد خاطرهٔ لنین این دوست مـردم افغانستان .

جامه از خون

ما باده عزت و شرافت نوشیم
در راه وطن از دل و از جان کوشیم
گر در صف رزم جامه از خون پوشیم
از لفظ را به بردگی نفروشیم

خوشا تا اوج طوفانها دویدن
برای جان خلق از جان بریدن
ولی پیشتر از سکوت جاودانی
غریو زندگانی را شنیدن

به مناسبت سو مین سا لگـــرد
انقلاب شکوهمند ثور .

حماسه آزادی

وطن ای کشور آزاد مـردا ن
وطن ای ! زاد گاه قوم افغـان
بناز
آری بنام خویش بناز
بشان وشوکت خویش
به عزو عظمت خویش
بتاریخی که اکنون مایه بســـ
افتخار است

• • •

وطن ای ! مادر مردا نگیها
وطن ای ! شاهد فرزانگیها
ترا نازم که در دامان پاکت
چه فرزندان نا می پر ورا نی
که در حفظ توچو ن شاهین باشند
نیکو رسم ونیکو آئین باشند
همه با همت وبا عزم و تد بیر
همه مردان نام وننگ وشمشیر

• • •

وطن تاریخ گوید
به هر وقت ، هر گرو هی
که بدخواه تو بوده
زاسکندر گرفته
اگر ... چنگیز بوده
ویا انگریز بوده
چو قصد سوء نموده
بدینسو رو نموده
به میدان دلیرا ن
زدست شیر مردان
زپا افتیده اینجا
بسر غلتیده اینجا
که تاکنو ن جهان رایاد باشد

• • •

وطن دانم که خلق قهر مانت
بطول روز گاران گذشته
به‌یك پیکار خونین
برای آخرین بار
چسان بنیاد استعمار کندند

• • •

وطن منهم که فر زند تواستم
بتار عشق پا بند تو استم
قسم بانام پاکت
به ذره ـ ذره خاکت
که تاجان در تنم هست
همیشه بهر آبادیت کوشم
به حفظ ننگ وآزادیت کو شم
نور محمد ((فیضی)) اسفنده یی

خون و حماسه

واینك باز یکبار دیگر در جشن خاطره هامی نشینیم ، یاد بودهارا ارج میگذاریم ودر این پس گردی وسیربه اعماق روز ها و سال هـا سخـن از حماسه هـای بـزرگ مـی آ و ر یـم و قهـرمانی های قهرمانان دلیر ، تاباشد دراین‌خجسته روزهای شکوهمند درتجلیل وبزرگداشت از سترگ ترین رویداد تاریخی کشور در جریان دهه‌ها وسده ها، در سالگرد پیروزی‌انقلاب‌توانسته باشیم بانشست های مان باسربازان جان بر کف نگهبان دست آورد های انقلاب مشت نمونه خروار فداکاری هارا انعکاس دهیم و جانبازی ها را و دلیری وشهامت وعشق به وطن و مردم را .

این گفت وشنود هاهریك نشاندهنده روحیه قوی وتزلزل ناپذیر دوستان سرباز ماست‌در امر ایستادگی شان به قیمت خون وجانشان در برابر حفظ ونگهداری وپیروزی نهایی‌انقلاب

• • •

ظهور الدین سربازی است جان فدا از فرقه هشت ، تصمیم و اراده در حالت نگاه و خطوط چهره‌وی به خوبی باز خوانی میگردد صریح وشتابزده صحبت‌میکندواحساس درهمه‌ی حالات وبیان وی جاری است ونمایان ، ازسال ۱۳۵۸ در خدمت مقدس سربازی در آمده وتاکنون در جبهات فراوان شرکت جسته که جبهه پنجشیر غوربند ، جلدیز، چك وردك ومجموع جبهات پروان ازاین شمار است اودر پاسخ‌به نخستین پرسش دراین زمینه که‌به نظر اووبه اتکای تجارب وچشم دیدی که دارد عمال ضد انقلاب خواهان چه میباشند وچرا می‌جنگند ،میگوید:

با تبلیغ وطن پرستانه خویش دولت را در مبارزه علیه دشمنان خارجی و داخلی انقلاب و اجرای تحولات اقتصادی ، اجتماعی به نفع مردم ما کمك نمایید .

فرهاد بیك

ـ باپیروزی انقلاب سترگ ثور عده‌ای فراوان که پیش از آن امتیازات فراوانی رادر اختیار داشتند واز همه شرایط به‌نفع خود استفاده میبردند موقف شان به خطر افتادو همین‌هااند که میکوشند برخی از هموطنان مارا فریب دهند وبادروغپردازی واقعیت های افغانستان انقلابی واهداف انقلاب را وارونه وغیر واقع نشان دهند که درین‌راه پول فراوان مصرف میکنند تابه نظر غیر صایب خود از پیروزی انقلاب جلوگیر شوند وشرایطوضوابط رابه‌نفع خود دگر گون گردانند که امری است محالو ناممکن ، چراکه تاقطره خون در رگ های پاسداران انقلاب یعنی‌قوای مسلح‌کشورجاری است نه تنها انقلاب بازگشت به‌عقب نمیکند بلکه با پیروزی سیر نهایی وتکاملی خودرا میپیماید و این موضوع را میتوان بانگرشی به موفقیت های چشمگیر مادر جبهات جنگ ثابت ساخت •

از او میپرسم آیا دشمنان انقلاب جبهات متشکل دارند واو جواب میدهد :

ـ خیر: آنان به صورت پراگنده ودرگروپ های گوناگون داخل اقدام میشوند وچون قدرت مبارزه رویا روی را ندارند در اغلب واقعات درمناطق کوهستانی ویا جاهای دیگر سنگر میگیرندوناگهان حمله‌ورمیشوندکه خوشبختانه در تمام جبهات ناکام میگردند وقوای مسلح باشهامت وقهرمان ما همه را سر کوب‌ویاتار ومار میسازد وبه عنوان مثال در چندین‌جبهه ای که تاکنون من شرکت داشته ام به صراحت میگویم که حتی دریك مورد هم آنان نتوانسته اندبه مقاصد خودکامیاب شوندویادر تعرض های خودبه ما صدمه ای وارد آورند •

از ظهور الدین که عضو سازمان جوانان حزب دموکراتیك خلق افغانستان نیز میباشد، میپرسم که آیا باختم دوره عسکری خود بازهم حاضر خواهدشدکه طورداوطلبانه با دشمنان انقلاب بجنگد ویا اینکه به خانواده خودخواهد برگشت ، جواب میدهد که تاوقتی عناصر ضد انقلاب وجود داشته باشند وجیبه ملی‌وانسانی خود میدانم که تا آخرین رمق وآخرین قطره خون خودبا آنها بجنگم واین افتخار بزرگ زندگی من خواهد بود •

• • •

فرهاد بیگ از بدخشان است، ۲۲ماه است که یونیفورم مقدس سربازی رابه جان دارد وجان برکف بادشمنان انقلاب می‌جنگد وستیز میکند ، دفاع ازدست آوردهای انقلاب راوظیفه انسانی خود میداند ودراین مورد احساسات عمیق وطن دوستی خودرا تبارز میدهد اوکه تاکنون درجبهاتی مانند جبهه قندوز ، شمال تگاب نجراب وجاهای دیگری رزمیده‌است وقتی از او میپرسم که شیوه و تاکتیك عملیا تی وجنگی شما در بر خورد بادشمنان انقلاب چگونه است • آنان به شما تعرض میکنند ویا شمایه آنان در حالیکه نفرتی آشکاردر چهره اش رنگ میاندازد جواب میدهد :

ـ آنان چون دزدان با استفاده از موقعیت های مطلوب ناگهانی حمله میاورندو هرگز ودر هیچ موردی جرات آنرا ندارند که رویا روی باما داخل جنگ شوند ویا خود رانشان دهند امابا آنکه به صورت غیر مترقبه با حملات آنان روبرومیشویم‌همه را نابودمیسازیم وسرکوب و یاودار به تسلیم شان می‌کنیم

چنانکه در تمام جبهاتی که من درآن جنگیده‌ام وضع برهمین منوال بوده است •

اودر پاسخ به سوال دیگر که وی سبب مقاومت وحانه آفرینی آنان را چگونه توجیه میکند و سببش رادر چه عواملی به مطالعه میگیرد ، میگوید :

ـ گذشته از آنکه باپیروزی انقلاب شکوهمند ثور منافع طبقاتی عده‌ای به خطر افتادکه‌اکنون به‌خاطر باز به‌دست آوری آن تلاش غیر انسانی

دارند برخی در کشور های امپریالستی ودر راس امپریالیزم امریکا نیز آنان را حمایت میکند ودراین میان تعدادی فراوان از هموطنان ما هم زیر تاثیردروغ های بیشر مانه تبلیغاتی شان قرار میگیرند ونا آگاهانه گفته هایشان را راست ودرست تلقی می‌کنند و همین هاعواملی اند از آنچه تعدادی را علیه ما میشوراند که‌به یقین دوام ندارد چنانکه تاکنون تعداد زیاد آن سر کوب شده ویا اظهار ندامت کرده‌و به صفوف دفاع از انقلاب پیوسته اند •

فرهاد بیگ درین مورد که به‌نظر او شرایط سر بازان در گذشته وپیش از انقلاب چگونه بودو اکنون چطور است • میگوید :

ـ در گذشته های سیاه وشرم آور سربازان مابه وسیله صاحب منصب هانا حق مورد لت وکوب قرار میگرفتند ، به‌وسیله شان کارهای شاقه مانند خار زنی در کوه ودشت وجمع‌آوری هیزم ودیگر کار ها ازاین مانند صورت میگرفت وگذشته از آن عسکر چهل افغانی درماه‌معاش داشت که آن هم اغلب یا پرداخت نمیشدویا نیم آن را میدزدیدند به همین ترتیب شرایط ترانسپورت وانتقال عساکرو مجلوبین ازیك جای به دیگر جای غیر انسانی بود ودارای وجوه اشتراکی فراوان با زندگی حیوانات که اکنون به برکت انقلاب همه این نابسامانی ها حل شده وعلاوه از آنکه توجه فراوان‌به آسوده‌گی وآسوده حالی سربازان مبذول‌میگردد تلاش این است که سربازان از نظر فکری واند یشوی نیز تربیت مجدد شوند، آموزش بگیرند ودر رفاه فکری وجسمی قرار داشته باشند به عنوان مثال اکنون هر فرد عسکر ماهانه یکصدافغانی معاش‌دارد نان وی‌فوق‌العاده خوب است وشکل پیش آمدآمران وصاحب ـ منصب هاهم‌کاملا رفیقانه، دوستانه وصمیمانه میباشد بی آنکه کمترین لطمه‌ای به دسپلین ونظم عسکری وارد آید .

• • •

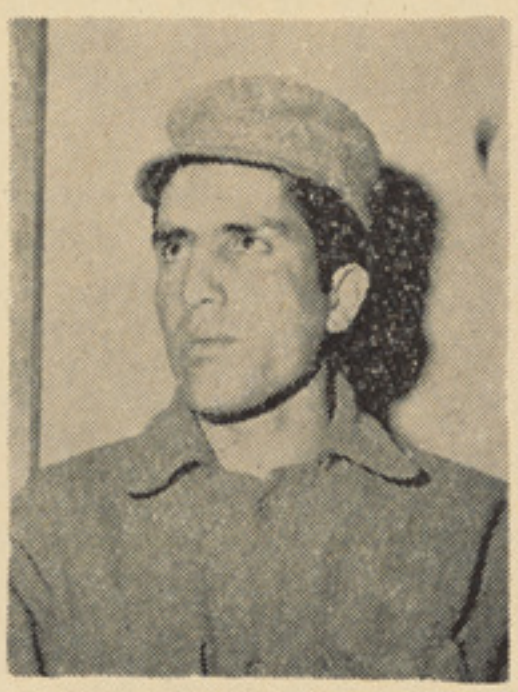

محمد رستم

محمد رستم سرباز که ۱۲ سال تحصیل دارد و ۲۱ سال عمر هفت ماه است که خدمت مقدس زیر بیرق رامیگذراند ، عضو سازمان جوانان حزب دموکراتیك خلق افغانستان است و سربازی رابه گونه داوطلبانه به انجام میاورد •

اوکه در جبهات پنجشیر ،تگاب ،نجراب، وردك ، کوهستان ودیگر جبهات شرکت داشت واز خود فداکاری‌هاو جانبازی های وطنپرستانه نشان داده است وقتی بااین سوال روبرو میگردد که جشن بزرگ سومین سالگرد انقلاب پیروزمند افغانستان را چگونه توجیه میکند ودر این روز ها که آمدآمد جشن است چه احساسی دارد ، میگوید :

ـ این جشن واین همه شورو شوق برای تجلیل آن در واقع خار چشمی است برای همه دشمنان انقلاب ، برای همه آنانیکه می‌خواستند و میخواهند از پیروزی انقلاب جلوگیری کنند تامنافع طبقاتی خودرا دوباره به دست آورند وهم‌چنین خار چشم همه کشور های امپریالیستی است که به دشمنان انقلاب کمك می‌کنند تامگر بتوانندانقلاب مارا از مسیر آن برگردانند ووقتی من وهر فرد دیگر این وطن می‌بینیم‌که انقلاب شکوهمندانه وپیروز- مندانه به پیش میرود ، هراسی از آنان ندارد وباهمه تلاش غیرانسانی شان آنان راباشکست مواجه میگرداند احساس غرور می‌کنیم وباز هم به حقانیت را هی که در پیش داریم بیش از پیش‌ایمان میاوریم •

این سرباز شجاع اضافه میکند که انقلاب ماانقلابی است کارگری که‌درآن منافع اکثریت مردم کشور مورد حمایت است واین کاملا طبیعی به نظر میاید که تعدادی اندك و انگشت شمار که منافع شان در خطر جدی افتاده است دست‌بهر اقدامی بزنند تامگر انقلاب رابدنام سازند وتطبیق آرمان های‌والای آن را باسکتگی مواجه گردانند که یقینا در اشتباه محض هستند وشکست شان قطعی وحتمی است•

او در اخیر وبه پاسخ یك پرسش دیگر میگوید تاحتی یك نفراز دشمنان ماوجود داشته باشند من از عسکری کنار نمیروم وتا آخرین رمق حیات با آنان می‌ستیزم •

• • •

عبدالحکیم باشنده قندهار که بیست وپنج بهار زندگی را دیده واز سال ۱۳۵۸ به این سودر خدمت مقدس سربازی دین خودرا به وطن ومردم ادا میکند جوانی است سلحشور که عشق به این آب و خاك دربیان و حالاتش آشکار و روشن به چشم میخورد و به اساس همین درك وبرداشت درست و شهامت افغانی است که پاسداری از انقلاب ودست آورد های آن را نخستین وظیفه‌خود میداند او تاکنون‌در جبهات پنجشیر ، شمالی ، جلال آباد، تگاب، کوهستان ، جنگیده و با ز هم حا ضر است در هر جبهه ای که ضرورت باشد باحفظ همین روحیه شجاعانه پیکار کند ونظرش این است که تایك فرد ضد انقلاب دراین کشور وجود داشته باشد او مبارزه‌باآنان را تاآخرین قطره خون خود وظیفه اش میداند وبه همین سبب هرگز برایش این موضوع مطرح نمیباشد که عسکری اش چه وقت تمام میشود چه دفاع ازانقلاب درشرایط انقلابی کنونی به نظراو

بقیه در صفحه ۴۷

پیروزی و بهروزی زنان در پرتو انقلاب ثور

مبارزه برای آزادی و رهایی زن از زنجیر بردگی امریست ضروری وحتمی زیرا با به وجود آمدن انسا ن بروی زمین زن متحمل یك سلسله رنج ها و مشقات طا قت فرسایی گردید که زبان قلم از تحر یر آن عاجز است .

زن از قرن ها به این طرف در همه‌دوره های تاریخ به‌حیث مو جود ضعیف در تحت فشاروستم زندگی‌نموده‌وپیوسته به‌نظر تحقیربه اونگریسته شده‌است. اگر نظری‌عمیق وژرف‌به صفحات زرین تاریخ بیندازیم دیده می‌شود هرطبقه ازاجتماع که نقش عمده‌ای را درتولید بازی کرده ووظایف عمده را در امور تولیدبه عده داشته و به مرور زمان کنترو ل تو لید را دردست گر فته که زن نیز توانسته با افتخار برای مدتی این پروسه را در دست داشته باشد که نظام مادر سالاری شا هد خوب‌این مدعای ماست . زیرا در همین نظام شیوه تو لید متداول همان زمان یعنی زراعت ابتدا یی در دست زن بود زنان درین تولید نقش عمده داشتند وظایف عمده راانجام میدادند در حالیکه مردان صرف مصرو ف شکار بودند .

بعد تر در نتیجه رشد و سایل تو لید و افزایش تو لید در بخش زراعت تر بیه حیوانات وصنایع دستی، انسان ها قادر شدند مواد بیشتر ازمایحتاج خود را تو لید کنند که در نتیجه بفرنجی کار، تقسیم کار بوجود آمد واولین جامعه طبقاتی بنیان‌گذاری شدیعنی برده وبرده دار و استثمارگر و استثمار- شوند بو جود آمد واین او لین تضاد طبقا - تیست که در تاریخ زیست و زندگی انسان پدیدار می گردد .

خلاصه او لین ستم طبقاتی همراه با ستمی است که مرد بر زن وارد کرده‌است این شکل نو خود به خود یك تکا مل تاریخی ست ولی در عین حال آغاز گر مالکیت خصوصی . در پهلوی بردگی که در بعضی نقاط جهان تا اکنون ادامه دارد .یعنی پیشرفت و آسایش عده‌ای محدود به بهای زجر و عقب راندن عده کثیر. هنگامیکه مردان وسایل تو لید را بدست گر فتند و مسوول زندگی و مایحتاج گردید ند شیوه بر خورد و عملگرد مرد تغییر نمود یعنی آنچه قبلا باعث برتری زن در فامیل بوداینك بر تری مرد را در خانه تثبیت می کند باین ترتیب کار خانگی زن در مقایسه با مرد در کسب نان اهمیت خود را از دست میدهد .

کارمردبااهمیت جلوه میکرد وکارزن خیلی کم اهمیت وناچیز. که این حالت تا اکنون در اکثر جوامع طبقاتی امروزی و جود دارد .

چنانچه دو لت های سرمایه داری مد عی اند که زن درین کشور ها از آزادی کا مل برخوردار است مگر بایك نگاه ژرف وعمیق دیده میشودکه واقعیت چیزی دیگری‌است باین معنی که چه در مر حله‌ای بورژوازی رقا بت آزاد و چه درمر حله سرمایه داری انحصاری در موقف و مو قعیت اجتما عی زن هیچ تغییری رو نما نگردیده و ما هیت آن همان است که بود .

اکنون با شنا خت این وا قعیت می توان تفاوت اساسی راکه در باره آزادی و برابری زنان در جوامع بورژوازی و جود دارد دریافت نمود .

ولی هدف جنبش های متر قی ز نان در راه مساوا ت یعنی از بین بر داشتن همه قیودات که انسان را انسان ، یا یك‌جنس را ازجنس دیگر جدا می سازد مجذا ازاهداف دولت های سرمایه داریست .

در کشور های مترقی است که حل‌کلی وقطعی پروبلم آزادی واقعی زن جستجو می شود زیرا آنها می دانند که سوال‌زن نه تنها یك جزء بلکه شرط لازمی برای ظفر انقلاب دمو کراتیك است در جا معه ما که هنوز هم بقایای منا سبا ت فیودا لی وماقبل فیودالی‌و پدر سالاری وجود دارد دربرخی از قسمت های کشور زنان زحمت کش در تحت سر پنجه های خشن استبداد قرون وسطایی در تحت ستم و استثمار و حشیا نه قرار دارند .

امابه افتخار می توان اذهان نمود که با آمدن انقلاب ظفر مند ثور و مخصو صا مر حله نوین و تکا ملی آن همه حقوق و آزاد ی‌های زنان از طر ف دو لت انقلابی ما به رسمیت شنا خته شد و زنان که دو روی یك سکه ونصف جمعیت جا معه افغانی را تشکیل میدهند عملاازحقوق انسانی، سیاسی، اجتماعی اقتصادی و فر هنگی خویش مستفید شدند.

زنان جامعه ما در گذشتهٔ نه چندان دور هم در اجتماع و هم در خانواده متحمل محرو میت های فراوا ن گردیده و برای اینکه بتوانند مقام شایسته و انسانی خود را در جامعه احراز نمایند تلاش ها و مجا هدات پیگیر نموده و در مبارزه علیه ستم دو گانه رزمیده اند .

مگر با تمام مبارزا ت آنها تا قبل از انقلاب ثور هیچ قانون واصو لی در جهت بهبو د بخشیدن به وضع رفتبار زنان مو جود نبود درین دوران بود که زنان رنج کشیده ما به دشوار ترین کار ها نساجی، قالین با فی ریسندگی ، کشت وزرع ، گله داری و سایر صنایع صنعتی گماشته می شدند مگرمتاسفانه باتمام شا قگی امور ، معاشی به مرا تب کمتر از مردان دریافت می نمودند .

مگر بعد از انقلاب ثور و به ویژه مرحله نوین و تکا ملی آن حزب و دو لت پرو گرام های وسیع و همه جانبه حل تدریجی پروبلم های کار زنان را در چو کات امکا نا ت باحترام عمیق به رسوم و عنعنات مردم روی دست گر فت مگر اکنون در حدود نودوهشت فیصد زنان افغانستان از نعمت نوشت وخوان محر و م ا ند . عد م مو جو د یت امکانا ت مادی و رسم ورواج های مز خرف و بی جاعده کثیری زنان و دختران ما راازین نعمت بدور نگهداشت .

سازمان دمو کراتیك زنان‌افغانستان به‌نوبه خویش از بدو پیدایش در شرا یط بس دشوار و بی نهایت مشکل تحت پا شنه های ارتجاع و دو لت های غیر مرد می ضد ملی و ضد دمو کرا تیك سخت‌در تلاش بود .

بقیه در صفحه ٦٠

عکس بالا صحنه از مبارزات زنان رزمنده‌وپیکار جوی مارا در شرایط اختناق خانواده‌جبار نادر داود ، نشان میدهد .

زویا جاودانه شد

جنگ میهنی کبیر شوروی بااشغالگران فاشیست ادامه داشت سربازان هتلر بدیوار های مسکو رسیده بودند لیننگراد بمحاصره کشیده شده بود ودر اینوقت دختر من هنوز (۱۸) بهار زندگی راسپری نکرده بود که فاشیست های بی رحم ریسمان دار رادر گردن آن حلقه کردند .

آنها زو یا را کشتند زیرا به سر زمین ومیهن خود عشق سوزان داشت او برای آن به دنیا آمده بود که علیه فاشیست ها بجنگند زو یا از اتحاد یه کمسمو ل تقا ضا کرد او را به جبهه بفرستند ودر مدت کوتاه پارتیزان ورزیده وجسورشد وپارتیزان او را بنام تانیا صدا میزدند زویا اولین کاری‌که کرد باتفاق مادرش لباس های سر بازان را دو خت اما این به نظرش کم بود آنو قت باتفاق برادر ش بکار خانه رفت و ترا شکار شد ولی این هم بنظرش کم بود آنو قت به اصرار تمام تقاضا کرد که او را به جبهه بفرستند . هنگا میکه بعد از مساعی فراوان تقاضا اورا براورد نشد مادرش تقاضاداشت که اورادرخانه نگهدارد.

زویا به ملایمت گفت مادر مگر نیستی که اگر آنها باینجا بیا یند من قادر نخواهم بود زندگی کنم» زویا که‌همیشه فعالیت های مختلف را غیر کافی میدانست تقاضا نمود که چندروز دیگر به فعالیت خودادامه دهداین دخترچهرهٔ شبانگاه به دهپطر یشجیف مر کز جبهه گیری دشمن رفت صبح انبار همان دهکده طعمه حریق شدو خطو ط تیلفون صحرایی قطع گردید شب بعد زو یا دو باره به دهکده رفت اوتصمیم داشت یکی دیگر ازانبارهای مهمات دشمن‌راآتش زند وی‌وقتی‌گوگرد کشید نگهبان آلمانی اورادستگیر کرداو حتی اسم خودش را به دشمن نگفت و خود را مقر فی نکرد و بیکی از سوالات دشمن چنین پاسخ داد: «هدف من نابود کردن شما هاست » زویا را به حرف می آوردند برای ضعیف کردن رو حیه اهالی او را به میدان که دارآو یخته بودند بردند و با خشم و غضب او را به میدان کشیدند زویا نیمه برهنه و پا های بر هنه در حالیکه آثار سو ختگی ، لست و کوب و شکنجه در سیمایش آشکار بود بی باکانه وشجاعانه قدم میگذاشت گو یی‌درآن لحظات عشق به میهن ، عشق به ارمان های زحمت کشا ن چیزی دیگر در او نبود راجع به زنان و مردان که دلیرا نه در راه میهن مبارزه میکردند می‌اندیشید درنگاهش دلیری موج میزد و چهره اش مانند رز مند گان دلیر در میدان میدر خشید وچهره اش که با عشق به مردم ومیهن آرایش یافته بود قلب های ساده و بی آرایش کارگران و دهقا نان ر ا به خود جلب میکرد ز یر ا د ر همین فر صت ز و یا را بلند کردند وتناب رادر گردنش اویختند یکی از افسران با کمره‌خویش‌شروع به عکس برداری کرد روی لوحه که بگردن زویا آو یخته بودند خائن فتنه انگیز به چشم میخورد فرماندی برای جلاد گفت شما کمی تا مل کنید زو یا از این فر صت استفاده کرد با صدای صا ف و بلند زنان و مردان کلخوزی رامخا طب قرار داده گفت چرا این قدر غمگین هستید شجاع باشید مبارزه کنید و فاشیست ها را بسوزا نید و بکشید فاشیستی‌که‌کنارش ایستاده بود و خواست د ها ن ز و یا ر ا ببندد ولی زویا دستش را کنارزد چنین ادامه داد رفقا من از مرگ نمیترسم چه بالاتر از اینکه انسان به خاطر ملتش و میهنش بمیرد . ولی من تنها نیستم ما دوست ملیو نهاانسان هستیم همه وا نمیتوانید دارز نید . آنها انتقام مرا میگیرند . دشمنان تادیر نشده تسلیم شو ید در هر صورت پیروزی با ماست فرمانده امرکردتناب را بکشیدتناب‌گلوی زویا رافشرد ولی دختر با هردو دستش گره راباز نگه داشت و روی پنجه پاایستاده وبا تمام قوا بانك زد (رفقا خدا حافظ) مبارزه کنید نترسید .

بیا !

خواهر ! وطن‌مایکیست ،دشمن‌مایکیست،

بیا ! تابا «پیوست ها و دل ها» مردا نه برزمیم .

بیا ! تابا خشمی تو فانزابا کینه یی پابر جا بدشمنان خلق ، با خروش چو ن امواج پیشتاز آمو باغریوی لرزاننده چون آذرخش بهاری بدژ استعمار حمله ببریم .

بیا! خواهر بیا! امیدی دل انگیز به فردای شگو فان انسانی با ایمان خد شه ناپذیر به پیروزی خلق با استوا ر ی چون سخره های فلك سای هندو کش با دلی آگنده از شرا فت انسانی زندگی را چون طلیعهٔ بهاری بدرخشانیم .

افتخار بیکران به مادر ان قهرمان‌وزنان زحمتکش کشور .

افتخار جاویدان

در دل ویرانه‌های این دیار
رنج دیده ما در ان بیشمار

هست میراث کهنسال زمان
زند گی تلخ امروز زنان

مادرم ای چشمه الها م من
ایکه کردی شیر خود در کام من

گر شکسته ما در گیتی قفس
یا کشد آزاد در دنیا نفس

مادر او رهبر بیدار او ست
خواهرا وباز وی پیکار اوست

بوده بی تو هم مرا آیینه وار
رهنمای سنگرو پیکار و کار

ماجرای سر کشی ما در ت
آنچه از خوردی بیا مد برسر ت

مشعل راه نجا تمن بو د
مایه رز م و حیات من بود

مادر تو مثل تو خار اشکن
بوده است حا مل آزادی ز ن

شوهر ش آورد تا همبا غ او
گفت تر ك خانه و هم باغ او

باتو یکجا راه مزدوری گر فت
ازدیار وده خود دوری گر فت

وقت خوردی از پدر گشتی جدا
آمدی در خا نه بابای ما

دیده او در کودکی غمها بسی
می شنیدی بیش وکم از هر کسی

درجوانی بوده ای شب زنده دار
چرخه کردی در دل شبهای تار

رنج بردی با همه ایمان خویش
در ره تحصیل فرزندان خویش

عشق همسر عشق خلق‌وعشق‌کار
عشق پیروزی و صلح پا یدار

عشق کودك عشق آزادی زن
عشق آبادی و بهبود وطن

عشق دانش عشق‌فرهنگ نوین
عشق پیکار و نبرد آتشین

جلوه دارد در حیات و کارتو
می خرو شد در دل بیدار تو

تاتو بروردی مرا اندر کنار
خون دل خوردی‌دراین ره بیشمار

آفریدی شور هستی در دلم
عشق میهن را سر شتی در گلم

گر فتادم در دل زندان تنگ
یا گر فتم راه آزادی و جنگ

تو مرا عصیانگری آمو ختی
ضربه آهنگری آ مو ختی

شاد با ش ای مادر غم بر ورم
ای فروغ زندگی اخگرم

سست کی بستی مرادر گهوار
نیست زانرو ترسم از زندان‌ودار

در صفوف پیشتاز کار گر
در کنار مرد مان زنجیر

میرو م در تیره گیها باشتاب
می شود فردای روشن انقلا ب

عاقبت این زنده پو شان وطن
میکشد ما راز زندان کهن

مادری نازم که انسان پر ورد
انقلابی را بدا مان پرورد

مادری بیبا ك وبتنا می نگر
چون کند قربان بحق‌لخت جگر

گر ببازی مادرم فرزند خو یش
دره خلق وطن دلبند خویش

ما در پاکیزه میهن شو ی
افتخار جا ودان من شوی

دهقانان زحمتکش افغانستان ! در اصلاحات دموکراتیک ارضی فعالانه سهم گیرید در کوپراتیف ها باهم متحد شوید سطح تولیدات زراعتی را ارتقاء بخشید

برای شما برگزیده ایم :

هر هفته یک داستان برگزیده :

از ادبیات جهان

این هفته از ادبیات ایران

خان صاحب

از: سید محمد علی جمالزاده

علی جمالزاده یکی از نویسند گان پیش‌کسوت ایران در کار قصه نویسی است که بیشتر کار هایش را باپرداختی طنز آمیز ودیدقوی انتقادی در مسایل سیاسی واجتماعی ارائه داده است .

«یکی بودیکی نبود» «قصه قصه ها» «دارالمجانین» «عمو حسینعلی» «فلتشن دیوان» «صحرای محشر» و «راه آب نامه » از معروفترین آثار وی به‌شمار میاید .

داستان «خان صاحب » که در اصل زیرعنوان «مردبد نام » به‌نشر رسیده است قصه‌ای از کتاب «فلتشن دیوان » این نویسنده است که ماآنرا باندکی تزئید وتصرف ازکتاب: «شاهکار های نثر فارسی معاصر »تالیف سعید نفیسی برای شما برگزیده ایم .

آدم های این قصه نماینده تیپ های از خان، ارباب و مزدوران آنها در ایران دوره مشروطه خواهی میباشند که بااستفاده از موقعیت اجتماعی خود دردرون یك نظام فاسد خرده بورژوایی بساط حکمروایی را برای خود تهیه می‌بیند .

این قصه جالب راکه در قالب طنزی شیرین به بیان آمده است باهم میخوانیم وبار دیگر شمارا دعوت به مطالعه اثری ازمحمود دولت آبادی می‌کنیم که دید وپرداخت وی میتواند نماینده نثر وقصه امروز ایران باشد .

... خانه‌ای که در کوچه ما اعتبار وبروبیایی داشت ، خانه‌ای بود که در بیخ کوچه واقع بود وتعلق داشت به افراسیاب خان فلتشن دیوان معروف به «بروتی» .

فلتشن دیوان «که ما اورا خان صاحب خواهیم نامید » اسم بامسمایی بودو صاحبش چنانکه لابدخود تان حدث میزنید مرد سیاه رنگ چاق وبلند وبزوتی آبله رویی بود که بایك دنیالاف و گزاف ویك خروار خشم وخشونت ویك عالم خود سازی وتظاهر تمام محله را قلمرو خود میدانست ونه تنها سخن خودش بلکه سخن نوکر وپیشخدمت و حتی جلو دار و مهترش در تمام آن کوچه وآن گذر وآن محله بدون هیچ مجوزوهیچ اسم وعنوانی حکم قانون را داشت و همه از خرد وبزرگ باید آنرامطیع میبودند .

نوکر های خان صاحب هر یك بااستفاده از افتخار بزرگ در خدمت خان بودن در آن نواحی آمر وحاکم وباج‌گیر بودند و اربـاب ونوکر همچون سگ درنده خو دو بیگانه را میگرفتند و میگزیدند ومیدریدند .

یکی از صفات برجسته خان صاحب این بود که تلبیس آخوند ها ونادرستی تجار وفسادو دغل وخیانت طبقه خوانین رادر یکجا جمع آورده ومجموعه کاملی بود از همه معایبی که به ندرت در وجود یك آدم یکجا میگردد .

گویی جناب خان درین دنیا تنها برای قلدری وزور گویی واذیت و حق مردم خوری خلق شده بود ،مال کافر و مسلمان را ارث پدر خود میدانست وواى بحال کسیکه چپ به مال او نگاه کند وواویلا به وقتی که کسی مال مسلم خودرا از وی مطالبه نماید .

بهر کس که یك سرانگشت از خودش کوتاه تر بودتوخطاب میکرد ، وبا مردم به‌درشتی وهرزه‌گی سخن میگفت و منتظر بودکه کوچك وبزرگ ایشان را حضرت خان خوانده وقتی چشمشان به ایشان میافتد از فاصله یـك میدان تعظیم کنند وواى بحال آن بیچاره بخت بر گشته ی بی‌خبری که به اسب او یابو میگفت.

خودتان ازمن بهتر میدانید که رفتار وکردار این قبیل اشخاص در برابر ازخودقوی تر و زور گوی تر چیست ؟

یکدفعه مثل اینکه فنرشان آزاد شده باشد گردن شخ شان ختم میشود شراره شقاوت و وقاحت در چشمایشان خودی میبابد ، پاهایشان بی اختیار جفت میشود ، دستهایشان بروی سینه میرود ودریك چشم بهم زدن قلب ماهیت کامل یافته سر تاپا مجسمه پستی ودنائت گردید ، جز کلام شرم انگیز «بلی قربان» کلام دیگری از حلقومشان بیرون نمیاید وخلاصه

خان صاحب

آنکه افعی گزند ه به صورت کرم روده نفرت انگیزی در میاید که در گل و لای به غلطیدن وپیچیدن مشغول باشد •

گوشهای حضرت خان هم طوری‌ساخته‌وتعبیه شده بود که سخن حـــق وحساب به هیچ‌وجه من الوجوه داخل آن نمیشد و همه کس حتی زن وفرزندش هم مجبور بودند آنچه‌را اومیگفت وحی آسمانی انگارند ولب به چون وچرا آشنا نسازند که سخت آمد ونیامد داشت •

خان صاحب کارو کسب معینی نداشت ، اما اگر مشکلاتی درکار مردم پیش میامد وظیفه خود میدانست پیش از هر کس دیگر در آن مداخله کند واز همین راه بود که دوازده ماه سال مصارف زندگی پر جلالش را تامین میکرد ـ او هرگز بابت خرید ما یحتاج خود پول نمی‌پرداخت وگویا برای نسیه خواری آفریده شده بود وعجب آنکه دکانداران محل که اندك سرمایه خودرا وقف نسیه خواری‌هایی که هیچ وقت پرداخت نمیشد کرده بودندواز برکت‌وجودخان صاحب‌راه افلاس وورشکستگی راطی میکردنددردل ازاینکه مصرف خان‌وکسان و بستگان محترم شان از مال‌آنها ست احساس غرور میکردند و همینقدر که میدیدند دارای خدم وحشم واسب ومال وسر طویله است.

ناچشمشان از دور به او میافتاد فورا از جاجسته بادب میاستادند اورا حامی خـــود میخواندند واز خداوند متعال مسئلت میکردند که‌به عمر وعزتش بیفزاید وسایه مبارکش رااز سرخانه زادهایش کم وکوتاه نگرداند .

اما خان صاحب به این هم اکتفا نمیکرد وهر چند روز باری‌برای‌قدرت نمایی وترساندن اهل محل حکم میکرد یکنفر از دکانداران را کشان کشان نزد وی آورند واوبه ایـــن دلیل که ماست بقال‌آب دارد ، یاروغنش خالص نمیباشد و یا آرد نانوادرجه اول نیست بیچارگان را به چوب میبست ودر سر طویله خودبه حبس وبندمیانداخت وجریمه‌های جنسی‌ونقدی از آنها میگرفت بی آنکه صدای کسی به‌اعتراض بلند گردد •

برای اینکه پابروی حق نگذاشته‌باشیم باید بگوییم با آنکه‌خان صاحب با هر گونه فسق وفجور وگناه گویی از ازل دست برادری داده بودگاهی هم برسر التفات میامد وآن وقت‌بود که حمامی را خلعت پوشانیده میر آب وحلیم پززیر گذررا انعام شاهانه میداد وبپهانه ختنه سوران نور چشمی سفرهٔ عـام گسترده واهل محله رااز زن ومرد چای وشربت‌میداد •

خان صاحب ازنظر روابط اجتماعی وسیاسی هم موجود بی همتابود اودرست حکـم گـــل آفتابگردانی را داشت کـه همان سان کـــه نباتات فطرتا به طرف آفتاب میگردند او نیز بایکنوع جبر وتعبد غریزی مدام بدان طرفی میگردید که آفتاب سود و قدرت رادر آنجا میدید واز این روی گر چه واضح است که مستبد بودبه محض‌اینکه احساس کرد مشروطه خواهان قوی میگردندبه آنان پیوست ودرموقعی که مستبدین در میدان بزرگ شهراجتماع‌کرده وبه سر کردگی چند تن از اشرار معروف علم بلوا را بلند ساختند چون درست معلوم نبود که کدام پله ترازو وزینتر است بی آنکه خودرا نشان دهد هرروز ازخانه‌اش دو دیگ خوراکی چرب ونرم برای مستبدین به‌میدان و دودیگ دیگر هم برای مشروطه خواهان وسر بازان‌ملی به مسجد میفر ستاد •

چه درد سر بدهم خان صاحب امروز دم از حکومت مشروطه میزد فردا مستبد میشد ، صبح به موی‌دموکرات قسم میخوردوهنوزآفتاب غروب نکرده دم از اعتدال میز دوباز فردا همین افسونگری رااز سر میگرفت‌و عجب آنکه‌همواره هم محترم بودو هم نانش در روغن •

قصه رفتار وپیش آمد خان صاحب بانو کرو خدمتگار خود فصل شنیدنی دیگر یست که در اینجا به نمونه ای از آن بسنده میکنیم : همانگونه که گفته اند کلام الملوك ملوك الکلام نوکر های خان هم‌خان‌نوکرهابودند وبه همین دلیل هم بدست آوردن این مقام آسان نبود وسر قفلی فراوان داشت به همین دلیل کسی

بقیه در صفحه ۴۲

بررسی مختصر از وضع زنان در کشور

و وظایف آنان در این مرحله از تاریخ

پیوسته بگذشته

دست آور د های را که انقلاب بخصو ص مر حلهٔ نو ین تکا ملی آن برای ز نا ن واطفال‌که نیم بیکر جامعه ما را تشکیل مید هد به ارمغان آورد در مصو به پیر وی سیا سی کمیته مرکزی حز ب دموکراتیك خلق افغا نستان مور خه ۱۱ میزا ن ۱۳۵۹ تذ کا ر یا فته است که اینك شمهٔ آن در بار ۀ وظایف حزب درز مینه‌کار دربین‌زنان تشر یح میگر دد :

۱ـ رهبری حزب با کار در جهت جلب و جذب فعا ل توده های‌ملیونی ، زنان رابه فعا لیت ها ی سیا سی، اجتما عی و تو لیدی وا دا شته و ا فزایش نقش آ نا ن را در دفا ع از د ستا ورد ها ی انقلاب ثور مرحلهٔ جدید تکا ملی آ ن با ید تشد ید نما ید .

۲ـ در حین طرح پلان انکشا ف اقتصادی واجتما عی ، ایجاد کا ر خانه ها ی صنعتی تو لید ی ز نا ن شر کت ها ی تعاو نی کو پرا تیف هاو بنوبه اول بر مبنای وسا یلی که در تو سعه و تکا مل صنا یع ملی اختصا ص داده میشود پیش ـ بینی گر دد .

۳ـ کمیته های حز بی مو ظف شود تا کا رد رز مینه تکمیل‌در بارهٔ بهبود و ضع قا نو نی ز نا ن را ادا مه دهد .

٤ـ کمیته های حزبی مو ظف شوند تا تو جه جد ی به پرا بلم مبر م و ضع ز نا ن ، معطو ف بدا رند شرا یط کار آنها را بصورت منظم مورد مطا لعه قرا ر داده در جلسا ت حزبی دارا لانشاء پلینو م ها و فعا لین در بار ۀوظایف سازما نهای حزبی در زمینه کاردر میا ن زنا ن سخنرا نی نمو د ه کار مفید در جهت جلب بهتر ین‌وورزیده ترین کا در ها ی زنا ن زحمتکش که مکتب فعا لیت ا جتما عی‌راسپری نموده ا ند به حزب ، ا تحاد یه های کار گری ، سازمان جوانان ، زنا ن و دیگر سازما نها ی اجتماعی جلب نما ید .

۵ـ به شورای مر کزی اتحادیه های صنفی ا فغا نستا ن و ظیفه سپر ده شو د تا هنگا م تنظیم قرار داد ها ووارد سا ختن بخش(شرایط کار و زند گی کا ر گرو همکا ر ی باآنها در تر بیه کو دکان شا ن) را پیش بینی نما یند .

٦ـ سازمان دمو کرا تیك جوانان افغا نستا ن و ظیفه دارد تا فعا لیت خو یشرا در جهت بلند برد ن‌سواد دخترا ن و ار تفا ی سطح دا نش عمومی و مسلکی آ نا ن تشد ید بخشد .

سازمان د.ج.ا مو ظف گر ددتا یکجا با س .د.ز.ا راه های عملی

مردم صلح می خوا هند

تحقق این ار ما ن را جستجو نمایند.

۷ـ کمیته های حز بی موظف اند تا مسئو لیت تحکیم صفو ف س.د.ز.ا را در مر کز و محلا ت به عهد ه گیرند و فضای ا عتماد و همکاری رفیقانه را در ساز مان های او لیه س.د.ز.ا ایجاد نموده‌به ار گا نها ی رهبری کنند ه س.د.ز.ا باید مجر ب تر ین متد ینتر ین ورزیده تر ین ا عضا ی حزب که با شیوه ها و خصو صیا ت کار در بین زنان بقدر کا فی آگاه اند گما شته شو ند .

با اتکابه مصوبه بیروی سیاسی ح.د.خ.ا ـ مورخه ۱۱ میز ان۱۳۵۹ سازمان ز نا ن ـ افغا نستان اقدام انعقاد او لین کنفرانس سر تاسری زنا ن ا فغا نستان نمود که این کنفرا نس حاد ثه بس بزرگ د ر زند گی زنا ن کشور بشما رمیرود وهمچنان این کنفرا نس و سیع بزرگ در تاریخ انقلا بی کشور ما مقا م والا دا شته وبه مثا به عا مل نیرو مند وپر توان در پرو سه وتشکیل نیرو ها ی دمو کرا تیك ومتر قی کشور ثبت خوا هد شد .

درین کنفرانس که از تا ریخ (۷ـ۹) قوس تا (۱۳۵۹) د وا م نمود از زنا ن قهرما ن کشور ها ی دوست و سازما نها ی متر قی دول د عو ت بعمل آمد تا با اشترا ك خو یش محفل را پر شکوه ترور نگین تر سا زند .

درین گرد هم آئی پر ارزش مسایل مبر م مر بو ط به زنا ن کشور به خصو ص مسأ له اساسی ار تقا ی نقش ز نا ن کشور د را مر مبارزه به خا طر د فاع از دستاورد های انقلاب ثور واعمار جا معه نوین وعاد لانه و جلب هرچه بیشتر ا قشا ر مختلف ز نا ن افغا نستان به این مبارزه مور د غور و بر رسی قرا ر گر فت .

و همچنا ن تشکیلا ت مر کزی سازمان مورد تا ئید و تصو یب قرا ر گر فت . رئیسه سازما ن با معاو نین و سکر تر مسئو ل‌انتخاب واعضای شورا ی مر کزی کمیته اجرا ئیه شورای شهر ی و شو رای ولا یتی تعیین و انتخا ب گردیدند.

با ختم کنفرا نس سر تاسری زنان در شهر کابل سازما ن دمو- کراتیك ز نا ن افغا نستان پلانهای کار و فعا لیت خو یشرا تحت

بقیه در صفحه ٦۲

وقایع مهم جهان در سال ۱۳۵۹

تظاهرات علیه مائوئیزم در چین

بحران های جهان سرمایه‌داری: درجهان سرمایه داری، در عرصه های گوناگون ، بحران بروز کرد . بحران پولی ، بحران سیا ست اقتصادی ، بحران سرا زیر تولید بحران مناسبات میان ا مپریا لیزم‌و جهان رو به انکشاف ، بحر ا ن مناسبات میان مراکز عمده نیروی امپریا لیزم بحران سیاسی و آیدلوژیکی .

بیکاری در جا معه سر مایه دا ر ی روبه افزایش است و در سال ۱۹۸۲ به ۲۵٫۵ میلیون خوا هد رسید . والیری ژیسکار د ستن رئیس جمهور فرانسه طی سخنرانی بمناسبت بیستمین سالگرد تشکیل سازمان همکاری اقتصادی‌وانکشاف ابراز داشت بحران کنونی‌اقتصادی کشور های عضو این ساز مان ا ز وخیم‌ترین بحرانات اقتصادی پس‌از دهد که در شرایط بیکاری مز من ودراز مدت بر تعداد بیماران عصبی وجسمی بشدت. در جهان سرمایه‌داری افزوده گردیده ا ست. بحران شرایط محیط زیست هر چه‌بیشتر برکیفیت پیشرفت سرمایه داری ، تاثیرکرده است . در تمام مد ت وجود بحران ، تضاد های مو جود میان ا مپریالیست ها شدت یافته است و موضع گیری کشور های جامعه اقتصادی اروپا ، امریکا و جاپان تحت تاثیر قانون پیشرفت نا موزون که در شرایط ا نقلا ب علمی و فن بشدت هر چه بیشتر نمایان می گردد ، بو جود آمد .

اگرچه سران کشور ها ی سرمایه داری جهت بهبود و ضع اقتصادی شان چندین بار ا جتماع نمودند و در بازار مشترك ارو پا طرح های گو ناگون بوجود آمد اما جلو بحران های تورم رکودی سرمایه داری گرفته نشدوهریك از کشورهای متذکره کو شیدند که مشکلات و دشواری های خود ر ا بکشور های دیگر تحمیل نمایند.

بحران سیاسی ، ا قتصادی و اجتماعی در ایالات متحده ا مریکا در سال ۱۳۵۹ بمانند سا لهای قبل خود نمایی داشت و ابعاد آن دوران «جنگ سرد » بود. درسال ۱۳۵۹ مانند سال پیشین بیکا ری تورم در امریکا رو به افزایش بود وبنابر آخرین آ مار شش میلیون نیروی کار امریکا بیکار بود و تورم نیز دو رقمی بود .

بحران اقتصادی به بحرا ن سیاسی واجتماعی در این کشور دامن زد ، جنایتکا ران وا بسته به انحصارات چند میلیتی در چند

محرو میت‌کود کان در ممالك رو به انکشاف خیلی نا گوار است

روزنامه ها و جراید غر ب به شیوه بو رژ وا زی‌آن نو شتند که در غرب سه بلا یعنی تورم، بیکاری وکمبود انرژی تسلط دارد و همه را به هراس انداخته است .

انفلاسیون در کشور ها ی سرمایه داری چون گرگ د ر نده بهرسو می تاخت و دا منگیر تمام کشور های عمده سرمایه دا ر ی گردید . با افزایش سطح‌قیم مواد اولیه ز ندگی ، فشار ز یادی به زحمتکشان کشور های متذ کره آورد وبتعداد توده های که ازنظام سرمایه داری بیزارند ، ا فزوده شد .

متخصصین ساز مان همکا ر ی وانکشاف که مر کب از ۲٤ کشور عمده سرمایه‌داری ا ست را پوری درپاریس انتشاردادند،قرارپیش‌بینی سالهای سی است و در حال‌حاضر تعدادبیکاران ا ین ساز مان به ۲۳ میلیون نفر می رسد . تحقیقات سوسیو لوژیك و طبی نشان می‌برجسته تر شد . تلاش های محافل جنگ طلب ا مریکا بخصوص د ر آخرین ماه های سال نشانگر تلاش این محافل برای باز گشت به مورد دست به جنا یات خو نین زدند و بگفته پو لیس نیو یا ر ك شمار قتل های عمده در این شهر نسبت به بیست سال پیش چهار برابر شده است و جنجال رشوه‌گیری وفساد مالی درامریکا ، فاش شد . یکی از مهمترین رو یداد های امریکا در سال ۱۳۵۹ افزا یش بی سابقه بود جه نظامی ا ین‌کشور است. سپاه واکنش سریع که‌وظیفه آن د خالت در نقاط باصطلاح دا غ است و تفنگداران بحری به ا بحار اعزام شدند . در ماه می‌سال۱۹۸۰ حوادث سیاسی ا مریکا را تکان داد وعساکر ا مریکایی مبارزه سیا هان را بخون کشا نیدند .

مانور های نظامی ناتو در اروپا

لطفا ورق بزنید

مبارزه در راه حصول استقلال اقتصادی:

امواج تو فنده ر هایی بخش در قاره آسیا ، افریقا و ا مریکا ی لاتین پایه های کاخ ا ستبداد ، امپریالیزم را زیر ضربات خرد کننده قرار داد . در عرصه اقتصاد این امر بدترین شرایطرا به‌کشور های رو به انکشاف تحمیل نمود . امپریالیست ها با سیاست ظریفتر ومستور تری بغارت ا قتصا د ی دراین کشور ها ادامه دادندومیزان یغماگری ا مپریالیستی در سال گذشته بیشتر بود . ایجاد موا نع وفشار ها در برابر تورید ا موا ل ازکشور های تازه به‌استقلال‌رسیده بشدت بوجود آمد، وزن قروض خارجی با شرایط سنگین بیشتر گردید . نظام فر توت ا قتصا د بین‌المللی که سراسر بسود جها ن سرمایه دار است ، بجای خودباقی ما ند .

اما جنبش کشور های در حا ل رشد برای تحقق نوسازی مناسبات اقتصاد بین المللی طی سال‌گذشته به مساله مبرمی مبدل گردید وحدت سیاسی شدیدی کسب کرد و این واقعیت را بر ملا سا خت‌که‌هرقدر امپریالیزم در حفظ امتیاز های خود بیشتر اصرار ورزد ، هر چه د ر مساله ار ضای خواسته‌های عادلانه کشور های رو به انکشاف مو ضع خشن تری اتخاذکندوهرقدرشدیدتر درمقابل تغییراتی که و قت ا نجام آنها مدت هاست فرا رسیده‌بیشتر مقاومت بخرج دهد ، هما نقدر اینکه جنبش در راه برابری حقوق اقتصادی که در آ غاز در جهت تضعیف در جه استثمارامپریا ـ لیستی بود در مبارزه علیه پایه‌و اساس ا ستثمار ا مپر یا لیستی مبدل گردد امکان پذیر تر خوا هند بود .

کشور های رو به انکشاف‌تلاش دارند که ثروت های ملی شا نرا از چنگال استثمار گران‌وامپر یا ـ لیستان ر هائی بخشند ، علیه کمپنی های چند ملیتی مبا رزه نمایند و همبستگی شانرا درمبارزه علیه د شمن مشترك یعنی سرمایه یك پارچه بین المللی ا ستحکا م بخشند و خواستار چنان راه حلی برای مساله دمو کرا تیزه کر دن مناسبات اقتصا دی بین ا لمللی بشوند که جوابگوی منافع وا قعی طبقه کارگر و توده های ا ستثمار شونده باشد .

کشور های رو بانکشاف جهت حصول استقلال ا قتصادی‌وکوتاه‌ـ کردن چنگ آ خته غا رتگری‌امپریـ لیستی در سال ۱۳۵۹ مبارزه‌شانرا ادامه دادند وامپریالیزم خوب درك کرد که این حرکات‌برای تاراجگری امپریالیستی بیش از پیش مهلك خواهد بود و ان بگفتار یکی ا ز رهبران کارگران جهان که جنبش اکثریت خلق های جهان‌که در آغاز هدفش آزادی ملی بود در نبردهای قاطع انقلاب جهانی در آینده علیه سرمایه داری و ا مپریالیزم متوجه خواهد شد، به اثبات رساند .

اوج گیری غلبه نا پذیر جنبش های ازادی بخش ملی :

مبارزات ضد استعماری و ضد امپریالیستی که طی دو ران های گذشته در کشور های عقب نگه ـ داشته شده ادامه یافته است، در سال ۱۳۵۹ به سطح جنبش و گستردهٔ بین المللی ار تقا یافته است . در کشور های آ سیا،افریقا وامریکای لاتین جنبش آزادی بخش می ضد استعماری وضد ا مپریا. لیستی به نیروی قاطع مبدل‌گردیده است. در سطح عام روابط جنبش انقلابی جهانی ، پیوند ار دو گانه صلح‌وترقی واقعی ا جتماعی‌ونهضت بین‌المللی کارگری بااین جنبش مستحکمتر می گردد امپر یا لیزم که بر اساس سیاست ا ستعمار نوین خودمی خواهد در بین جنبش های آزادی بخش ملی‌تفرقه‌بیاندازد نیرو های ار تجاعی و تاریخ‌زده را باهم متحد سازد، پیمان‌هاواتحادیه های تجاوز گر نظامی را ایجادنماید وبوسیله رژیم های دست نشا نده منافع غارتگر را تثبیت کند ، ا ما امروز جنبش انقلابی با سه عنصر انقلابی جهانی ار تباط نا گسستنی پیدا می کند و آنروز سپری شده که آنچه استعمار گران و ا مپریاـ لیستان بخواهند ، بکنند ، بلکه برخلاف، ابتکا رات بزرگ تاریخی را نیرو های صلح وعدالت‌اجتماعی در دست دارند .

کنفرانس و زرای خا رجه کشور های غیر متعهد به تاریخ‌نهم‌فبروری ۱۹۸۱ دردهلی نو بر گزار گر دید وباوصف تلاش های ا مپر یالیزم ومائویزم در راه مبارزه برای‌صلح پایدار ، خلع سلاح ، نو سا ز ی مناسبات بین المللی ا قتصا د ی نقش بزرگی بازی کرد .

همزیستی مسالمت آ میز و همکاری صلح آ میز :

یکی از مشخصات عمده دو ران ما بسط و تکا مل مناسبات بین ـ

تظاهرات جوانان ومحصلان دراروپای غربی

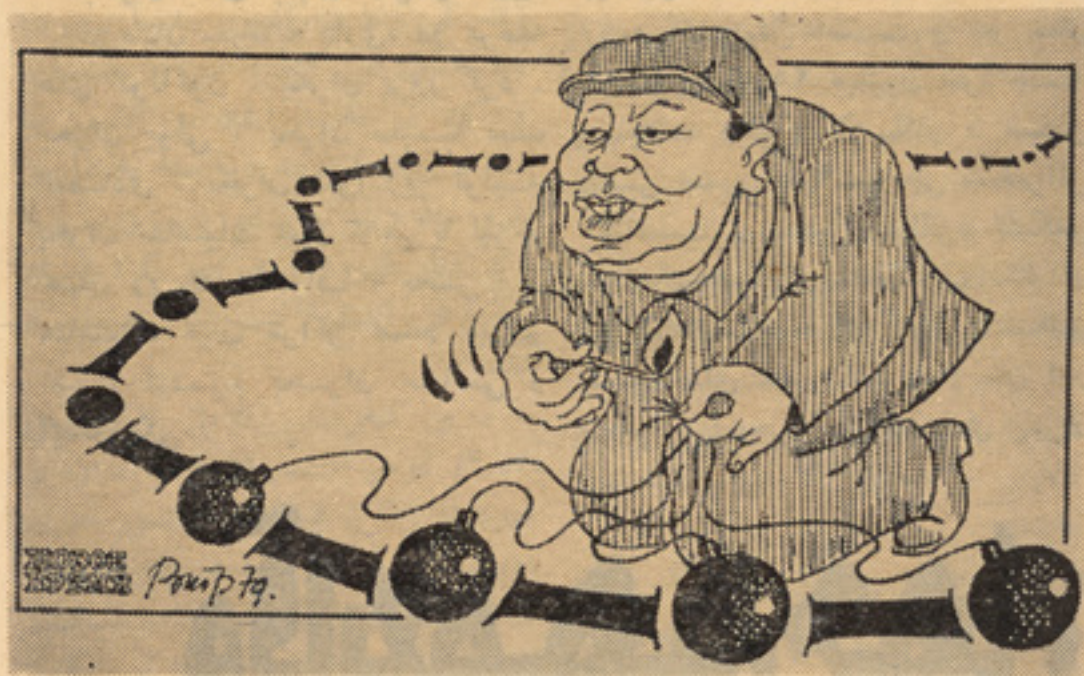

شوونیزم عظمت طلبانه چین درامور داخلی کشور های همسایه مداخله مستقیم می نمایند

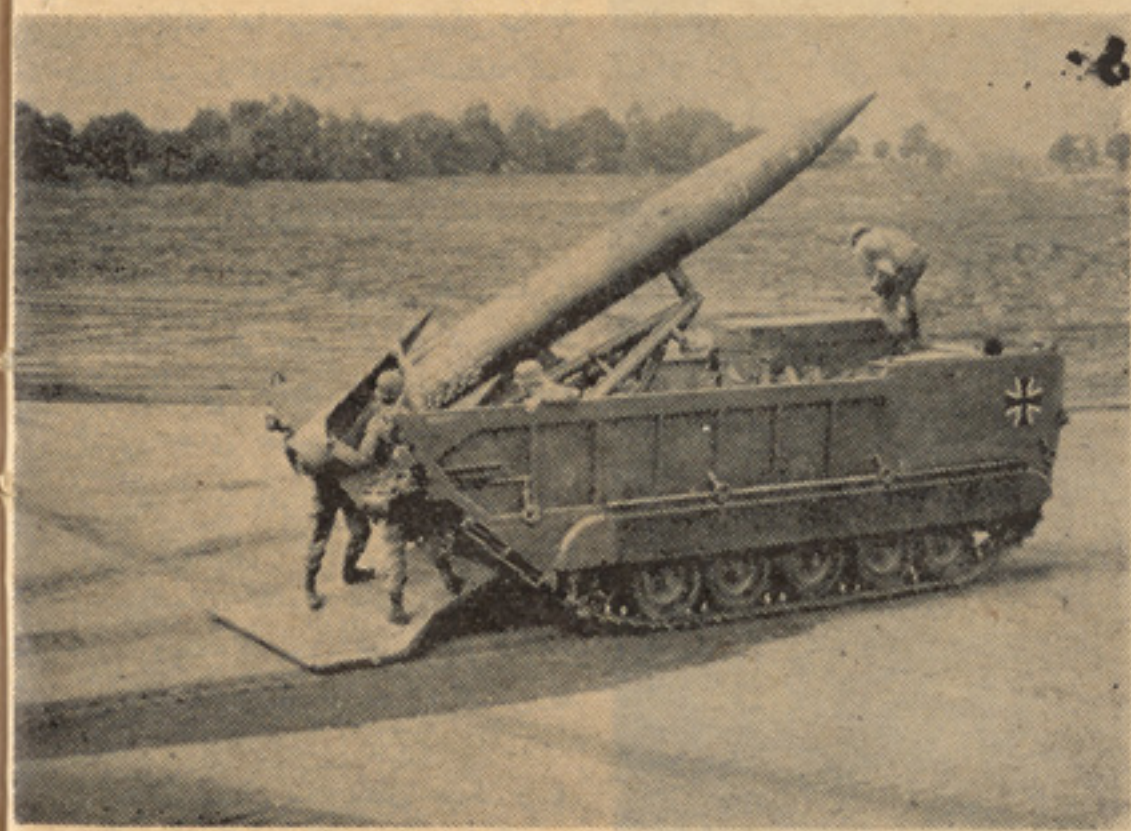

را کت های متو سط ا مریکا یی در اروپا

دانش جو یان ایرانی که دیپلو مات‌های سفارت امپر یالیزم امریکا رادر تهران گرو گان گرفته اند ا سناددست داشته جا سو سی را نما یش میدهند

المللی ، تعمیم واستقرار ا صو ل همزیستی مسالمت آ میزکشورهای دارای نظام اجتماعی متفاوت‌است . سیاست کاهش تشنج که برپایهٔ همزیستی مسالمت آ میز ا ستوار است نتایج بزرگ و مهمی ببار آورده است . ار تباط متقا بل دیالکتیکی معین میان همز یستی مسالمت آ میز و همکاری‌صلح‌آمیز وجود دارد . در طی سال ۱۳۵۹ ، کشور های جا معه سو سیا لیستی در همکاری بایك سلسله ازکشور های سرمایه داری و رو به انکشاف برپایهٔ توافق های دو جانبه تجربه معین اندو خته اند .

جلسه پارلمان جهانی مردم‌برای صلح که در آن ۱۳٤ کشور ویکصد ساز مان بین المللی اشتراك نموده بود تشکیل شد که هـــد ف آن جلوگیری از خطر یك جنگ ذروی بود. همچنان اجتماع جهانی‌جوانان ومحصلان برای صلح د یتانت‌وخلع سلاح در فنلند دایرشد . درجلسه مادرید که امنیت و همکاری دراروپا مطرح بحث قرار گرفت ، بـــدون تردید پیشنهاد سازنده کشور های سوسیالیستی که در می ۱۹۷۹ در وارسا تهیه شده بود و تد و یـــر کنفرانس د یتانت نظامی و خلـع سلاح در اروپا حتمی می دانست نقش عمده داشت .

سالها روابط میان اتحاد شوروی وآلمان غرب محراق توجه جهانیان بوده ، در طی سال ۱۳۵۹ هلموت‌ـ شمیت صدراعظم آ لمان فد را ل از ماسکو باز دید بعمل‌آوردواتحاد شوروی پیشنها دات ار زندهٔ د ر ساحه د یتانت نظامی بشمول سلاح های ذروی دارای سا حهٔ پر تـا ب متوسط و همچنان ا بتکاراتی‌بغرض پیشرفت در مذا کرات ویانا ا رائه نمود .

لیونید بریژنیف منشی عمو مـی کمیته مرکزی حزب کمو نیست و صدر هیات ر ئیسه شورای عا لی اتحاد شوروی به هند سفر نمودند وزمامداران هند از ما سکو د یدن کردند که این سفر ها در مبا رزه علیه تهدید جنگ و برای تقو یـه صلح در آسیا و جهان با ا همیت

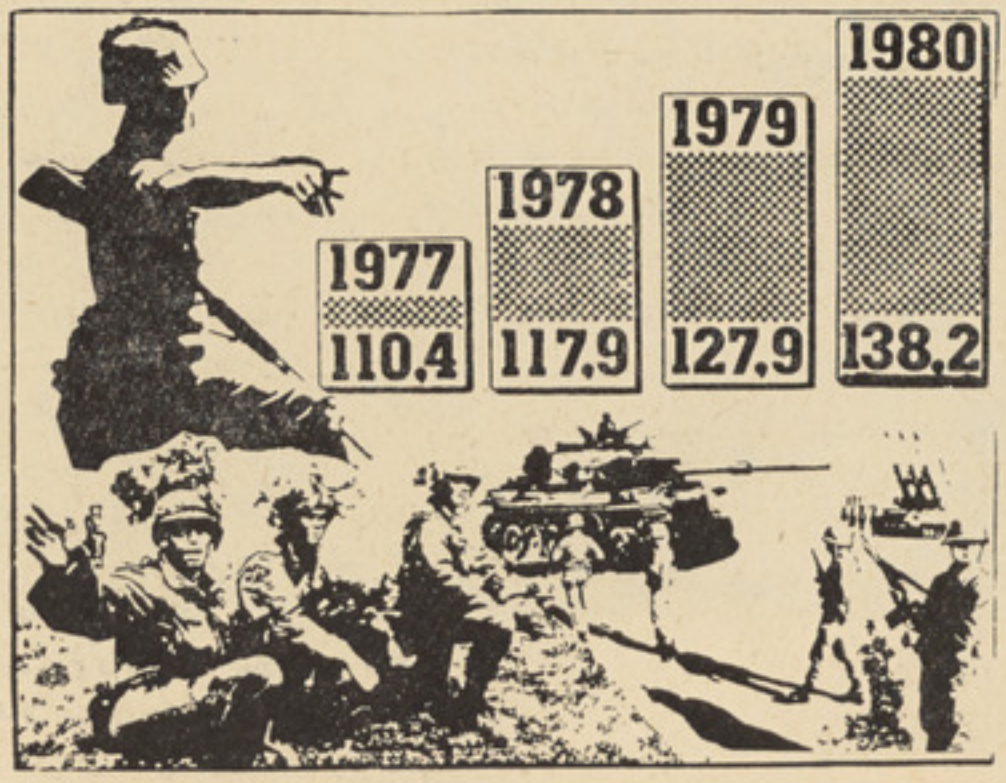

مصارف تسلیحاتی امریکادرسال۱۹۸۰به۲ر۱۳۸ ملیارد دالررسیده‌است

است واتحاد شوروی پیشنها دات سازنده در مورد تبدیل بحر هندبه منطقه صلح ارائه کرد که باساس آن کنفرانس صلح جهانی‌درملغاسی دایر شد .

بیست و ششمین کنگره حزب کمونیست اتحاد شوروی با تا یید کامل مشی لنینی فعالیت عـملـی کمیته مر کزی حز ب و تـا یـید گزارش بریژنیف بپا یان رسید . کنگره دو ران پنج سال گذشته را ارزیابی عینی نمود ووحدت حزب کمونیست اتحاد شوروی و مر دم قهر مان شوروی را در راه تکا مل جهات زندگی محکم و خدشه ناپذیر دانست .

دراین کنگره برای اولین بـــار حزب د مو کراتیك خلق افغانستان تحت رهبری ببرك کار مـل منشی عمومی کمیته مر کزی حزب د مو- کراتیك خلق افغانستان ، ر ئیس شورای انقلابی و صدراعظم یـــك حادثه پر ا همیت سیاسی بحساب میرود و مظهر دوستی ، برا دری بین احزاب و خلق های دو کشو ر است .

درطی سال ۱۳۵۹ جنبش سو - سیالیستی جهان صفوف خـود را بمیزان زیادی تحکیم بخشیده‌است، اعتبار احزاب سو سیـا لیستی و کارگری بسی بیشتر شد و نفوذ آنان ا فـزایش یـافت . درسا ل گذشته روابط میان کشورهای‌عضو شورای تعاون اقتصادی و جا معـه اقتصادی اروپا و کشور های‌روبه ا نکشاف تقو یت یـــا فـــت . اقتصاد جا معه سوسیالیستی بـــه پیشرفت های چشمگیر نایل آمد .

در آغاز سال نو ، سال ۱۳٦۰، توقع میرود ، که صلح و تـــر قی اجتماعی به پله های نوین بر سد نیرو های صلحدوست و مترقی به پیروزی های نوین نایل آیندبرغول جنگ و عفریت ارتجاع ، بیشتـــر از پیش غالب آ یند و خلق ها ی جهان در راه صلح ، د مو کرا سی، استقلال ودر مبارزه بخاطر تحقـق آرمان های انسانی مبارزه شا نرا شدت بخشند و پیروز شوند .

پایان

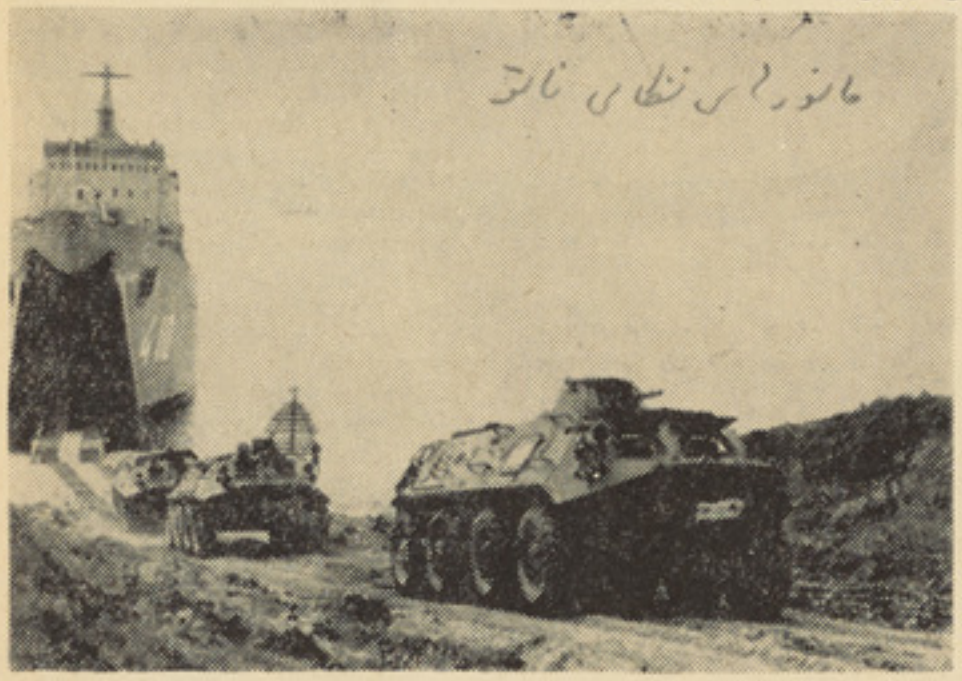

ما نور های نظامی ناتو

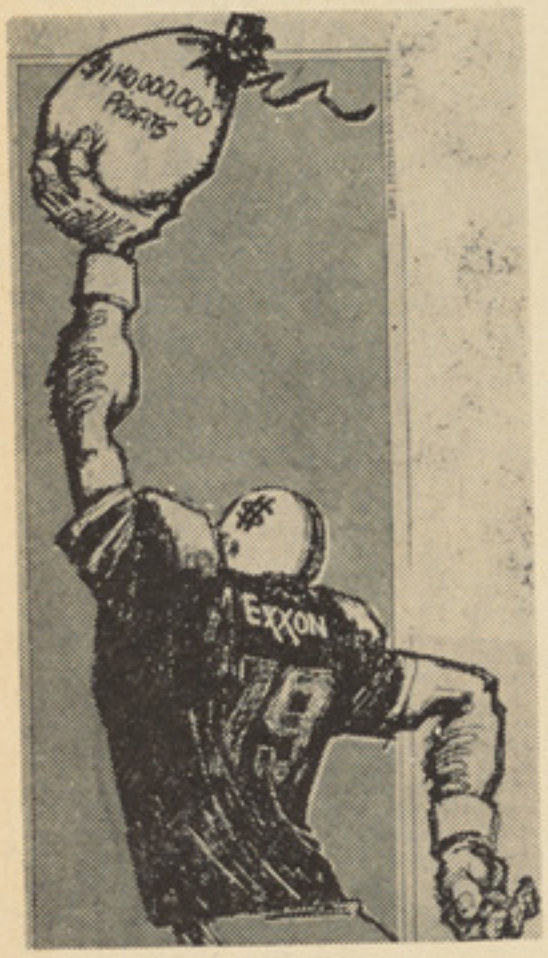

کمپنی های چند ملیتی سا لا نـــه کشور هـــا ی رو به انکشاف را استثمار می نما یند. کمپنی‌اکسیون تنها درسال ۱۹۷۹ مبـ ـلـغ ۱٤ر۱ ملیارد دالر مفاد بجیب ریخته است

امین افغانپور

بلا به شپه

بریدگی وکتل چی دجگتورن تندی ګونځی شو. ښی لاس بی چی پیاله یی نیولی وه په شدت سره وریږ دید اوپه دهشت سره یی چیغه کړه :

ـتوتکی ونیسه ګنی مری ...

توتکی ورو ورو دبریدګی په تودواودلبلبو په شان دسرو لاسونو په رغووکی تودیده او وچیده . خونه پوهیږم چی په جګتورن باندی خه حال تیریده .خکه چی شیبه په شیبه یی طبیعت خپه کیده اوپرله پسی یی سګرتونه زورور کاوه .

یو ساعت تیر شو . باران لږ خه‌په کراره اوریده او دتوفان شدت هم کمیده پدی کی زرك سر باز بیا خیمی ته را ننوت . او چی دټولی قوماندان ورته وکتل نو لکه چی خه‌شی ورپه یاد شوی وی هغه ته‌یی وویل :

ـزرکه دا توتکی یوسه اوپه یوه امن اوتوده خای کی یی خوشی کړه !

زرك سرباز دعسکری بوټانو پوندی سره وټکولی او دهمیشی شیوی سره یی په زوره غږ کړل :

ـصاحب ! داتوتکی وړم اوپه یوه تاوده‌او امن خای کی یی خوش کوم . صاحب !

او خپله عسکری خولی یی په ښی لاس سره په کین لاس باندی چی توتکی یی‌په احتیاط سر ه‌پکی نیولی ده ، خیرکړه او اوږه‌یی داسی وښوروله چی خپل (کلاشینکو) خای په خای کړی اوتر خیمی ووت ....

همداچه د سربازګامونوقړچار چی په‌جنتوکی روان و، لری شو، نود صحی بریدګی دټولی قوماندان جګتورن بری ته وکتل او ورویی وپوښته :.

ـ قوماند انصاحب ، خنګه موطبعیت خراب شو ؟

باران پرله پسی اوریده او ورسره ورسره دباد تند وخپو خیمه‌دتوفان خپلی بیری دبادبان په خیرهاخوادیخواه ځنګلـو لـه ختیخ لوری خخه دسپکی توپخانی ګونګ آواز ورو ورو غوریده ، لکه چی له ډیر لری ، دغرونو له شانه دتالندی غږ دبرښناله ژر تیریدونکی رڼا سره غبرګ رارسیږی .

دغر یکین تنی اوژیړ بخنی رڼا، د ښوریدـ ونکی اورپانده خیمی پردیوالو نو باندی دغرنی کنډك ددوهم ټولی دقوماندان جګتورن بری‌اود صحیی بریدګی‌شانورغټ سیوری داسی ګډول، لکه دسینما پرپردی باندی یوزوړ او قدیمی فلم .

جګتورن بری دخپل همیشنی موسکا سره خپله وروستی قطعه‌پر صندوق باندی وویشتله اودصحیی بریدګی ته‌یی وویل :

ـبس ده ـ دالسم واردی چی زه یی ګټم اوبیایی په قرچهارسره دخپلو اوږوشخی‌ونیوله بوسګریت یی‌ولګاوه اوپه خوند سره یی لوګی ترستونی تیر کړ .

په همدی وخت کی زرك سر باز دچایویو غټ چایجوش پر صندوق باندی کیښود . دقطعولوبه اودچایو خښل‌دغرنی کنډك‌داافسرانو لوبه تفریح او ساعت تیری وه . خودغه تفریح هم دوخت په تیریدوسره ورورو دغو افسرانو ته ستړ یاوروستله . دخیمی په فضا کـی یوخو شیبی چوپتیا خپل وزرونه خپره کړل

له باران سره ګډ باداو طوفان پرله پسی زیاتیده اود سپکی توپخانی غږیی تر خپلی اغیزی لاندی نیوه . ناخاپه دخیمی وربادپه شدت سره خلاص کړ او دباران دترها ریه منځ کی‌یی یوه توفان ـپلی توتکی دخیمی پر غولی باندی وغور خوله .

دټولی قوماندان، خوخوخله ، دسګرتولوکی پوکړل اوبیایی بریدګی ته وویل :

ـستاپه یاد دی کنه‌ـ چی کله زه په روغتون کی وم ، غوښتل می‌چی د دخپلی مورد خوب نکل درته وکړم .

ـهو په یاد می‌دی .

بریدګی دا خبره په قاطعیت سره وکړه.

خو وروسته بیاد «خ» عملیات پیښ شول اوما دامجال ونه موند چی دانکل درته وکړم. خواوس می چی باران خپلی او توفان ټکولی توتکی ولیده ،هغه داستان بیاراپه زړه شو...

دټولی قوماندا ن‌داخبره وکړه اوبیا پـه زور سوچ کی ډوب شو . دصحی بریدګی په وازه خوله ورته کتل .

ـیوشپه همداسی تند باران اوریده اودباد خپو سر پربامونو او کړ کیو باندی ټکاوه . په همدغسی یوه شپه کی وچی زما پلار چی په سرپوری‌یی‌نیم‌ژواندی‌ډیوه‌بلیده‌اوهروارد دباد قهرجنو خپو له زوره ، دیخوا او هاخوا کړیدله خپلی وروستی ساوی کښلی . او یووخت‌چی زما سترګی دخوب له زوره مرغی مرغی کیدی، مورمی چیغه کړه ، اوزه یی وښورولم . ته پوهیدم چی خه خبره ده . خو مورمی دلومړی ځل لپاره په‌یوه ترخه حقیقت،دمرګ په حقیقت باندی پوه کړم . دپلارمی ساختلی وه ...

آسمان پرله پسی‌غږ مبیده ، او باران داسی اوریده لکه چی غوښتل یی زما دمورد اوښکو باران ته‌په باران سره خواب ووایی ....

دپلار دمرګ ترخه حقیقت دپاسه یوبـل حقیقت هم ورزیات شو. زه مزدور شوم .زما مور مزدور ه شوه او مزدورانو په لیکوکی دوه نوی مزدوران ودریدل ....

دپلار دمرګ ترخه حقیقت دپاسه یوبـل خولی ته ورسیخ کړو. دپلارمرګ زما مورد همدغسی توتکی په خیرپه ښارکی د وه‌استوګن مالك درشل ته وغور خوله .

دغه مالك چی زموږ بادارو ، یووخت پـه حکومت کی هم کارکړی ووخواوس یی تجارت کاوه او هیڅ معلومه نه‌وه چی دخه شی تجارت کوی .

دهغه دوه ښځی وی اوګن شمیر اولادونه. دنورو بدمرغیو سره سره د دغو ښځونا پایه شخړو دمالك دکور محیط دوزخی کړی و.

ماکری ورځ وهل خوړل ـاو مورمی سپکیده او ښکنځل یی اوریدل . خکه که‌به موردمالك دیوی ښځی او دهغی داولادو کار وکړ ،بلی ښځی به سیخ اوسوال ته‌نیولو .

خولدی ټولو سره سره مامکتب وایه ـسخت کلونه وو . په ملك کی عامه وګړه بدمرغی وچکالی او قیمتی وه .خودمالك په کورکی هرڅه پریمانه وو. او دهغه غواووښی شیدی کولی .

ډله ډله بز ګرانو ، قحطی اووچکالی خپلی کلی پریښودل او ښارته یی مخه کولو .اوپه ښارکی دمزدورانو لیکی لاپسی اوږ دیدلی .اود ژوند کړاوونه لاپسی زیاتیدل .

په دغسی شرایطو کی ووچی ماعسکری ښوونځی پای ته ورساوه .خود ښوونځی پای‌ته رسول زما لپاره ساده کارنه و. مادژوند لـه ټولو کړ اوونو سره سره ښوونځی پای ته ورساوه . وګړه تنده ، سپکاوی او توهیـن رټلی او ښکنځل، محرومیت اوبد مرغی زماله ژوند سره همیشنی ملګرتیا درلود ه ...

پدی‌کی دټولی قوماندان غلی شو . اوبیایی یوسوړ اسویلی و کیښس . دصحیی بریدګی په وازه خوله او هیجان سره غوږ ورته نیولی‌و.

خوشیبی وروسته جګتورن بری بیاپه خبرو پیل وکړ :

ـهغه شپه په لیلیه کی ډیر ناکراره‌وم . زړه می‌بدپیغامونه ورکول سباد جومی شپه وه اوزه می‌مورورتلم . خو کاشکی هغه شپه نه‌وای سبا شوی او ما خپله مور هغسی نه وای‌لیدلی.

بریدګی په هیجان سره پوښتنه وکړه :

ـخنګه ؟

دټولی قوماندان یوه نامعلوم ټکی ته خیر شواو بیا یی وویل :

ـ سخته‌یخنی وه. زه دمازدیګرپه پنځوبجود دمالك کورته ورسیدم دکور لویی دروازی‌مخی ته پنځه سپږ موټر ونه ولاړوو. داسی ښکاریده چی میلمانه وی . خوهمدا چی دروازی تـه ورسیدم نوخپله مورمی ولیده چی دیواله ته تکیه شوی او سربی ټرلی دی . یوکوچنی غوندی پنډ کی ورسره دی‌اولاس یی پدی تکیه کړی دی . ورنژدی شوم . په خپه مری کی یی خپل شوی چیغی خلاصون وموند اوپه‌کوکو کوکو په ژړا شوه . یوه ترخه ژړا چی دآسمان زړه یی هم درد ولی شو .

هغه شپه دمالك په کور کی دعیش او خوښی محفل روان و. خومور می‌دسرای په یـوه تیاره او سړه خونه کی ماته زماد (قوماندانی) دخوب نکل کاوه ...

ـدقوماندانی خوب ؟

بریدګی په هیجان سره پوښتنه وکړه .

دټولی دقوماندانی دتندی ګونځی لا پسی سره

پاتی په ٦١ مخ کی

ببرك كارمل حين ايراد بيانيه دراجتماع افسران وسربازان فرقه ۱۱ ننگرهار

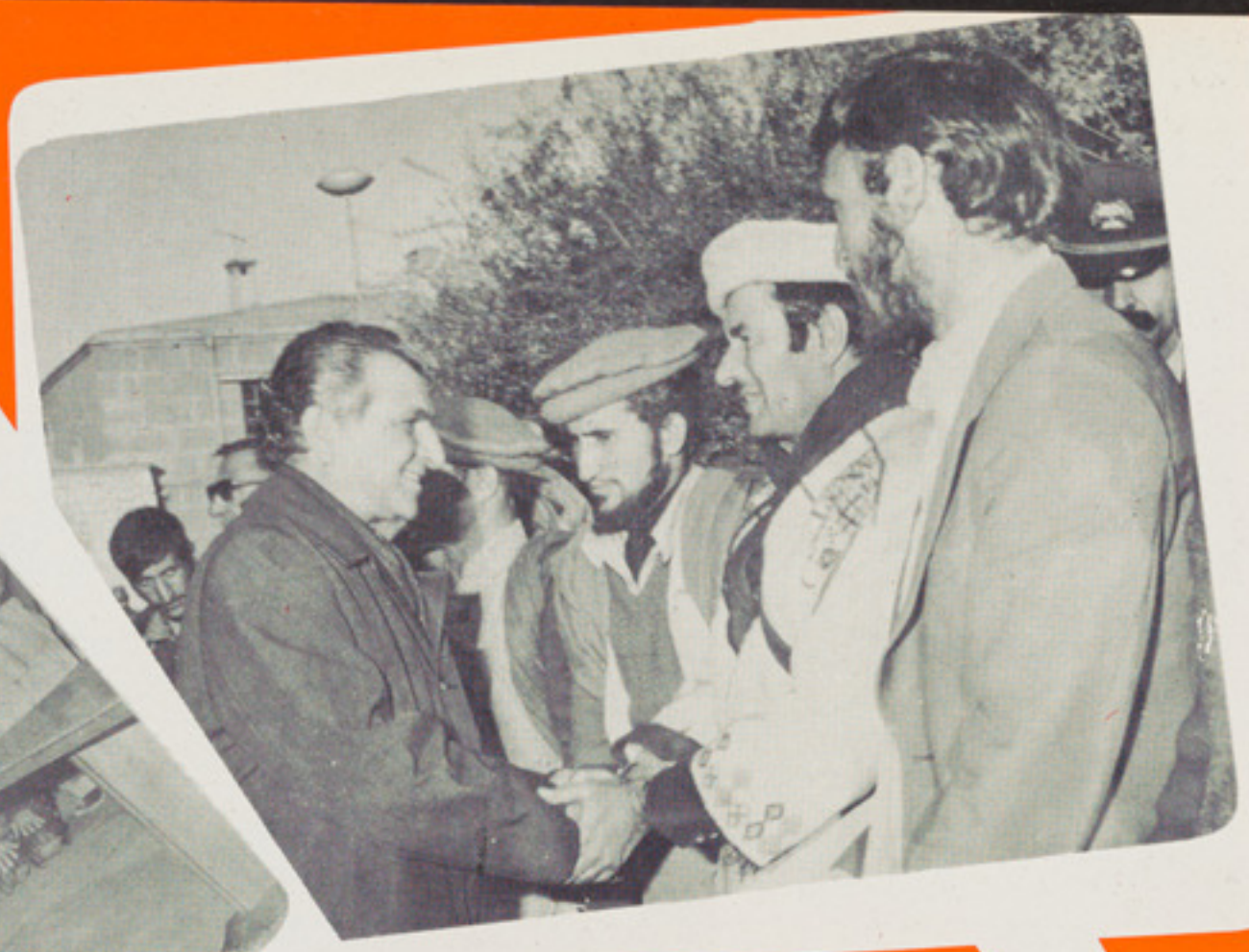

ببرک کارمل منشی عمومی کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان ،رئیس شورای انقلابی وصدراعظم هنگامیکه از اتاق های تنویر سیاسی قطعات دیدن مینمایند.

نبرد آزادی

یك صبحگاه که نور فروزان آفتاب
برقله های ،
شامخ این بوم وبر نبود .

نسیم سرد
لرزه براندام می‌فگند
از روشنی ،
به‌هیچ کناری اثر نبود
آنسوی دشت !
یعنی میان کرانه ها
رزم آوران ،
فشرده بدامان کهسار
صف بسته بی شمار
هنگامه ها به پا
فریاد ونعره ها
به ،به چه محشر است
دنیای دیگر است
توفان خشمگین
هردم فزونتر است
در دشت بیکران
شور دلا وران
اینجا دگر !
صحنه پیکار روزگار
مردان زندگی
آمد به کار زار
تادر دحق
بدشمن بیداد گردهد
شور نوین

به پیکراین بوم وبر نهد
دشمن ؟
اگر چه هیله ونیر نگ می‌نمود
چال وفریب وتوطئه رنگ رنگ می‌نمود
اما !
دلاوران
زیر شعار وحدت وتصمیم پابه جا
در پر تو یگانگی ایمان با صفا
تا آخرین نبرد
پیکار می‌نمود
پیکار زندگی
آری !
اگر قوت دشمن جهان بود
هر چند اگر دلیر وقوی قهرمان بود
اما!
به‌پیش همت مردان خود گذر
دانی که چیست ؟
نیروی بی اثر
در آخرین نبرد
دشمن فرار کرد
تاریخ شاهد است
تاریخ زندگانی ،
مردان قهرمان
بانام جاویدان
اینست که ما زندگی
آزاد میکنیم
از کشتگان راه نبرد یاد میکنیم

شهید ربانی «کوهنورد»

به مناسبت جشن فر خنده او ل‌ماه می روز همبستگی بین‌المللی کار گر .

ای !

کار گر

نازمت ای ! کار گر
ای ! خادم نو ع بشر
نازم آن نیروی تو
آن قوت بازو ی تو
نازم آن فکر رسا و روشنت
دیده‌ام روش شود از دیدنت
نازمت ای !کارگر
ای ! عامل نیا ت خلق رنجبر
کیستی ؟ میدانمت
توده زحمتکشان را راهبر
دشمن هر خائن وبیداد گر

• • •

نازمت ای ! کارگر
ای ! ...ایجاد گر
درتمدن آفر ینی
کوشش تو شا هد گفتار تست
رونق صنعت همه از کار تست

• • •

می‌جهد از ضربه‌های پتك تو
هردم نوای انقلاب
می فرستند ت درود
هر زمانی شیخ وشاب

لیك من میگو یمت
بعد ازین ای ! کار گر
این پتك را هرچند محکمتر بزن
نی به فولاد وبه آهن

بلکه چندین ضربه ها بر فر ق
افسونگر بزن
تابریزی مغز اورا از سر ش
تابه خاك وخون بغلتد پیکر ش

• • •

نازمت ای ! کار گر
ای ! گرد میدان نبرد
ای ! که افتد از غریو هیبتت
لرزه در اندام استثمار گر
چون بگاه رستخیز
با عدو ان در ستیز
می شو ی آماده اندر کار زار
تیز گام وبی هراس واستوار
یادر آنجا سر سپاری
یاکه باسر پنجهٔ مردانگی
پای دشمن راز جایش بر کنی
دد استم رابگرد ن افگنی
نازم آن پیکار تو
آن جرات ایثار تو

• • •

نازمت ای ! کار گر
ای ! قادر اعمار گر
ایکه هر جا ـ هر زما ن
دژنظم کهنه برانداختی
جای آن کا خ نوینی ساختی
نازمت ای ! کار گر
ای خادم نو ع بشر

نور محمد ((فیضی)) اسفنده یی

زندگینامه ابرمردهای زنده جاوید تاریخ

این بیوگرافی ها پرشورتر از هر قصه و پرکشش تر از هر افسانه ای است و بهمین جهت از شما میخواهیم هم خود آنرا بخوانید و هم مطالعهٔ آنرا به دیگر خانواده ها توصیه کنید.

مولانا جلال الدین بلخی

زادهٔ توفان و شوریدهٔ عشق

پیوسته بگذشته

مردیکه از توفان توفنده تر و از آذرخش رخشنده تر بود

ـشمس جا دو گر ا ست ، با ید او را کشت .

پس آهنگ آ زار شمس راکردند وشمس ر نجید ه خا طر از شیوه پلید مریدان مولانا قونیه را رها کرد و گم شد و فر یاد مو لا نا بر خا ست :

بروید ای حر یفا ن ، بکشید یار ما را

بمن آورید یکد م صنم گر یز پا را

به ترانه ها ی شیر ین ، به بهانه های رنگین

بکشید سوی خا نه ، مه خو ب خوش لقا را

دم گر م سخت دارد که‌به‌جادوئی وافسون

بز ند گره بر آتش و ببندد ا و هوه را .

مردم پاسخش میدا دند :

آخر شمس در مقا م و جد و شو ق عنا ن اختیا ر از دست مید هـد و مضمرا ت درو ن را بر زبا ن‌میاورد و در برابر معتقدا ت عوا م بیبا ك است وبسا ط سما ع و رقص وطرب عا ر فانه میگستر د و مو لا ی‌مارا در گر دا ب مخو ف فرو میبرد... مو لا نا میل مقا ومت نا پذ یرش به سما ع رو ز بر وز افزو نتـر وپر هیجا نتر میگر دد ، و جـود شمس مخل شما ست و سما ع به این مقا م شما ....

اما مو لا نا پاسخ میداد :

گفت که از سماع ها ، حرمت و جاه کم شود

جاه ترا ، که عشق او بخـت منست و جاه من

مولا نا به زودی در یا فت کـه شمس در دمشق است ، پسر ش سلطا ن و لد را فر ستا دتا که‌او پس به یا ری علاء الدین پسر دوم مولانا تو طئه ای کردند و د ر یکی از روز ها بر شمس تا ختند .

شهر شورش کرده بود ، مولانا سرا سیمه از خلو ت بد ر آمد ، شمس را دید که سنگبا را ن‌میشو د ، بیاریش شتا فت و خود نیزآزار دید .

در این هنگا م کسی آمد ومولانا را از معر که برد ....اما شو رش دوام یا فت و نا گاه جسد غر قه بخون شمس در رهگذر افتاد ، جان آن مرد خدابه لب آمد .

تو طئه دهشتنا ك بود ...گروهی جسد را بر داشتند و در چـاه سر نگو ن سا ختند و مولانـا را هیچ آ گهی ندا دند که بر سـر شمس چه آمده ا ست ، تنها گفتند که :

ـشمس از شهر بر فت .

مولانا حتی‌تاواپسین دم‌مرگ ندا- نست که شمس بدست مردم نادان شهر در خو ن خو یش د ست وپا زده است ، میا نگا شت که زند ه است و پیو سته در انتظار ش‌بود ومر یدا ن می پندا شتند که بـا نا بود سا ختن شمس ، جا ن‌مولانا را از سقوط در ورطه نجـات بخشوده اند . اما بر غـم انتـظار شان ، مـو لا نـا یکسره و عـظ و تد ریس را تر ك کرد و بـه سما ع ها ی پرشور و جذ به پر- داخت و غز لها ی د یوا ن شمس یاد گار این سما ع‌ها ی و جد آمیز وپر هیجا ن ا ست .

چندی بعد مر یدا ن به درو غ مولا نا را گفتند که شمس دردمشق است ، مو لا نا به شو ق د یدا راو در جو ش و خروش افـتاد و در طلب یا ر گمشد ه بر خوا ست ، رهسپار شا م شد و پیو سته د ر راه میان امید وناامیدی می خواند:

بنما ی‌رخ که با غ‌وگلستا نـم آرزو ست

بگشا ی لب که قند فرا وا نـم آرزو ست

گویا تر م ز بلبل اما ز ر شـك عا م

مهر ا ست برد ها نم و افغا نـم آرزو ست

یکد ست جا م‌باده و یکد ست زلف یا ر

رقصی چینن میانه میدانم آرزو ست

لکن او از پس جستجو هـا ی فرا وا ن که همگا ن بر بیهو دگیش آگاه بو دند به قو نیه با ز گشت ، دیگر او آن مفتی پر جنب و جو ش

نبود که روز ا نه سا عتها را بـــه بحث گذ راند ، آ تشی بودکه از بیم عوا مدر نها ن میسو خت .

چندی نگذ شت که صلاح الدین زر کو ب د ل مولانا را ر بود و بااو درخلو تفلسفی نشست ، لیکـــن مر یدان قصد جا ن وی را هـــم کردند، سپس حسا م ا لدین‌چلپـی در ز ند گی مو لانا رخ نمو د ومیا ن آند و دو ستی و شیفتگی بی پایا ن پدید آمد .

روزی حسا م ا لدین از مو لا نا خوا ست تاکتابی به طرز عطار و سنا ئی به نظم آورد ، مو لا نـــا بیدرنگ از سر دستار خو یش‌پو- ست نا ز کی که ابیا تی چند بر آن نوشته بود بـر آورد و بوی داد ، این ابیـات ، هما ن دا ستا نـــی بود که سر آغاز مثنوی گشت :

بشنو از نی چو ن حکا یـــت میکند

از جدا ئی ها شکا یت میکند

و بد ینسان خلـــق مثنوی کبیر آغاز گر دید ، این مثنو ی که الها م بخش آ ن حسام ا لدین بو د بی شك از جذ به یك شو ق و شو ر روحانی پد ید آمد، در طی سالیان دراز مو لا نا هر جا فر صت مییافت و ذوق و حال اجازه مـــیداد ، در خانه ، در مسجد ، در حما م ، د ر را هروی ، در رقص و سما ع ودر شب وروز آنرا می سرود ، داستان در داستان می آورد و سخـــن از سخن می شکا فت ، او میسر ود و حسام الدین مینو شت ، تـــا پایان عمر ، کار مو لا نا سر ود ن مثنوی بود و مر گ وی این ا ثـر شگر ف را به قصه نا تما مـــی رسا ند .

آنروز که مو لا نا این وا پسیـن قصه را که نا تمام بود میسر ود، تب محر قه در جا نش چنگ میا نداخت و همین تب او را به بستر مر گ افگند ، ر خش را زردسا - خت و سر ا نجا م در شا مگا ه روز یکشنبه ای به سا ل ٦٧٢ هنگا می که آفتا ب دا من در می چید آ ن خو رشید معر فت د ید ه فـــرو بست .

در قونیه از خرد و بزرگـ در سوگشس نشستند ، حتی عیسو یان و یهود یان که نیك خوا هیهـــای وی را دید ه بودند سخت بگـــر- یستند ، شیخ صدر الدین برمولا نا نماز گزا رید ، اما از شد تبیخودی ودرد در میانه نما ز فر یا د ی‌بزد و از هو ش برفت ، مو لا نا راد ر ((ارم‌با غچه)) بگور سپا ر ید نـد واز آ ن پس ار م با غچه آرا مگاه خا نواد گی اخلاف او گردید .

• • •

مو لا نا کلا می شور انگیزداشت ،در مجلس در سش مستمعا ن‌نا م آور فرا وا ن دید ه میشد ند کـه گفته اند سعدی از آنها ست .

جلال الدین مردی بی تلکـــف ساده و نیك محضر بود ، بیشتربا پیشه و را ن و در و یشا ن نشست وبر خوا ست داشت و در معا مله با محتشما ن گستا خ بود ، با همه لا غر ی و زرد رو ئی حشمتی و

بقیه درصفحه٥٢

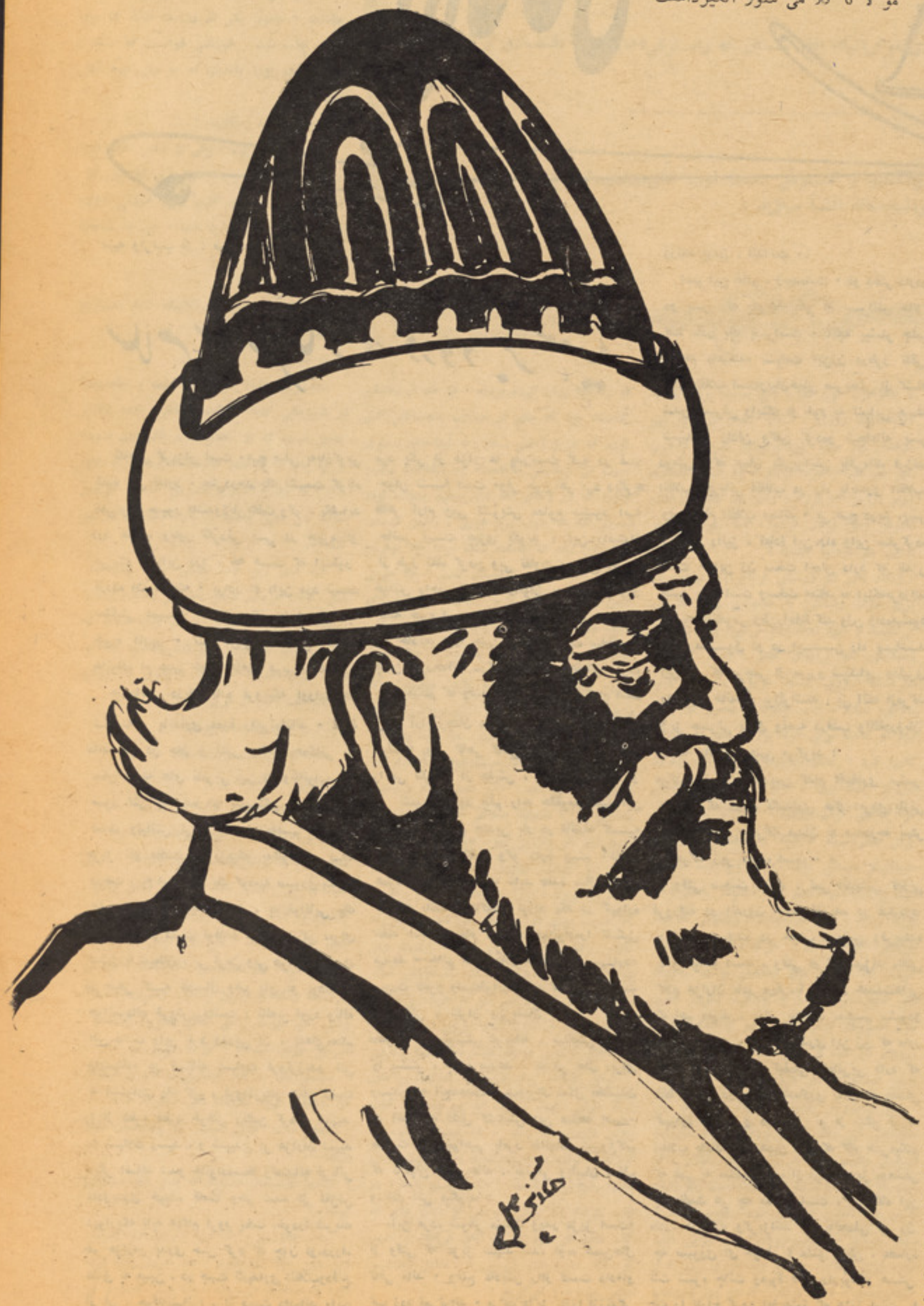

آزادگان

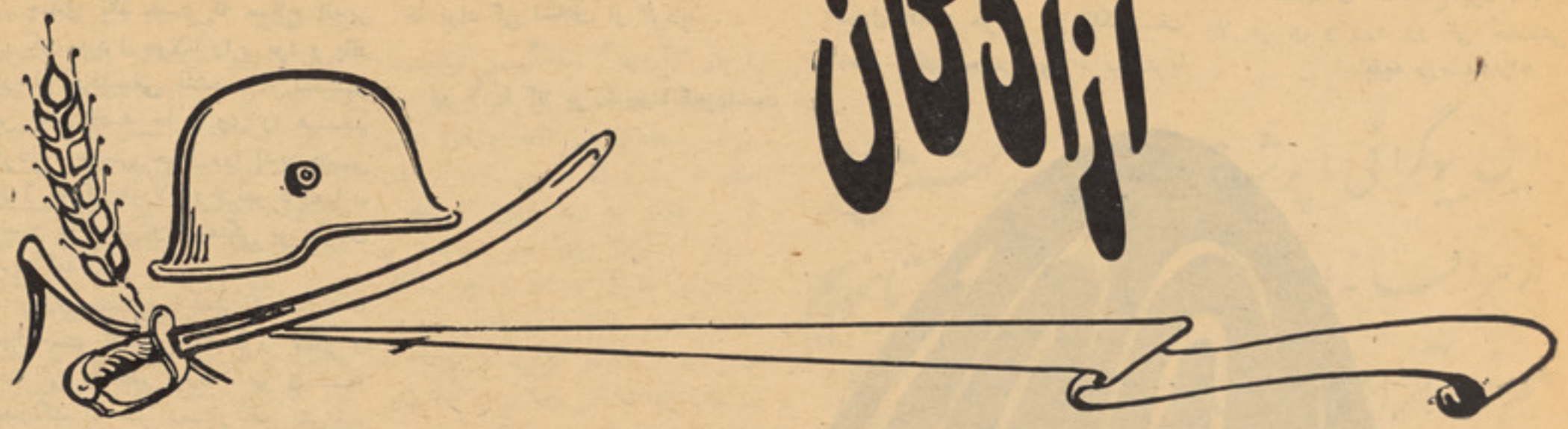

تهیه وترتیب از : صدف

سلام برسرباز ، درود برشهید

نگاهش گریزان است ۰هیچ میلی به‌بازگویی قصه اش ندارد ۰ حتی‌درحد یك نشست کوتاه نمی‌تواند صبور باشدوزبان‌بگفت وگو ، بگشاید درد عجیب وباور نکردنی یی در چهره او می‌بینم ۰ (این درد ، چه هست که اینطور آزرده ات ساخته ۰ برادر ؟) (این درد نیست سنگینی غمیست که از مرگ عزیز مان، به چهره داریم ۰ تنها من‌نی ، تمامی اعضای خانواده ام سهم خودرا ازاین غم‌برده اند۰)

چشمانش درباز تاب غروبیکه اورادر هم شکسته ، پایداری غصهٔ رامی‌نمایاند ۰ غصهٔ ماند گار در جان و تنش واندوه همگانی به سان رشته های نامریی بین او وخانواده اش صور تش پوشیده در پیوستگی اندوه ناتمام است ولبانش لرزان در زمزمهٔاسم عزیزیکه عزیز نام داشت وعزیزییکه به‌تنومندی یك درخت ، به استواری یك کوه،به صبوری ستاره ها، به پایداری یك دشت ، به توانایی یك انسان ، در دشت توفندهٔ مرگ وندگی ،برای ستیز با شیطان ، بی ترس وبی هراس ،فشرده در صفی که همسال وهم پای او بودند . جوانمردانه خروش‌برداشت ، ناله‌بر آورد وناله اش دشت راپر کرد ودرپی آن ، پاهای‌محکم وایستاده در آستانه شهادت فروارزیدو تنی به استواری یك کوه ، فروافزیدو دامان دشت را از قطره قطره خونش رنگین کرد . شهید به شهادت رسید ، و شهیدی بر هزاران شهید دیگر اضافه شدو خانواده‌سخا وتمندانه قربانی دادوپدری خیمده قامت وخم شده از لغزش دیواریکه نابه هنگام فرور یخت ،خودرا شریك غم هزاران پدری حس کرد که چون او،درراه عشق به میهن ، در جهت نگهداری انقلاب‌ودفاع از آن ، جوانانشانرا ، از دست داده‌اند ۰این مرد یکی از هزار ها پدریست که در غم جوان نشسته است ۰ولی چون هر مرد دیگربه ظاهر آرام وبی تشویش معلوم میشود اما حاضر نیست چیزی بگوید ۰ این رامیتوان از طرز نگاه کردن وبی تفاوت بودنش ،فهمید خودش راجمع کرده ، زانوان به شکم ودر نقطهٔ خیره است ۰باخودمیگویم‌که شایدسنگینی این حادثه، اورا چنین درهم وفشرده ساخته و چنین بی‌رحمانه درکویرظلمت، رهایش کرده حس میکنم که وضع عادی ندارد۰گاه آرام است چنان آرام وچنان سطحی که گویی چیزی،اتفاق نیفتاده ،ولی گاهی گاهی ، هراسان ،اطرافش را می نگرد ، از جایش ، بی جا میشود و پر تشویش دود چلم رابه حلقوم‌می‌کشد۰این وضع را میتوانم چندین بار در فاصله که بااین خانواده گفت وگو دارم ببینم ۰خانمی همراه بادختر جوانیکه شاید هفده سال بیشتر نداشته باشد ، باکودك نوزاد یکه در گهواره خفته است ۰تمام اعضای خوانواده‌را تشکیل میدهد ۰ خانم خانه چادر سیاهی به سردارد۰ صورت لاغرو واستخوانیش‌درمرگ عزیزازدست رفته اش ، نگران وپریشان است ۰ خانهٔ محقرش ، درپوشش غریبانه ، سنگینی حادثه را بیشتر ، جلوه میدهد ۰ به هر حال ،برای رسیدن به آنچه‌هدف‌ماست‌وبرای شکل بخشیدن به آنچه که دلیل گشایش این صفحه است۰ صحبت رامی‌خواهیم بامرد خانواده شروع‌کنم که ناگهان خانم خانه ، به‌نرمی وبابیان صاف وساده اش میگوید :

«این مرد، شوهر منست وپدر عزیز است۰ از وقتی که عزیز شهید شد، اوبه همین‌حال باقی ماند ۰ وضع عادیش رااز دست داد۰او گپ زده نمی‌تواند ۰ مرگ عزیز ،اورا اززندگی وزنده بودن ، انداخت ۰»

اسم این خانم ، زبیده‌است ۰ دو دختر داردو دو پسر ،که بامرگ یکی از پسرانش حالا فقط مادر یك پسراست ۰ آنچه بیشتر جلب توجه‌ام رامیکند، شهامت این‌زن درطرز تلقی اواز انقلاب است‌وبیان‌خیلی صریحش از کشته شدن پسرش واینکه او خود به تنهایی جسته شهیدش رادفن وکفن کرده‌و شجاعانه پسر دومش راکه همان یکی‌برایش باقی‌ماند فرزند انقلاب وقربانی انقلاب در راه پایداری انقلاب واستحکام انقلاب میداند ۰ بی هیچ دریغ ،پسر دیگرش رانیز ، آمادهٔ این راه واین سفرکرده است ۰ این زن سخت ایمان دارد که تقدیر چنین بوده است وسخت معتقد به اینکه‌مردزاده میشود تاناموس وطن‌راحفظ کند وزن زاده‌میشود تا مشوق او در این راه باشد این زن که پرچمی از صبرو شیکبایی ودلیری رادر بام خانه‌اش برافراشته ، بی آنکه ازمرگ عزیز حسرتی دردل وغصه درقلب وناله‌درزبان داشته باشد ، چنین می‌گوید :

مرگ حق ا ست پس کدام افتخاری بهتر از این که درراه نگهداری خاك ،مردی،یازنی به خاك افتد ۰ مرگ میدان به صددرجه بهتر از مرگ زیر لحاف است ۰ »

وقتی صحبت میکند ، نمی اندیشی که‌زنی فرورفته در اندرون خانه، لغزیده در غباردود دیگدان وپیچیده در حجاب دروغین وفریبنده باتو مواجه است ، وقتی او گپ میزند ،نقش کلام هزاران مادر دیگر،با همگون خصلت‌هایی که‌باهم دارند ، پیش چشمت ،مجسم میشودو شکل می‌گیرد ۰ از خود گذری این زن که مادر است چنان اوجی‌و کیفیتی متعالی‌یی دارد که فقط میتوان در چهاراندام‌مادری یافت که دامنش گهوارهٔ انقلاب و دستانش نو از شکر فرزند انقلاب باشد ۰ و همین است‌که گاه حس‌میکنم که غمی به سنگینی کوه از مرگ عزیز ،وعشقی به عظمت هر چه مقدس است ، در نگاه این مادر، درجنگ وگریزاند. چه باتحملی ای زن چه صبوری ای خواهر ؟ عشق بوطن ، عصارهٔ تنت شیره جانت ومیوهٔ دلت راربود و هستی ات را تاراج کرد۰ اما هنوز که هنوز است با نیمه دیگرت آماده برای دفاع‌از خاك ومیهن هستی تو، زن این سر زمین هستی وسمبولی از هزاران زن دیگر که درگوشه وکنار ،در دور افتاده ترین نقطهٔاین مرزو بوم ، با چنین شهامتی ، فرزندش رابرای استحکام هر چه بیشتر انقلاب ،در سنگرهای تعیین ناشدهٔ می‌فرستد ۰

این مادر ، خود بدون معطلی ، که گویا کلام روی زبانش ، آماده گفتن است وقصه عزیزش ورد زبان او ، چنین می‌گوید :

ـگمانم نمی‌رفت که عزیز را کشته باشند۰ از مدتیکه به عسکری رفته بود ، زیاد ازاو اطلاعی نداشتم جزاینکه گاه گاه خودش ،وقت وبی وقت به‌سراغ من‌وپدر پیرش ونیز زنش که آن وقت ها حامله بود می‌آمد عزیز شوق عجیبی داشت که پدر شود ۰ هنوز دو ماهی از عروسی اش نگذشته بود که اورا عسکری بردند ۰»

دراین جابه زن جوانیکه کودکش رادرگهواره می جنباند اشاره میکند ومیگوید :

ـاین زن عزیزاست‌وآنهم پسریکه خوابعداز مرگ عزیز ، برایش داد ۰ شاید هم حکمت خدا دراین بودکه عزیز را گرفت ودر عوض عزیز کوچك دیگری برایم داد۰ اینرا هم مثل عزیز میدانیم، او جای خالی عزیزرابرای‌ما پرکرده از آینده چه خبرداریم ، شاید همین عزیز کوچك ، فرزند برومند انقلاب و یکی از شجاعترین مدافعان این خاك بار آید ومن حاضر وآماده برای انجام دادن هرگونه قربانی هستم ،مرا هیچ دریغی نیست که خودم را بگیرند یا عمرم راویا هم زندگیم که همان یك پسر دیگرم است ۰ شرایط طوریست‌که باید سپاه انقلاب بوجود بیایدو دافع انقلاب از این درختی که تاهنوز نهال است‌و سه‌سالی بیشتر عمر ندارد . نگهداری کند . چه فرزند من‌وچه فرزند دیگران ، هردو از همین خاك انداز همین مرزوبوم وروی همین زمین وزیر همین آسمان،بزرگ‌شده‌اند ، پس مسوول اندکه

– زنده بادوطن‌محبوب ماجمهوری‌دموکراتیك افغا نستان که راه ترقی‌اجتماعی ، اقتصادی و فر هنگی‌رادر پیش گرفته است .

– روشنفکران وطن!

همه نیرو ی خویش را در جهت‌تحکیم و گسترش دست آورد های‌انقلاب ثور بکار اندازید .دسایس و توطئه های دشمنان وطن و انقلاب‌راشجاعانه افشا سازید .

ازاین خاك دفاع کنند •

مادر خانواده حرفهایش راقطع میکند وکودك را که‌در گهواره ناآرام است ، بغل میگیرد•از این مادر می‌پرسم :

–فرزند دیگر شما چند ساله است ؟

«بچه دیگرم بیست ویك ساله است •همین سال گذشته مکتب را خلاص کرد• فاکولته (هم امتحان داد ، ولی وقتی به عسکری‌جلب شد، برای انجام دادن دینیکه بگردن هر جوان است ، همت گماشت در حالیکه خون برادرش تاهنوز خشك نشده ، به صورتش تاهنوزگرد نه نشسته ، ولی اورا گریزی نیست جزاینکه باید عسکری رابگذراند •

وسکوت میکند شاید هم عزیز بیادش‌می‌آید وعزیزان دیگریکه پدرها ومادر هایشان‌چشم انتظار آن هارا دارد به هر حال ،سکوت‌همچنان باقیست ومادر همچنان در اندیشه وغرق در فکر ، تا اینکه خود سکوت را می‌شکناندو می‌گوید :

–میدانی ،مثل بسامادران دیگر ، باخواری زیاد ، او لادهایم رابه ثمر رسانیدم • فقر، غربت‌مسافرت، دوری‌ازقوم‌وخویش‌رابرای‌یافتن یك لقمه نان ، قبول کردم ، زمینه ها ی فراوانی‌وجود داشت که پسر انم رااز تحصیل بازمانم وآن ها را وادارکنم که برای بهتر شدن وضع اقتصادی ما ، کار کنند • اما راضی نبودم• نمی‌خواستم که آن هابی سوادوعضو اضافی جامعه بار آیند ، سالیان متمادی به‌خانه های کرایی به سربردم . منت مردم‌را قبول کردم، شوهرم بیکاری ها کشید ، خودم شب ها، در زیر نور خفیف چراغ نشستم‌و خیاطی کردم وکارهای مردم را انجام دادم ، به مکاتب مبصره‌شدم‌نوکری شفاخانه هارا قبول کردم وگاه‌هم از ناچاری به خانه های مردم‌رخت شستم واتوکشی کردم و بدین ترتیب خواستم تازمینه رفاه فرزندانم را فراهم سازم و باهزاران خون دل ، رنج بسیار بردم به‌امید اینکه‌شاید روزی ، شاید لحظه درسایه این درختان واز میوهٔ این نونهالان ثمره‌ببرم•خوب کبر نمی‌کنم • ثمره گرفتم • چه ثمره‌وافتخاری بهتر ازاین که فرزندم رادر راه دفاع ازخاك‌و ناموس وطن قربان کردم • آیا ثمرهٔ پربارتر ازاین هم دردنیا هست ؟

ونگاه مادر در روشنی قربانی‌ایکه داده‌است برق میزند ولبانش به خاموشی روی هم می‌نشیند و خود لحظه‌آرام می‌گیرد وبعدمیگوید: «همانطور که برایتان گفتم ، اصلا گمانم نمیرفت‌که روزی کشتهٔ عزیزم راببینم، ولی بالاخره دیدم ، آنهم چگونه ؟ پسرم در جبهه بود او کابت تولی خود بود • یکی دو ماه‌این کاررا کرد • بعداورادرجبهه فرستادند ، یکروز قبل از اینکه برود ، آمدواز من وپدرو خانمش خدا حافظی گرفت ورفت • نامه ها یش‌دیردیر برای مامی‌رسید تااینکه مدت دراز از او هیچگونه احوالی نیامد • به آن عده که آن هارامی شناختم ،گفتم وبه آنانیکه با عزیزهم فرقه بودند ، نیز اطلاع دادم ، رفقایش که خدا جوانمر گشان نکند ، هرکدام تلاش خودرا کردند که احوالی ولو مختصر بوایم بیاورند ولی هیچ خبری نشد ، بالاخره یکروز همین طور مصروف کدام کاری بودم که ناگهان‌دیدم دروازه باز شد و عزیز به حویلی داخل شد خیلی خسته به نظر می‌رسید •

سر وصورتش غرق خاك بود و قسمت چپ صورتش نیز زخم کوچکی‌برداشته بود ،نمیدانم درچنین وضعی شما می‌توانید حال مادری راکه شب ها وروز ها منتظراولاد خوداست وهردقیقه چشم براه آمدن او نزد خود ،مجسم کنید ؟ دیگر چیزی برایم‌مهم‌نبودجزاینکه عزیز آمده بودو عزیز رازنده وسالم وبا انرژی ردر کنار خودمی‌دیدم • قصه کوتاه ، که دو روز ودوشب باما ماند ودو باره رفت • اینبار نمی دانم او را کجا روان کرده بودند • دو ماه از رفتنش گذشته بود که یکی از صاحب منصبانش خبر آورد که عزیز زخمی شده وبه شفاخانه بستری است من وپدرش بلافاصله به شفاخانه رفتیم واورا که در لابلای تکه های سفید پیچده بود، دیدیم تکه ها خون پرو عزیز ، زخمی شده‌در در درون تکه ها جاداده شده بود• چه میکردم در آن لحظه چه می‌توانستم بکنم ؟ چه چیزی ازمن برای سلامتی عزیز ساخته بود ؟یقیناکه هیچ، جز اینکه نگاه کنم وجز اینکه‌فقط تحملش نمایم • پدرش از آنروز به بعد به حال نیامد شاید هم‌دیگر هیچ التیام پذیر نباشد مرگ عزیز ، سخت ترین ودرد ناکترین ضربه رابه روح خانواده ما وارد ساخت ، اما باید پذیرفت که‌شرایط شرایط انقلابیست‌وجوانان‌ماهمه‌فرزند ونگهدار انقلاب اند • این همه کشته و زخمی به‌خاطر چی ؟ مسلما به‌خاطر حفظ انقلاب‌ودست آورد های آن وازاین ثمره باید خوب نگهداری کرد. پسر دوم ، دوروز بعد انشاء الله به عسکری میرود • اورا به خدا می‌سپارم ، هرچه که نصیب بودو هر چه که پیش آمدوبه چیزیکه تقدیر رفته بود ، همان کارشد نیست ومن نمیتوانم ازآن جلوگیری کنم گپ‌هایش تمام شده ، دیگر اصرار نمی‌کنم که حرف بزند،خدا حافظی نموده از منزل شان بیرون میشوم •

بامادر دیگری مواجه میشوم که‌تنها پسرش برای گذراند ن‌عسکری‌رفته است•این مادر زیاد جوان نیست ، زیاد هم پیرنیست • هفت دختر داردو یك پسر ، که پسرش سومین فرزند خانواده و یکی یکدانه وناز پروده پدرو مادرو خواهران است • عکس پسر شانرا در قاب گرفته اند وآنرا دریکی از اتاق های که گذر مادر هر روز به آن اتاق می‌افتد ، نصب کرده‌اند •این مادر خودش مرا مقابل این عکس می‌برد و می‌گوید :

–شما پسرم را ببینید، زیبایی او وجوانی او ،دل شیر را کباب میکند ، این یگانه بچه ام است که اورا خودم به عسکری روان کرده‌ام ازاین زن ، خواهش میکنم که خودش را معرفی کند ، میگوید :

–اسم من علیمه است •پسرم حامد نام داشت • مامور یکی از وزارت خانه ها بود• وقتی جلب شد • خودش خواست که عسکری برود. ماهم اورا ماندیم که به میل خود عمل کند •

وبعد خندیده ومیگوید :

–خوب جوان بود • یکی از دختر های‌برادرم را دوست داشت • ما خواستیم که قبل از عسکری اورا نامزد کنیم ولی خودش اجازه نداد • خوب پناهش به خدا • هر چه قسمت باشد •

از اومی‌پرسم :

–نظر شمادر مورد جوانانیکه باید عسکری بروند چه است ؟

او میگوید :

«عسکری وظیفه هر جوان است • مخصوصا در شرایطی که‌به مملکت ماانقلاب آمده ولازم به‌این است که از انقلاب باید نگهداری شود• برای پدر ها و مادر هاست که‌باید اولاد های شانرا به رفتن عسکری تشویق کنند • هرکس که‌به سن معین رسید • باید عسکری را تیر کند •»

گپ های این مادر خیلی ساده ودرست مثل گفتار هرمادر دیگر صمیمی وساده وروان است • سولات دیگری بذهنم پیدا شده که لازم می بینم از اواین سوالات رابکنم، میدانم اودر همان حدیکه می‌داند ، چیزی به جواب خواهد گفت ، از او می‌پرسم :

–پسر تان چندساله بود ؟

–نام خدا بیست ویك ساله •

–مکتب خوانده ؟

مادر می‌خند دومی گوید :

–بلی ،یك مدت هم خارجه رفته بود • میخواست فاکولته رابه خارج بخواند • ولی نمیدانم چرا دلش نشد که در سش راآن جاشروع کند ، ماهم چیزی برایش نگفتیم، چون نازدانه است • طبع اوراخیلی میخواهیم•

این مادر ، زن شادوسر حال است • دهنش پرخنده ونگاهش پراز شادی وسرور است• وقتی گپ میزند ، بی تامل میگوید و تندو صریح جواب میدهد • از او می‌پرسم :

–پسر تان به کجا عسکری را سپری میکند،

او باهمان لهجهٔ مادرانه اش میگوید :

–بچم ، در کابل است •به بالاحصار ،کار میکند •

–شما خوشحال هستید که پسر تان عسکری میکند ؟

–ها، چطورنی ، یك دین بگردن همه است• این دین باید ادا شود • چه امروز وچه فردا اورا به عسکری می‌بردند ، چه بهتر که زود تر رفت وزود تر تیر میکند •

بقیه درصفحه ۵۲

وطن

وطن قربان نام باوقارت

فدای دشت وکوه وسبزه زارت

الهی خرم وشاداب باشی

که آزادیست دایم پاسدارت

(زړه سواند)

گرانه وطنه

گرانه وطنه تل زما به یی ته
زما دیلار او دبابا به‌یی ته
داستا په غیږ کی زه لوی شوی یمه
زما بدن او زما ساه به یی‌ته
«تر خو جهان کی یو افغان پاتی‌وی»
دنیاکی زړه دآسیا به یی ته
لکه پتنگ درنه جار یږومد ام
زموږ ژوندون زموږ رڼا به یی‌ته
هر یو غلیم ماتی خوړلی تاکی
همیش اتل ددی دنیا به یی تـه
جهان حیران ستا غیر تونو ته دی
دننگ دتورو تل بریښنا به یی ته
لکه بورا به ښکلوو ستادغیرت گلو نه
زموږ ښایست زموږ ښکله‌به‌یی ته
(زړه سواند) دی خوری په پاکه مینه قسم
تل دافغان ښکلی لیلا به یی تـه

ژاله

برخیز

برخیز که مرغ سحر آواز بـرآورد
شهباز طلایی‌فلك باز زمین را
در زیر پر آورد .
برخیز که هر ذره سیا هی .
شب شب پرهٔ کوچك و ازروزنه‌بگریخت
بر چر خ روان شد .
با اختر شبگرد به رقص آمد وآنگاه ،
از دیده نهان شد
با خاطره ای و حز ین خفتی اگردوش ،
بر خیز و کن آن خا طرهٔ تلـخ‌فراموش .
کا مروز به کام تو بود چشمـهٔ‌خورشید ،
جوشیده ولبریز
از شادی وامید
گر موی تو از گردش ایام سپیداست،
برخیز
حیف است که این سا ل و مه‌باز پسین را
غافل دهی از دست
برخیز تو هم ای که جوا نی و**پر امید** .
بشکفته بهاران
بر خیز که آینده تو منتظر توست
پرشور وشتابان
ای خفته شب های سیه صبح برآمد
بیدار شو ، بیدار
بسیاربگوش من وتو،شعبده‌بازان
خواندند لالائی ،
دادند بما وعدهٔ یك‌خواب‌طلایی.
گفتند بسی قصهٔ شرین،
تاآنکه بخوابیم،
خوابی، مرگ آور وسنگین
خورشید ولی سرزد وروز دیگرآمد.
آن خواب پرید ازسرو آن قـصه‌سرآمد.
برخیز که‌امروز جهانی شده‌بیدار
برخیز

دهیواد مینه

دهیواد په مینه مست یم
په دی پایم پدی هست یم
کله دی پیمانه ووزم
بی وجدانه یمه پست یم

شکست ظلمت

بنگر چگونه غر ش این ناو گان‌خشم
تا بوت نا امید ی دوران راشکست
تابوت های خشم که صد هاسال‌پیش
بادست های خستهٔ مردان‌پیشه‌ور
بنگر چگونه بهر اسار ت ساخته‌اند
لیکن در میانه که صد سا ل می‌گذشت
صدسال باگذشت سیا هـــی وهمهی
صد سال باگذشت نوای‌زدردوغم
یکبار در سپیده دمی نا امید ی‌هـــا
شیرازه های ظلمت دورا نز هم‌گسیخت
شیرازه که ریختنش آرزوی بود میرگن

قهرمان سرباز

زه د و خت او زمانی آوازیم
دافغان با تور ز لمی بچی دبازیم
ما هیڅکله بی ننگی نده منلی
د غیرت په ا با سیند کی موجی‌سازیم
کار نا می ز ما معلو می دی جهان ته
هسکو سیمو کی هر کله په پروازیم
مارودلی د غیرت شیدی نه مو ره
آزمو ینی د همت کی یکه تاز یم
زما منگولو ته دښمن ټینگیدای نشی
زه دی وطن باتور خلقی سر باز یم
دستم ماڼی می وسوله په سره اور
جوړونکی دتاریخ یم ، دوران سازیم
خم هیواده چه یی ورك کړمه له تاته
دابی ننگه زبیښاك گولدی فضانه
اسلم غنی

دل بی شور

دلی کزسوز ودردی داغدار است
پی بنیاد هستی رهسپار است
دل‌بی سوز وبی درد و تپش
علیل وخوار وزار وبی وقاراست

غبار خاطر

غبار خا طر م گرد ره کیست ؟ بسا ط کو ی دل منز لگه کیست؟
بـه امید تمنا ی کـه استـم ؟ طر بگاه خیا لـم قبله کیست ؟
اسیر حلقه یـك تـار مو یـم کجا دا نم به قیـد طره کیست؟
تپشها در و جـو دم زنده گردد نمیدا نـم شرار فتنه کیسـت ؟
شبستا ن حیا تـم پر تو افشـان زبر ق چهره همچون مه کیست؟
بصحرای جـنون در جستـجو ئـی
چه میدانی که « فیضی»همره کیست؟

شرار عشق

شرار عشق مردم در دل ماست
پیام درد مرد م حاصل ماست
شعار ما تلاش زند گی ساز
که سوز مرد می آب وگل ماست

هنگامه مشرق

شادزی ای مرز آزادگزین
شادزی ای کشور مرد آفرین
جان ببخش ای رنگ وبوی آسیا
تازه باش ای گلشن خاور زمین

ای می آزادگی را ستانگین
ای که از دور (یما آزاده ای)
درس آزادی به خاور داده ای
نقد مردی ارمغان آورده ای
خیز مستی کن چرا استاده ای
ای ترا هنگامه مشرق زمین
ای دل پر آرزو ی آسیا
خانه قوم نجیب آریا

ای بهار عشق بستان امید
سخت می بالم که می بینم ترا
گشته‌ای با آرزوی دل قرین
ای فروغ دیده افغانیا ن
پیشتر روبا قدم های زمان
سربکش ای آفتاب خاوری
مرد خیز افتاده دامانت چنان
کاسمان میترسد اینجا اززمین
اینکه شادی شایقش آزادگیست
انکشاف تازه را آماده گی است
بیرق رنگین بقلب کوهسار
در حوادث شاهد استاده گیست
جلوه کن دربزم هستی بیش ازین

بقیه صفحه ۲۵

خان صاحب

که میخواست افتخار نوکری خان را کمایی کند باید واجد این شرایط میبود که اولا بداند که هیچ گونه جیره ومواجب و معاشی ندارد - دوما استعداد دشنام شنیدن را داشته باشد وسوما نیز لباس آدمیت را ازتن کنده بره خانه وگرگ بیرون باشد واطاعت محض از خان صاحب را جزء وظایف مقدسه خود بشمارد و به‌برکت آنچه از ولینعمت خود میا موزد معاش خودرا به قدرو فرا خور استعدادی که دارد از حـــق مردم خوری وغریب آزاری وکلاه برداری بدست آورد •

هیچ فراموش نمیکنم روزی راکه در بالای بام پنهانی از پدرو مادر به هوا کردن گودی پران مشغول بودم ،یادم است که ناگهان از حویلی بیرونی خان صاحب که‌به حویلی ما چسپیده بود صدای داد و بیداد بلند شد، تار گودی پران را به سنگی بستم وخودم سینه کشان به لبه بام نزدیك شدم که ببینم چه خبر است ؟

خان صاحب با چهره خشمناك و حالتی قهر آمیز در میان حویلی نزدیك حوض آب‌ایستاده ونو کر هایش همه بیصدا وبیندا مانند موکلین عذاب پشت سر اوقرار گرفته بودند جوانکی بنام میرزا عنایت الله کـــه چند ماهی میشد بـــه سمـــت منشی گـــری بـــه خدمت او استخدام شده بود بارنگ پریده در مقابلش قرار داشت و خان صاحب باشدت وحدت هرچه تمام تر مشغول عتاب و خطاب بااو بود •

درمیان اهل کوچه شهرت پیدا کرده بودکه میرزا عنایت الله از قریه سبز وار است وچون پدرش که طبیب آزاد یخواهی بوده به وسیله مستبدین کشته شده ودارایی اش نیز ضبط شده است وی به شهر آمده تاشاید به کمك اندك سوادی که دارد کاری برای خودتهیه‌دیده ومادر و خواهر بی سر پرست خود را هـــم بخواهد که از بخت بد سره کارش باخانـــه خان صاحب افتیده‌است جوان‌بدبخت با صدایی لرزان میگفت :

ـجناب خان صاحب ،منکه جسارتی نکردم ،خود تان همان روزاولی که وارد خدمتتان‌شدم ماهی پانزده تومان «هر تومان به ارزش فعلی تقریبا معادل چهار افغانی »معاش برایم مقرر فرمودید وحتی وعده دادید که اگر حسن‌خدمت نشان دادم اضافه معاش نیز مرحمت خواید کردوامروز پوره سه ماه ونه روز است که با صداقت وظایفم را انجام داده‌ام خود تان نیز مکرر از جدیت وپشتکارمن تمجید کرده‌اید وچون در این مدت به هیچ وجه من الوجوه معاش نگرفته ام ، پول کمی هم که باخود داشتم خرج شده وحتی ساعتم را نیزفروخته‌ام و خانواده ام نیز چشم امید شان بمن است آمدم استدعا کنم که سه ماه معاش‌جان‌نثار را بپردازند •

خان صاحب باشنیدن‌این‌سخنان مانند آدمیکه پایش را عقرب گزیده باشد از جاجست وبعداز مقداری فحش ونا سزا گفت :

ـمرد که مگر کری ، مگر خری ، هر چه میگویم نر است میگویی بدوش ! اینجا جای این فضولیهانیست ، این زبان درازی هاراروی شانه ات بگذار وببر به‌ده خودت که اینجا خریدار ندارد •

اینجا دارالاخلافه وپایتخت ایران است ، اینجا شاه هست ، وزیرهست دارالحکومه و دیوانخانه هست ، اینجا زبان آدم زباندارا میبرند وبه خوردش میدهند وروی رابه نوکر های خود کرده ، پرسید :

ـاینطور نیست ؟

همه یکصد جواب دادند :

ـبلی خان صاحب ، همین طور است •

میرزا عنایت الله باحال بس پریشان‌نفس زنان گفت :

ـمن که جسارتی نکردم ، مطالبه کردن حق مسلم چه ربطی دارد به زبان درازی ؟شما خودتان میدانید که من دراین شهر غریبم‌و تمام امیدواریم به همین چند پول معاش است وبه جز جناب خان پشت وپناهی هم ندارم اگر معاشم داده نشود ، من چه بخورم ، به خانواده ام چه بدهم ؟ آخر من که دزد نیستم•

خان صاحب باجوش و خروش بیش از پیش مانند خرس زخم دیده صدا بلند کرد ، که :

ـرذیل الدنگ، هیچ میدانی چه میگویی،چه غلطی میکنی ،ملتفت هستی که باچه‌کسی طرفی وصحبت میکنی ؟همانقدر بتو بگویم که اگردر آن ده خراب شده خودت آنقدر شرارت کردی که بیرو نت انداختند ، بدان اینجا سبزوار نیست که جای هرزه گیها باشد اینجا مـــا صدایمان بلند بشود بگوش پادشاه محبوب‌و پدر تاجدارمان ارواحناوارواح العالمین لی‌الفرا میرسد وبه یك اشاره ریشه هزار چـــون توهرزه را بباد فنامیدهد ، ودر حالیکه رنگش از شدت خشم‌وغضب به کبودی گرائیده بود روبه یکی از نوکران کرده گفت :

ـزود برو چلم را آماده کن که از بس امروز مز خرف شنیدم کم مانده‌که کله ام بتر کد•

نوکر چشم چشم گویان رفت که چلم را بیاورد وخان صاحب برای‌اینکه‌آسیاب دهاش بیکار نمانده باشد باز دنباله سخنانش را گرفت ، میگفت :

ـآخرجوان تو چقدر بی تجربه ای، چرا از این هم قطار هایت راه ورسم نوکری رایاد نمیگیری ، خدا شاهد است من شمارا مثل‌اولاد خودم میدانم وراضی نیستم سرتان بدرد آید، ولی آخر شما هم باید نمك شناس باشید،در این شهر هزارهاآدمهای‌ازتو لایق ترو با فضل تر حاضرند هر ماه پولی هم از خود بدهندکه بجای‌تو مقرر شوند وبتوانند بگویند که مادر خدمت فلانی‌هستیم‌وتوبجای‌آنکه شکر پروردگار رابجای آوری که مفت به چنین موقعیت بزرگی دست یافته ای •هنوز دو روز نمیشود کـــه در خدمت من استی راست راست آمده ای که سه ماه معاش عقب مانده مرا یکجابدهید، واقعا دلم بحالت میسوزد ، مگر خدا ترا زده که قدر این نعمت را نمیدانی ، من ترا جوان فهمیده ای فرض کرده بودم ، معلوم شد خود غلط بود آنچه ما پنداشتیم •

خان صاحب بدین‌منوال‌مشغول‌وعظ وموعظه ووعدووعید بود وتف‌دردهان من کودك خردسال ازشنیدن این افسونهادر آن گوشه بام‌خشکیده بودکه ناگهان نوکری که برای آماده ساختن چلم خان صاحب رفته بود باحال پریشان، سراسیمه ودوان دوان فرارسید که حضرت خان سر پوش های طلای چلم را دزد برده‌و یکساعت میشود که‌هرچه میگردم یافت‌نمیشود•

غلغله بر خواست وخان صاحب به‌نوکر های خود امرداد که بروید، بگردید ببینیدسرپوش های طلائی چلم کجاست ، می‌غریدومی خروشید ومیگفت :

ـدنیارا بهم خواهم زد ، سر پوشهای طلای مرا ببرند و آنهم از خانه خودم • وزیر چشم خودم ، خیر محال است ، ممکن نیست ،بروید ببیند سر پوش های طلا کجاست،من سر میبرم من شقه میکنم ، من چشم از چشمدان میکشم، سر پوش های طلا راپیابید • سر پوشهای فیروز ه نشان را •

هر کس به طرفی رفت وسرو صدا بلند شد که در هارا ببندید ، نگذارید احدی‌بیرون برود ، باید جیب هارا گشت ، باید فالگیر آورد •

طولی نکشید که صدای پیدا کردم، پیدا کردم ازانبار هیزم شنیده شد ویوسف خان که در ظاهر عنوان پیشخدمت مخصوص را داشت ولی بر احدی پوشیده نبود که‌بی ادبی میشود زن سفری جناب خان است بایکدنیا اطوار و حرکات زنانه فرا رسید وکاغذی راکه باتار محکم بهم بسته بودند باز کرد وتعدادی سر چلم شکسته از میان آن بیرون آورده گفت :

ـسر چلم هایش را شکسته ودرین کاغذ بسته وزیر هیزم هاپنهان کرده بودند.

خان گفت : این کاغذ رابده ببینم وتعجب کنان افزود :

ـکاغذ روزنامه است وتاریخش هم از امروز است ، ماکه اینجا روز نامه خوان نداریم ، شماهم که سواد خواندن ندارید ، پس این روز نامه از کجا شده است ؟

یوسف خان باهمان حرکات دلفریب زنانه بادست اشاره به میرزا عنایت الله کرده گفت:

ـدرست میفرمائیدجناب‌خان بزرگ، ازماهیچ کس‌بجز میرزا روزنامه خوان نیست وگمان میکنم این کاغذ هم همان‌اخباری باشدکه‌ایشان هرروز مطالعه میکنند .

پیش از اینکه به شرح مابقی ماجرا بپردازم اجازه دهید نکته ای را درباره این سر پوش های طلای چلم خان صاحب روشن سازم :

هر وقت کار خان بایکی از نوکر هایش به خرابی میکشید،چنانکه حالا بامیرزاعنایت‌الله کشیده بود ، یعنی جناب خان اتفاقا بانو کری سرو کار پیدا میکرد که آن قرار داد ضمنی معهود را نادیده میگرفت و صحبت معاش را بمیان میاورد همین یك جوره سر پوش طلا کلید حل مشکل میگردید و مساله رابه زودی خاتمه میداد ، یعنی چنانکه مکرر پیش آمده بودو اهل کوچه از خرد وبزرگ آگاه بودند سر پوشها درست در لحظه مخاطره گم‌میشد وبرگه دزدی نیزاز نزد نو کری که علم طغیان را برافراشته بود پیدا میگردید وبیچاره را یکراست بار سوایی به نظمیه «دستگاه پولیس سابق» میکشیدند وتابه تقصیر خود اعتراف نمیکرد واز حق وطلب خود منصرف نمیشدو سند تحریری نمی سپرد روی خلاصی را نمیدید معلوم است که دراین گونه موارد نوکر های دیگر حاضر بودند که سو گند دروغ یادکنند وشهادت ناروا بدهند .

اکنون نیز ارباب ونوکر مشغول فراهم آوری زمینه های همین بازی بودند .

خان صاحب مانند کسیکه ناگهان از خواب‌بیدار شده باشد چشم هایش راباز کرد ، دهانش‌را گشود وگفت :

ـحالا موضوع رامی‌فهم پس میخواهی بگویی که سر پوشها را جناب میرزا زده اند؟

یوسف خان گردن وابرو هارا به غمزه آورده گفت :

ـوالله چه عرض کنم .

خان نگاه تند وتیز خودرا به چشمان جوان بینوا دوخته اول مدتی قاه‌قاه‌خندید وبعدبالحنی طعنه آمیز بنای مسخرگی را گذاشت ، میگفت:

ـبه‌به چشم روشن ، جناب میرزا با آن همه فضل ودانش‌دستشان هم کج است، گل بود، به سبزه نیز آراسته شد. ماشاء الله بدسلیقه هم نیستند ، میل داشتند بعداز این باسرپوش های طلایی چلم بکشند ... ۱

خان صاحب که میدان رابرده بود بر همین منوال سخن میگفت‌که میرزاعنایت الله درنهایت بر آشفتگی وبرافروختگی به سرعت برق قدمی چند بسوی ارباب بی مروت خود نزدیك‌شده‌از جیبش تفنکچه کوچکی در آورد ، پیشانی خان را نشان گرفت وگفت :

ـآخر بس‌است ، از بنده شرم نداری از خدا شرم کن، تاکی ، تاچند ، مگر این وجود نجس ترا فقط از شقاوت وقساوت ساخته اند، مگر رحم دردل تو نیست ، مگر بوی آدمیت بمشام تونر سیده ؟ دوساعت تمام‌است هر چه ازدهانت بر آمد ، گفتی ، خرم گفتی ،پدرو مادرم را دشنام دادی ، همه را شنیدم وتحمل کردم ،ولی دیگر نسبت‌دزدی را نمیگذارم بمن بدهی ، به پرور گار قسم اگر یك کلمه دیگر ازاین تهمت ها بگویی مغزت‌راپاشان میکنم.

خان صاحب سیاه بود وحالا از قیر هم سیاه تر شده بود این آدمیکه تا چند لحظه پیش مثل شیر میغرید ـحالا از ترس‌به موشی میمانست که پشکی اورابه بازی‌گرفته باشد دندانهایش بهم میخورد وزانوانش میلرزید وچشمانش را به لوله تفنگچه‌دوخته‌حیات ومماتش رابه‌کمترین فشار انگشت میرزا عنایت الله بسته میدید حال واحوال اطرافیانش هم بهتر از خودش نبود ، خان خیلی بخود فشار آورد تابتواند باز بنای زبان بازی را گذاشته وشاید به این وسیله خودرا از دست‌این جوان دیوانه وارهاند لهذا مانند آدم محکوم به قتلی که در پای‌چوبه دار با میر غضب مکالمه نماید با صدای نرمتر از فرشتگان بنای عجزولایه را گذاشته میگفت:

ـچرا بیهوده اوقات شریف خودتان راتلخ میکنید ، شوخی میکردم خدا گواه است که ترا از فرزند خود بیشتردوست دارم واطمینانی که‌بتودارم به پدر خود ندارم ، من هر چه دارم وندارم تعلق بتو دارد میرزا عنایت الله صدارا بلند تر ساخته گفت :

ـ این حقه بازی هاو شغال بازیها بدردمن نمی‌خورد یا فورا چهل ونو تومان وپنج قران از بابت معاش‌سه ماه‌ونه‌روزه من نقدا میپردازی ویابه همان خدای قهاری که مدام اسمش‌بدروغ دردهان کثیف شما ست همین حالا خونت را مثل خون سگ دیوانه بزمین میریزم .

خان صاحب گفت .

ـ البته . البته‌که میپردازم ، اطاعت میکنم، حقت را چرا نباید بپردازم وبکس چرمی خودرا از جیب بغل در آورده بادستهای لرزان ده عدد نوت پنج تومانی دست نخورده رادو دستی تعارف کرد .

میرزا عنایت الله گفت :

ـمن پول ندارم ک پنج قران باقی این مبلغ راپس بدهم . یکنفر رابفر ستید تادر بازار خرد کرده پس بدهم .

خان صاحب با صدای تملق آمیز گفت:

ـقابل این حرفهانیست ، صحبتش راهم نکنید !

میرزا عنایت الله اعتنایی به این اظهارات نکرد وبدون آنکه تفنکچه را در جیب بگذارد به‌یکی از نوکران گفت :

ـبیابامن تادر بازار این پول را خرد کرده باقیش رابدهم بیاوری . نوکر بنای ریش جنباندن را گذاشته گفت :

ـحضرت خان میخواهند این پنج قران رابه شما انعام بدهند ، دیگر این همه اصرار برای چیست ؟

میرزا عنایت الله جواب داد :

ـاین انعامها سزاوار شماست که ننگ بشر میباشید وبرای این زندگی میکنید که بادنجان بدور قاب بچینید،من نه انعام میخواهم ونه هم آرزوی دیدار شمارا دارم ، این پنج تومان راهم نذر شمالاشه خوار ها میکنم تامیان خود تقسیم کنید بشرط اینکه لااقل باخود راستکار بوده یکدیگر را فریب ندهید .

این را گفته نوت پنج تومانی را مچاله‌نموده به‌سوی آنان پرتاب کردوخود همانطورتفنگچه بدست از درب خانه بیرون جست .

به مجرداینکه خان صاحب خودرا از خطر مرگ در امان دید الحمدالله بلند از ته‌دل گفته ومانند آدمی که گرز هفتاد منی به مغزش فرود آمده باشد هن‌هن کنان خودرا به پله‌های عمارت رسانیده وروی پله اول افتیده از حال رفت .

نوکر ها بدون آنکه کمترین اعتنایی باو داشته باشند مشغول تقسیم پول بودند وفقط وقتی بفکر ارباب افتادند که هر یك سهم خودرا به جیب زده وازین حیث خاطر شان‌جمع گردید .

چقدر تفریح کردم وقتی یوسف خان رادیدم سر ارباب خودرا دربغل گرفته تملق میگوید وچپ وراست کاه گل زیربینی او میگیرد.

نایب اسد الله ناظر دیگر ارباب شانه های اورامشت ومال میداد وکرمعلی آشپز بادامن خود خان راباد میزد ، ولی همین که نوکر دیگر رادیدم که باچلم سر طلای فیروزه نشان در کمال آرامی ووقار از آبدار خانه بیرون آمد دیگر نتوانستم جلو خنده خودرا بگیرم واز گوشه بام صدای قاه قاه خنده طفلانه من بلند شد وتاخواستند بفهمند صدای خنده از کجا میاید به چالاکی خودم رابه آن گوشه دیگر بام رسانیده تار گودی پرانم ـرااز زیر سگ بیرون کشیدم وبه جولان در فضای آبی نگریستن گرفتم.

مدیر مسوول: راحله راسخ خرمی
معاون : محمد ز مان نیکرای
آمر چاپ : علی محمد عثمانزاده
آدرس : انصاری وات‌ـجوارریاست
مطابع‌دولتی‌ـ کابل
تیلفون مدیرمسوول: ۲۶۸۴۹

مطبعه‌دولتی

تصحیح ضروری :

درستون دوم صفحه (۴۵) ، سطر نهم‌قبل از سطر اول خوانده شود .

ـ روشنفکران آگاه و وطنپرست! دانش و ابتکار خو یش را در جهت اعمار افغا نستان نو یـــن‌شگوفان و آزاد بکار بر یـد نقش اتحاد یه های روشنفکران را در زندگی معنوی جا معه ارتقا بخشید.

سالگرد انقلاب شکو
خاطره‌ها را جان

جشن شکو همند انقلاب ثور ، بار دیگر خاطره ها را جان می بخشد و بار دیگر ذهن ها انباشته از یاد ها میگردد . د رست آنروز را بخاطر بیاورید که یکعدهٔ قلیل بی فرهنگ و دانش بر توده های ملیو نی‌کشور ما لجام گسیخته حکو مت می راندند وظالمانه باسر نوشت و زندگی مردم شریف ما بازی می‌کردند .

درست آنروز را بخاطر بیاورید که خلق وخلایق به گرسنگی مستمری د ست و پـا می زدند و بی فرهنگیان آل یحیی به باده ـ گساری می پرداختند ... درست‌آنروزرابخاطر بیاورید که آفتاب بی ر مق ز ندگی خـــود کا مگان به افول می رود و خور شیدانقلاب همه جارا درمی نوردد و صفحهٔ نوی بر کتاب زندگی مردم ماگشوده میشود ... انقـلا ب ظلمت شکن هفت ثور را میگویم که همـــه سیاهی ها را بلعید و خود کا مه وخودکامگی را یکسر به نیستی کشاند .

گفتار بالا را نظیفه محصل صنف د و م پوهنځی طب د رگفت و شنودی که باخبرنگار مجله داشت ارایه داد و افزود : ا نقـلاب پیش می رود و روشنایـی می بخشـد وچشم دشمنان کور که رو شنایی نمـــی بینند و بایستی هم نبینند زیرا خفاشـان تنهـا در شب تار می توانند بزیند و زنده بما نند . اینجا دیگر کسی ازشب و شب پـرستان باقی‌نیست‌که مدافع خواست های کثیف شان گردد . ما جشن پر شکوه سو مین بهـــار انقلاب ثور را فر خنده و گرا می می داریم و بر ماست که از انقلاب و دست‌آورد های انقلاب شجا عانه د فاع نماییم و با جان ودل خدمتگزار مردم باشیم . در میـــان مـــردم برویم واز ایشان بیا مو زیم ، حقایق را با ایشان بگوییم و بی پرده فعالیت هـــا ی کثیف دشمنان را برای شان بر ملا سازیم.

توطئه ها را بدریم و حق وپاکی را بجای نادرستی و زشتی بر نشانیم .

جوانان ، ما باییست مردانه وار با مو ج توفندهٔ انقلاب در آمیزند و افتخار انـــه از دست آورد های انقلاب تاپای جان د فـــاع نمایند . زندگی مابسته با انقلاب ما ست. اگر بخواهیم ز نده بمانیم و شرا فتمندانه بزییم باید صفوف دشمن را از هم بدریم ومجال و فر صت تفرقه ا فگنی را از ایشان بگیریم . دیگر نگذاریم که هموطنان مـان را بفریبند و نیات پست خو یش را بر آ نها تحمیل نمایند .

در گذشته زنان ما که زیر بار تفـو ق مرد سالاری خرد و خمیر می شدند وحیثیت انسانی‌اش به هیچ و پوچ گرفته میشد ، حال چنین نیست . حال همراه با مر دان از حقوق مساوی بر خور دارند و دوشادوش مردان به کار و پیکار ا نقلابی مصروف‌اند. دیگر ز نان ما سیاه سر و عاجزه نیستند ، وسیعا در فعالیت های عمرانی جا معه سهم

نظیفه محصل پوهنځی طب : درست آنروز را بخاطر بیاورید که خلق وخلایق به‌گرسنگی مستمری دست وپا می زدند ...

دارند و نقش ار زنده یی را در باز سازی فرهنگی به نفع ز حمتکشان ما نمونهٔ د یگری جامعه بدوش می کشند .

بعد از پیروزی ا نقلاب شکو همند ثور ، در بر نامه های آ مو زشی پو هنتون هـــا تغییرات شگر فی رو نما شد . طرح‌برنامه‌های جدید آ مو زشی بصورت کل خوا ست و آرمانهای ا نسان‌زحمتکش را تحقق می‌بخشد. در ساحهٔ کار ما که طبابت ا ست، محصلین را با آر مانهای انسانی بیش از پیش‌درگیر می سازد تا طبیب به خدمت مـردم گماشته شود و فکری جز کمك و معاونت به خلق‌چیز دیگری در خاطر نگذرانند ، زیرا در گذشته ورفته داکتر شدن به منظور پول ا ندو ختن ومو تر خریدن بود . .

سهیلا محصل صنف چارم پوهنځی اقتصاد بادید کا وشگرانه به ارزیابی د ست آ ورد های انقلاب شکو همند ثور مـی نشیند و صادقانه و صمیمانه می گوید : ا مسال در شرایطی سالگرد انقلاب شکو همند ثور را جشن می گیریم که بیش از هر سال دیگر به ا رمانها و هدف های انقلاب نز د یکتر می شویم . تغییرا ت بنیا دی ا قتصا د ی و

سهیلا محصل پوهنځی اقتصاد : مردم ما برای عمران جامعه کارهای داوطلبانه رابه‌راه انداختند . اما اینجا سوالی پیدا میشود که چراکارهای داوطلبانه رابه راه انداختند ؟

از هدفهای به تحقق یافتهٔ ا نقلاب پیروز مند ثوراست که شا هدبر حق آن خودمان‌هستیم. وسایل و ابـزار تـولید از دسـت اقلیـت مفتخور بر گرفته شد و به صاحبان ا صلی آن یعنی مردم ز حمتکش تعلق‌گرفت. زحمتکشان ما از استثمار بی د ریغ نجات یا فتند وخود باعلاقمندی به کار سازنده همت‌گماشتند و برای عمران جا معه کار های داو طلبانه را براه انداختند . ا ما اینجا سوا لی پیدا می‌ـ شود که چرا کار های داوطلبانه را به راه انداختند ؟

پاسخ روشن است . زیرا مردم‌مادانستند که دو لت و ساز مانهای دو لتی از خودشان هست و از این‌رو خود شان با یستی کار کنند ، سطح تو لید را بلند ببرند وکیفیت امتعه و شی را بهبود بخشند . ا مـر و ز اقتصاد کشور ما را ر قابت های بی جهت تجارتی نمی سازد بلکه ا قتصاد از نـظـر گاه انسانی به کـاوش گـرفته می شود و ضرورت ونیاز جا معه بد قت سنجیده می ـ شود که چه باید برای جا معه تولید شود وچه باید برای جا معه تو لید نگر د د ؟

امروز در عر صه های مختلف ز ند گی اجتماعی، تغییرات بنیادیی بـه نفع مـــردم صورت گرفته است . مردم آ گا هانه‌سر ـ نوشت خویش را تعیین می کنند و به نفع خویش بی صبرانه کار می نمایند .

سهیلا، وظیفه ورسالت جوانان رادر رابطه باانقلاب شکو همند ثور چنین ار زیـــا بی کرد : آینده از آن جوانان ما ست‌وجوانان ما و ظایف خطیری را در قبال دا رند . جوانان باید بر ضد تـــا ریکی و ظلمت بستیزند و به سوی افق های نا شنا خته گام بگذارند و خودرا باسلاح دا نش تجهیز نمایند و بر آگا هی و دانش خود بیفزا یند. جوانان با یستی شجا عانه از دست آ ورد

ژوندون

همند ثور بار دیگر می بخشد

های انقلاب دفاع نمایند و برای پاک سا زی جامعه از و جود کثیف وطفیلی‌مفتخو ران تفرقه انداز لحظه‌یی‌هم آرام نگیرند و رویا روی به سرکوبی این عناصر بی وجـــدان همت گمارند .

بیایید دریك جبهه واحـد برضد ایـــن عناصر فرو خته شده و اجیر مبا رزه نماییم، نگذاریم از این بیش در خاك مقدس ما وجود ناپاك خویش را جا دهند و تو طئه چینندو زحمات مردم شریف ما را به هدر بد هند. نگذاریم که خر من هارا آ تش ز نـــند ، نگذاریم که مکتب هارا به آ تش کشند . نگذاریم که اطفال بی گناه را به اتهام‌درس خواندن بکشند .

این عناصر کثیف دم از اسلام می زنند. آیا چنین کاری با آر مانهای اسلام موا فـق است ... آ یا دین اسلام نگفته ا ست که آمو ختن علم بر هر مرد وزن مسلمان فرض است ، اگر چنین ا ست پس اینها چـــرا مکاتب را می سو زانند ؟ چگونه بخود حق می دهند که مال مردم را بی د ریغانه‌نیست ونابود کنند ؟ چگونه وجدان شان آرام می‌گیرد کـــه دست به جنایات غیر انسانی و حیوانی میزنند ...

ما بار دیگر با سر افرازی جشن سومین سالگرد انقلاب شکوهمند ثـور را گـــرامی می‌داریم و به امید پیروزی های بیشترمردم شادمانه خر سندیم . هر بار که سا لـگرد انقلاب ظفر آ فرین ثور فرا می رسد ، بار دیگر د شمنان سو گند خورده مردم به‌مرگ خود بایستی ایمان بیاورند که با طل برحق پیروز ناشدنیست و تنها حق است که می‌ماند ، تاریخ را ورق گردانی کنید ببینید تنها حق و درستی ، حق پا بر جا ماندن را دارد و بس .

• • •

راغبه محصل صنف چهارم پوهنځی ادبیات باشناخت وسیعی که از اوضاع جامعهٔ دارد چنین از گذشته ها یاد میکند :

چرا انقلاب ثور بوجود آمد؟ چرامرحلهٔ نوین انقلاب تحقق یافت ؟

واضح وروشن است • فقر وگرسنگی مردم ستمدیده مارا بی حد رنجاند گرسنگی رابا گوشت و پوست لمس کردند • جگر گوشه های شان از فقر بی غذایی وبی دوایی جان سپردند • از برای سد جوع بهترین فرزندان خود را فروختند ... تا اینکه خورشید انقلاب حقی برایش نمی‌پذیرفت ونمی توانست زنان مادر جایی کار کنند ، همینگونه ارزش های دست وپاگیر فیودالی اورا در قید مرد نگه میداشتو حرف چون وچرا را نمی پذیرفت• زن بایستی اطاعت میکرد و مرد بایستی فرمان می‌راندواین بودقصهٔ زندگی زنان مادرگذشته . ولی انقلاب ثور همه چیزرا از ریشه تغییر داد جامعه به زنان به دیدهٔ قدرنگریست به کارو پیکار شان ارزش بی دریغ قایـــل شدو زنان را مساوی‌مردان‌دانستند مناسبات ظالمانه فیودالی ریشه کن شد و دهقان زحمتکش از ستم ارباب رهایی یافت وبرای خود کاشت وبرای خود دروکرد •

راغبه ، رسالت‌ونقش‌جوانان را چنین‌ارزیابی میکند:

مردان جوان بایدرسالت تاریخی‌راکه بدوش دارند به انجام‌رسانندباید بیشتر زحمت‌بکشند وبیشتر کار کنند وشجاعانه به خدمت زیر بیرق بشتابند ... و همینگونه دختران دوش بدوش پسران به کار های خلاقانه بپردازند داوطلبانه به خدمت دانش وفرهنگ بروند• گروه های بیسوادان راشادمانه درس بدهند وسواد حیاتی رابرای شان بیا موزانند •

بیش از پیش بایستی جوانان ما مطالعه بکنند وتوده ها را شعور سیاسی بدهند واز توده ها خود بیا موزند •

راغبه بابسیار صمیمیت گفتار خود را چنین دنبال میکند : انقلاب ثور نقطه عطفی در تاریخ کشور مان است وتغیرات شگرفی به نفع زحمتکشان پی افگند تشکیل اتحادیه های صنفی و گردهم آیی فشرده یی اصناف خود پیروزی دیگر یست که به نفع مردم ماست اتحادیه های نویسندگان و هنرمندان خط مشی هنرو هنرمند رادگر گونه کرد وهرمند راموظف ومسوول گردانید که تا آثاری به‌نفع انسان زحمتکش به تحریر کشد و سیمای راستین

بقیه در صفحه ۵۹

دمید وبر سلطهٔ حکمروایی اقلیت مفتخـــوار نقطهٔ پایان را گذاشت • وضع تغییر کـــرد، زندگی رنگ دیگری گرفت ، آنکه وحشیانه استثمارمیشد برصدر مجلس نشست، منظورم مردم شریف ماست •

وضع اجتماعی زنان کشور مان خیلی‌بدبود، وقیحانه مورد ستم قرار میگرفتند وظالمانه استثمار میشدند • تنها از یکسو نبود ، جامعه

سنگر

ای کار گر به پیش
باخلق قهر مان
مستانه کن تلاش
مردانه کن ستیز
بردشمنان غر یو
بردشمنان خلق
مادوستان تو
بهر بقای تو
سوگند میخوریم
سوگند میخوریم
امروز روز توست
فردا از آن توست
ای کار گر به پیش
در سنگر زمان
با عشق آتشین
پیکار کن چنان

پیکار بس عظیم
فرزند بی زمین
امروز زند گیست
مر دود بند گیست
ای کار گر به پیش
در دشت بی کران
در دشت سینه سوز
پیکار کن چنان
از شب تابه روز
ای مرد قهرمان
دهقان جاودان
باعشق آتشین
فرزند ی زمین
جاوید زندگی
مر دود بندگی

ترجمه‌ی : بهنام

با اتحادیه نویسندگان آسیا، افریقا آشنا شوید

نخستین کنگره جهانی ارو پا، نویسندگا ن وشعرا ی رنگین‌پوست درسال ۱۹۵۶ در ست بیست‌و پنج سال پیش در پاریس بر گزار شد. این نخستین کنگره جها نی ادبا ی قاره افریقا تلاش خو ب و پیروز- مندانهٔ در راه خفه کرد ن فر هنگ استعماری بشمار میرود .

تشکیل نخستین کنگره جها نی ادبای سیا هپوست برا ی خلـــق های افریقا دو مین حادثه مهم ایندو دهه اخیر بشمار می آید. در سال بعد نظیر این کنگره در شهرتاشکند برپاشد وباز تاب آن تا وسعت ها وکرانه ها پیچید . در ین کنگـره در باره مسا یل فر هنگی و یـــژه سیاهان و مسئلـه کلی ا ستعمـار مورد بررسی قرار گرفت .

پیرامون فر هنگ سیا هـــا ن، نخبگی ووسعت ادبیا ت‌سیا ها ن‌و نهایت هنر سیا هان چه میتوا ن گفت؟ مگر دست اندر کار شد ن وگفتگو درین مورد خود سیاه‌باز ی وزنگی گر ی نیست ؟چراازفرهنگ استعمار سخن نگفت تا فر هنگـ سیاهان ! پس بگذار این بار ازین ادبیات پربار ، متحر ك گفـــت ، ادبیاتی که بر ضد استعمـــار و استثمار قرار گرفته است .

جنبهٔ فر هنگی استعمار تاز گی دارد ، استعمار فر هنگها ی بومی را ازبین می‌برد وظاهـراً به‌آن سر پوش تمدن مید هد. در کشور های مستعمره با صدور فر هنگ تقلبی فرهنگ اصیل و سنتی آنها رازیر پا میکند ، مگر ادبیات سیا هـا ن دست باز کن مشت های گره‌خورده استعماریون است ، این استعمـار است که (نژاد سیاه) را تحقـیر مینمایند اما شخصیت ها ی اد بی چون الیون دیو پ ، فرانتس فانون ژاك را با ما مانژارد، امه سه‌زر، دنتو مبارزه ضد استعمار ی شانراشروع کردند واین مبارزه همچنا ن ادا مه دارد .

استعمار یون با آورد ن قا نو ن ننگین نژاد پرستی ، فر هنگـ تحمیلی وتقلید ی بر سیا هان با ر آوردند . سیاها ن این بار پا فراتر نهادند وبا نو یسند گان آسیا کـه آنها نیز در زیر بار استعمار دست وپامی زدند دست یکی کردند ایـــن اتحاد وهمبستگی منجر به تاسیس اتحادیهٔ انجمن نویسندگا ن آسیا - افریقا شد که‌باتا سیس این اتحادیه پایه های سست ساختما ن استعمار نو درهم ریخـــت هـدف از تاسیس این اتحادیه که در آن نویسندگا ن مترقی گرد هم آمده اند هما نا پس زدن تازه ترین نو ع استعمـــار (استعمار فرهنگی) است ، استعمار فرهنگی که خلق ها را از تقد یس کلاسیك های شان باز میدارد و بار آوردن به‌اصطلاح مدرنیزم، فرهنگ اصیل رامسخ شده قرار میدهـد . سنگر فرهنگی محکم ترین و پـــر مقاومت‌ترین‌سنگر استعماراست‌وچه بسی که استعمار برای فر هنگـ زدایی ملل در بند ازین رو ش کار بگیرد وچنانکه هم میکند.

امروز از تاسیس اتحاد یه نو - یسندگان آسیا ، افریقا سال هـای زیادی نمیگذرد . افکار متر قـــی جهان روز تاروز از فعا لیت هـا ی چشمگیر و ضد استعمار ی ایـن اتحادیه ، پشتیبا نی می نما یند .

نویسندگان آسیا ، افریقا امروز به خوبی میدانند چگو نه با کمـك و همکار ی میتوانند کا خ استعمار را بلرزه در آور ند . ششمین‌کنگره ادبای آسیا ، افریقا (۱۹۸۰)منعقده لواندا (انگولا) که در آن هـــمه نویسندگا ن متر قی ایندو قا ره گرد آمده بودند و نشان دادند که عقیده وایمان محکم دارند و بز و دی شاهد سقوط فر هنگ منجـمد و استعمار ی از آسیا ، افریـــقا و امریکا ی لاتین خوا هند بود .

آنان که...

اتحاد نامقدس ضد انقلا ب افغا - نستان بادر ك همه این مسا یـــل وباتو جه به پیو ند عمیـــق و روز افزون مردم با انقلاب ودگر گو نی های کیفی در نحوه عمل کرد وشناخت قبلی که از رهبران هیئـــات رهبری ومیزان عشق آنا ن به حزب انقلاب ومردم داشتند همانطور یکه شما گفتید در ماه های اول پیروزی مرحله نوین تکا ملی انقلا ب ازهمه امکانات خود برای حمایت باندهای آدمکشی وارسا ل‌آنان به کشور ما و پراگنده تبلیغات زهـــرا گـــین پر دا ختند ، بید ا ر ی ر هبـــر ی ـب ، **پیوند عمیق ونا گسستنی** مردم با انقلاب ، روحیه قو ی قوای مسلح و دیگر قوا ی امنیتی ،جبران اشتبا ها ت گذشته وجلو گیر ی‌از تکرار آن بهر شکـــل و عنـوان و اثبات این ادعا در عمل ونحوه کار کرد که مرحله نوین وتکا ملی‌انقلاب بالا ترین اهدا ف خود رادر آرا می رفاه وآسوده حالی همو طنا ن‌نجیب وحما یت ودفا ع قاطعانه ازفرهنگ وعقاید مقد س مذهبی و دفاع ازهر وجب این خا ك وآب وارزش ها ی انقلاب و شر ف ونا موس ملی‌قرار داد از عواملی بود که نه تنهادشمن نتوانست به اهدا ف شو م خـــود نایل گردد بلکه باند های بزرگ وتربیت یافته آنا ن در مد ت کم‌به گروه های کوچك ، ضعیف وناتوان بدل شد ، چنانکه امروزقوای‌امنیتی کشور در هر نقطه کشور باحمایت خود مردم‌کاملا بر او ضا ع مسلط است و هیچ یك از این گروه ها ی کوچك و ادمکش قدرت جنگ رو یا رویی با مارا ندارند واز همین نظر صرف‌در نهان به شکل مـخـفی و حملات شبا نگا هی به ویرانی‌وآتش سوزی های پرا گنده دست میز نـنـد که بازهم باحمایت و پشتیبا نی‌مردم از انقلاب ودست آورد های آن و اعتقادی که به رهبر ی مر حلـــه نوین تکاملی آن دارند مسئوولا نه میگو یم به زودی این‌تفاله ها نیز از میان برداشته میشوند و مردم ما مردم بلادیده وعذاب کشیده مابرای همیشه از شر آنان آرام میگردند .

لطفا دنباله این گفت‌وشنودجالب وخواندنی را در شماره آینده‌مطالعه کنید .

ناتمام

بقیه صفحه ۲۱

خون و حماسه..

مقدس تر و با اوج تر از هر وظیفه دیگری است چراکه وطن‌خانه بزرگ همه ماست و وطنداران خانواده همگانی ما و وقتی این خانه و باشندگان این خانه و خانواده در خطر اشرار قرار داشته باشند حس حفظ نوامیس که در خون هر افغانی و در اندیشه هر وطنداری موج دارد حکم میکند که بکوشیم از پای ننشینیم مگر آنکه فریب کاری های دشمنان پایان نیابد و دخالت های امپریا لیزم در امور داخلی مابه آخر نرسد .

فرهاد بیگ در جای دیگر از سخن خود و در این مورد که کلانترین جبهه ای که او در آن جنگیده است کدام بوده تجهیزات دشمن بچه پیمانه بعد از اندکی‌چرت زدن جواب میدهد :

ـ کلانترین جبهه از نظر کمیت تعدادی ضد انقلابیون جبهه شمالی بود که در آن در حدود پنجاه نفر بالای ما تعرض کردند و با آنکه‌حمله آنها نا جوانمردانه بود و از عقب به صورت غیر مترقبه مارا زیر آتشبار فیر مرمی های خود قرار دادند ما مانند همه جبهات دیگر پیروز شدیم و همه را سر کوب ساختیم میخواهم گفت و شنود رابا او خاتمه دهم که خواهش میکند بنویسم که او تا آخرین رمق حیات خود هرگز و به هیچ قیمتی دست از مبارزه نخواهد کشید تا اینکه مردم وطن از شر اندازی عمال ضدانقلاب نجات یابند و دیگر هرگز آرامش شان را حادثه جویی های این فریب خورد گان برهم نزند .

میر علم یکی دیگر از سربازان جان بر کفی است که به خاطر پاسداری از دست آورد های انقلاب و به خاطر ایفای دین خود در برابر مردم خود تاکنون در مدت نزدیک به دوسالی که لباس سر بازی رابه تن دارد شجا عانه بیباکانه و باحفظ وجایب عسکری در جبهات فراوان جنگیده و صاحب تجاربی در این زمینه میباشد .

شمالی پروان ، بت خاك ، لغمان ننگر هار و جاهای دیگر محلاتی‌بوده که توانسته و طنپرستی خود را با جانبازی ثابت سازد .

از او در این زمینه که درجبهات جنگ آیا یونت های سیار صحی هم وجود دارد و یاخیر و درصورتی که سربازان ما مجروح و یا مصدوم گردند چه کمك هایی برایشان به صورت عاجل داده میشود .

سوال میشود و او جوابش این است که اکنون قوای‌مسلح جمهوری دمو کراتیك افغانستان‌تمام تسهیلات لازم را در این زمینه و زمینه های دیگر فراهم آورده ، چنانکه در تمامی جبهات یك یك موتر آمبولانس با دکتور و پرسونل مورد ضرورت و ادویه کافی موجود است‌و درصورت بروز کدام حادثه برای یکی از افراد فوراً و بدون هیچ معطلی کمك های عاجل به وی داده میشود و زمینه انتقال وی نیز به شفاخانه برابر میگردد.

از او در باره خوبترین خاطره‌اش در مدت عسکری و در جبهات جنگ پرسان میکنم و اودر حالیکه‌لبخندی پیروز مند به لب دارد میگوید :

ـ خوش ترین خاطره ام که تا دم مرگ نیز آنرا گرامی میدارم این است که در همه جبهات پیروزشدیم و موفق گردیدیم که دشمنان انقلاب را سر کوب‌سازیم که یادآن همیشه برایم عزیز است و موجب شادمانی فراوان .

• • •

عیسی محمد باشنده قندهار که تحصیلات خود را در رشته انجنیری ساختمان‌به‌پایان‌رسانیده‌وباآ گا هی و مطالعه و بنیش قوی که از همان آغاز مرحله تحصیلات عالی داشته است متکی بر اساس ایدیا لوژی مترقی کارگری به‌بار وری ذهنی‌خود پر داخته و با چشم باز به بررسی و انگیزه جویی مصایب درونی جامعه پرداخته و راه مبارزه را انتخاب نموده است اکنون بیشتر از یك سال است که لباس مقدس عسکری را به تن کرده و با روحیه قوی و شهامت خاص افغانی خود درجبهات فراوان شرکت جسته‌و پیروز مندانه باز گشته است او که از سال ۱۳۴۷ عضویت حزب دموکراتیك خلق افغا نستان را پذیرفته و وفاداری و ثابت قدمی خود را در عرصه پیکار سیاسی ثابت سا خته بزرگترین افتخار خود را در این میداند که به اساس مشی مترقی و اهداف عالی حزب و دولت بتواند به عنوان عنصری آگاه‌و فعال نقش خود را ایفا کند و به ادای وجایب خود بپردازد ، باتوجه به زمینه تحصیلات و تجارب وی در مسایل مربوط به مبارزه در اولین بخش گفت وشنود از او میپرسیم که پیرامون نحوه مبارزه سیاسی در عصر شب و دوران سیاه و اختناقی گذشته و عوامل پیروزی حزب‌براساس تجارب خود چیزی بگوید . جواب این‌است که :

ـ ما در شرایط خاص نظر به دستور حزب چگونگی شکل مبارزه را تعیین میکر دیم که علنی باشد و یا مخفی مثـ در شرا یط دوره سلطنت ظاهر مبارزه ما شکل نیمه علنی را داشت اما با شدت اختناق سیاسی در دوره داود شاهی ما ناگزیر به مبارزه مخفی شدیم ، اینکه در چنان اوضاع و احوالی‌این مبارزه را در هر شکل و قالب خود چگونه با موفقیت پیش میرفت فقط باید آنرابه نگرش عینی‌و پلان‌گذاری علمی مبارزاتی حزب مربوط دانست.

در مورد بخش دیگر سوا ل شما باید بگویم عوامل موفقیت حزب که در یك‌دوره کوتاه زمانی توانست قدرت سیاسی را بدست گیرد وپایه های فیودا لیزم را درهم ریزد و ارزش ها را و ارزش گذاری ها رااز شکل اختصا صی طبقاتی آن بیرون آورد به این مساله تعلق میگیرد که وحدت حزب و یکپارچه گی آن ازیك سوی با کارگر دانی عالمانه کمیته مرکزی رهبری داهیانه میشد و از سوی دیگر اعضای حزب با روحیه قوی مبارزه جویی و ایدیای مترقی ضد امپر یالیستی و ضد فیودا لی خود از هیچ خطری هراس نداشتند و مطابق مرام حزب با حفظ دسپلین حزبی براه شکوهمند خود روان بودند .

او در یك زمینه دیگر چنین میگوید که هر انقلاب کارگری و انقلاب ما هم دو رخ و دو بعد دارد یکی بعد دیکتا توری و دیگری بعد دمو کراسی در جهت اول به خاطر پیروزی نهایی اهداف و تحقق‌آرمان های والای انسان دوستانه با تمام عمال و عوامل ضد انقلاب در جهات فیودالی و امپر یالیستی آن به‌شکل آشتی ناپذیر مبارزه میگردد در حالیکه در بعد دموکرا سی آن به هر نوع بیان که با اساسات انقلا ب در تضاد نباشد آزادی کامل داد ه میشود و حقوق و کرامت انسا نی خلق در همه حال محفوظ میماند .

انجنیر عسی محمد سر باز دراین مورد که عمال ضد انقلاب اسلحه و مهمات جنگی را از چه مراجع به دست میاورند و نظر مشخصی اوبر اساس تجارب وی و چشم دیدش در جبهات جنگی چه میباشد میگوید:

ـتا آنجا که خودم شاهد بوده ام ضد انقلا ب از اسلحه مصر ی چینی، پاکستانی و امریکایی‌استفاده میکند از نظر تاکتیك و چگو نگی آشنایی آنان با فنون استفاده از اسلحه باید بگویم که آنها را بایدبه دو گروه تقسیم بندی می کرد ، یك آنانیکه در پاکستان عملا زیر آموزش نظامی قرار میگیرند و به کشور ما صادر میگردند و دو دیگر آنانیکه فریب تبلیغات زهر آلود منابع پرو پاگندی امپر یالیست ها و ارتجاع داخلی را میخو رند و ناآ گاهانه در ساحه جنگ قدم می گذارند و آنچه در این فشرده باید اشاره کنم این است که گروه اول که تعلیمات نظامی دیده اند تا جای که به من آشکار شده در غالب‌اوقات در عقب جبهه جنگ قرار میگیرند و افراد عادی رابه جلو میاند از ندو به همین علت تلفات را نیز همین فریب خورد گان متحمل میشو ند

ـ کار مندان امور صحت عامه ! سیستم بهداری را همه جا نبه رشد و تکامل‌دهید،امور حفظ الصحه‌رابهبود بخشید به خاطر صحت و سلامت انسا نها بر زمید .

لطفاً دنباله این گفت و شنود ها را در شماره آینده بخوانید .

بیگانه

پیو سته بگذشته

چیزی کرده نمی توا نستیم . ایوانف قهر شد .

((تو آ دم مسخره عجب ما را به بلا انداخته یی . هر دوی‌ماجواب دادنی هستیم .))

او دیگر حاضر نبود شب را در شهر بماند و امر داد که اسپ را یراق ببندند . ما باید شب یا روز حرکت می کردیم . دختر به ا تاق ایستگاه رفته بود . او روی کو چی خودرا اندا خته بود و سعی می‌کرد کمی گرم تر شود . ما به دور ن آمدیم . برایش گفتیم :

((برخیز اسپ ها تیار است))

او از جایش خیز زد خودرا جمع کرد ومستقیم به‌چهره های مانگاه کرد . راستی بگویم مرا تر سا ند. او بالحن نیمه درد ناك فریادزد :

((شما وحشی ها !)) با آ نکه کلمات روسی از زبانش می بر آمد ولی کمتر برای ما مفهو م بود. کلمات بسیار رو شنفکرانه بود . بالاخره گفت :

((شمابر من قدرت دارید . می‌توانید مرگ مرا زود تر فراخوانید. این راه شماست و من آ ماده رفتن هستم!)) .

سماوار روی میز می جو شیدولی وی چای ننوشیده بود. برای خود چای ریختاندیم و یك پیاله هم برای او . حتی توته نان سپید که با خود آورده‌بودیم ، برایش جدا کردیم . گفتم :

((بگیر کمی گرمت می‌کند)).

در حالیکه کلوش هایش را می‌پوشید عصبانی به سویم نگریست. شانه هایش را بابی ا عتنایی با لا کرد و گفت :

((تو آدم مسخره هستی ! مثلی که عقلت را از دست دادی که ازمن می‌خواهی تا با چای تان شریك شوم ؟)).

کلماتش چقدر قلب مرا جریحه‌دار ساخت ! هنوز هم وقتی که این کلمه ها به یادم می‌آید ، خون به صورتم می دود . ترا ببین . ازسهیم شدن با غذای ما امتناع نمی‌ورزی. حتی روبانف اشراف که تبعید ی دیگری بود و خودش فر زند یك صاحب منصب عا لیر تبه ا ر د و بود . چنین بر خوردی ندا شت . ولی این دختر چنان بود . اومی‌خواست یك سماوار تنها برا یش بخواهد و برای شکر و چای پول دو چندبدهد . در حالیکه بیش از یك‌روبل و بیست کوپك بیشتر در جیبش نبود !

بخش سوم

قصه گو خا موش ماند . لحظه‌یی اتاق در سکوت سنگینی فرو رفت وخاموشی آن را فقط نفس ها ی تند تند ژاندارم جوان و زوزه توفانی که در بیرون جریان دا شت در هم می شکست .

گاور یلوف پرسید :

((خواب نمی بردیت ؟))

((نی ادامه بده گوشم‌به‌توست))

پس از لحظهٔ سکوت ادامه داد:

دلم به حال این دختر بسیار درد می‌کرد. تمام شب باران بارید. هوا بسیار بد بود . از درون جنگل‌ها، عبور کردیم و شا خه های آن چون اشباح هولناك مارامی تر سا ند . چهره‌اش را دیده نمی توانستم . سیاه و کبود شده بود . او چنان دربرابرم قرار داشت مثلی که در روشنایی تندروز چهره اش‌راببینم. چشم ها یش ، صورت غضب‌آلودش که تا مغز ا ستخوان می لر ز ید نگاهش به چیزی در جلو چنان راه کشیده بود که گولی در آیینه ضمیرش افکارش را می خواند . وقتی که ایستگاه را ترك می گفتیم من یك‌پوستینچه روی شانه ها یش انداخته گفتم :

((ترا گرم خواهد ساخت)) .

ولی او آنرا به دور انداخت و گفت :

((این بالاپوش توست . ((تو)) آن را می پوشی !)) .

باآنکه بالاپوش از من بود و لی جواب دیگری دادم :

((این از من نیست . متعلق به زندانیان است)) . فقط پس ازآن، بالاپوش را پوشید. ولی‌این‌بالاپوش پوست به دردش نمی خورد . پس از آنکه هوا روشن شد، د یدم که چه قیافه و حشتناك پیداکرده‌است. در ایستگاه بعدی ، خواهش کرد که ایوانف پهلوی راننده بنشیند . باآنکه ایوانف مخالفت کرد و لی سعی نکرد با او گلاویز شود. حالا کمی مغزش روشنتر شده بود. من کنارش نشستم .

سه شبانه روز بدون توقف به جایی ، سفر کردیم . به ما امرکرده بودندکه جایی نباشیم و شب باش بکلی قدغن‌بود . به استثنای حالاتی که بسیار ((اضطرابی)) می بود آنهم باید در یك شهری که خوب امنیت بر قرار باشد و کسی نمی‌دانست که کدام جای ((مصئون)) است .

بالاخره سفر ما پایان یافت . وقتیکه سواد شهری که او باید دران می ماند از دور پیدا شد ، احساس کردم که بار بزرگی ازروی شانه‌ها و سینه‌ام بر داشته شده است ! باید این را بگویم که‌تاآخر سفر به او یاری رساندم . ز مانی متوجه شدم که وی بیهوش ا ست‌و سرش با هر تکان به میله آ هنی می‌خورد . دستم را به عقب سرش دورداده و سعی کردم که سرش‌روی بازوی راستم آرام گیرد. اول‌دستم را عقب زد :

((به من دست نزن)) و لی پسانتر چیزی نگفت . فکر می کنم بار دیگر بیهوش شده بود. چشم‌هایش بسته بود . دور پلك هایش حلقه کبود و تیره یی‌ایجاد شده‌بود، ولی صورتش نمکین می نمود . حتی کمی خوش تر به نظر می رسید و لبخند کمرنگی در گوشه لب ها یش نشسته بود . دختر بیچاره !ممکن خواب های خوش می دید . وقتی نزدیك شهر رسیدیم او به خودآمد: آسمان صاف شده بود و آفتاب بر همه‌جانور می پاشید .سرور چهره دختر را فرا گرفت . ولی وقتی که به‌شهر رسیدیم . امر شده بود که درآنجا نما نیم . چون ژاندارم های شهر به ماموریت ها ی خود رفته بودند ، ما موظف شدیم که با اوبه سفر ادامه بد هیم . و قتیکه به ماموریت پو لیس آمدم‌که اورا از موضوع آگاه بسازم . آنجا پر از جمعیت بود . زنان ، جوان ، مردان، شاگردان و دیگران که فکر می‌کنم بسیاری تبعیدیان محلی بودند که آنجا گرد آ مده بودند ، آنان مثل اینکه از گذشته های دور با اوآشنا باشند ، دستهایش را می فشر دند از او سوالهای می کردند وپیش از آنکه با او خدا حافظی بکنند برایش شال پشمی نرم و گر می دا دندکه سر مای سفر او را کمتر رنج‌بدهد .

او بقیه سفررا با شادمانی‌سپری کرد ، ولی در تمام راه سرفه های خشك و دلخراش اورا آزار می‌داد .

ناتمام

د : ۱ ژباړه

پرله‌پسی:

اضطراب

اوهیجان

دغه قاعدی له یو نسل نه بل نسل ته لیږ دو ل کیږی، دغه‌قواعد دهری ټو لنی دنو عیت او دو کړو دتر کیب له نظره تغییر مومی،لیکن هر بالغ انسان پری خبر وی اومهمه مو ضوع هم ده ، کله چی دانسا ن دداخلی اندازی اوخار جی محیـــط ترمنځ گډوډی را ځی انسان ز یار باسی تر خو چی په خار جی محیط باندی خپل اثر پریږدی دمثال پـــه توگه هر کار ته لاس اچوی تر خو چی خپل خپلوا ن له مرگ نـــه وژ غوری له غلا او وژنی نه مخـــه ونیسی یا کوم مو قف ونیسی البته پدی شرط چی په‌هغه اصول اوقواعد برابروی چی ده ته له نیکو نو څخه ورانتقال شوی دی.

که له دی ټو لو سره خار جی نړی ځنگه چی دی یی غواړی بـدل نشی « بد شکو می دیونړ دی‌خپلوان مرگ او . . .» یو ضروری انطبا ق حاصلوی . پدی حالت کی انسان خپل جهان بینی ، عا دات او قواعد بدلوی یا په بل عبار ت ســـره دخارجی نړی سره خپل روا بط یا کیموی یا یی بیخی له منځه و ړی .

هر ډو ل گډو ډی چی دبد ن دداخلی اوخارجی واقعی و ضعی او انطباق اساسی قواعدو او دبد ن حاکمو نظا مونو ترمنځ راځی دخطر زنگ وهی او وروسته پا دو نکـــی عکس العملونه تحریکو ی تر خو چی وضع بیر ته عادی حالت تـــــه راو گر ځو ی .

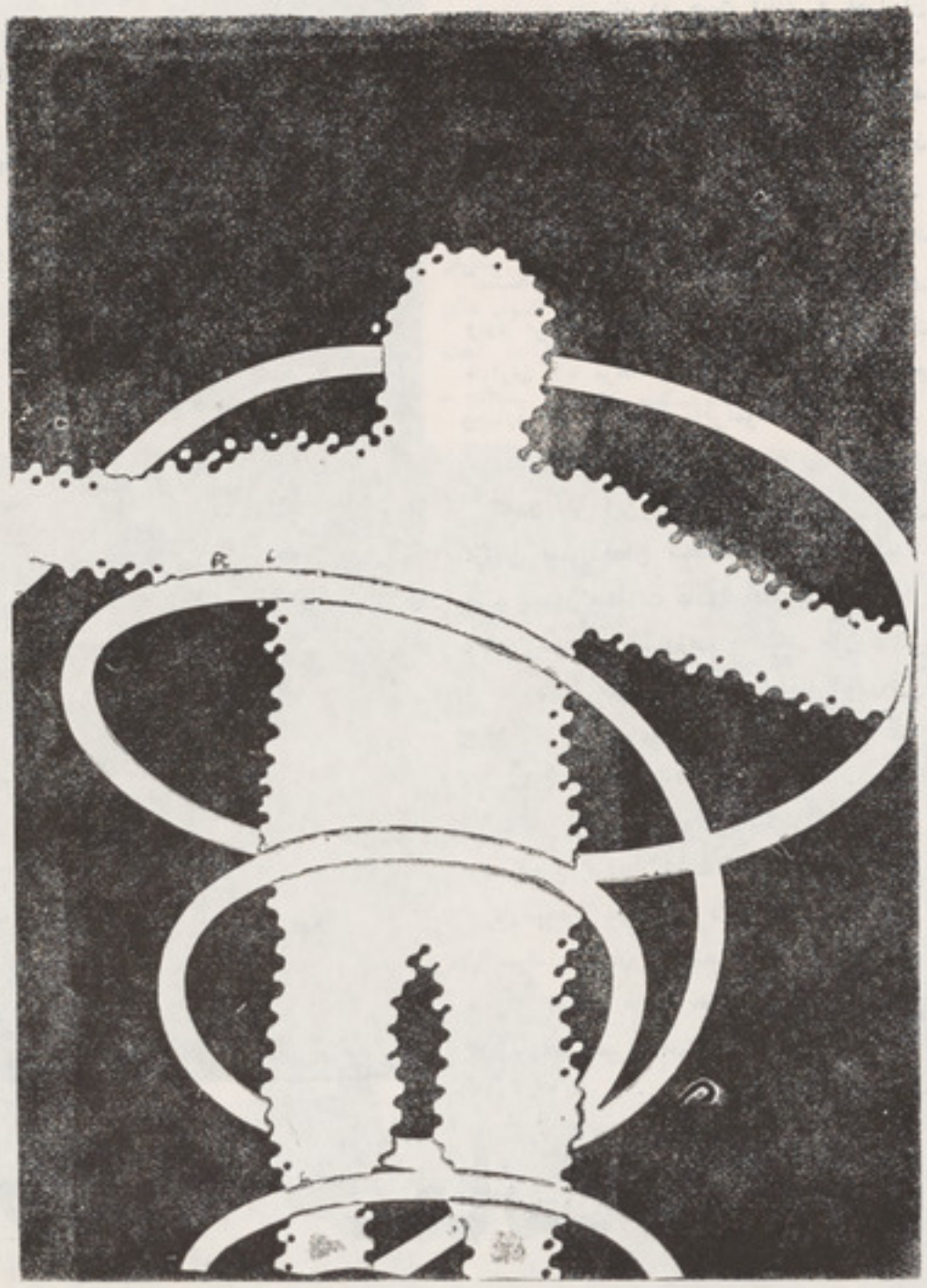

(سیله) د خپلو دقیقو تجر بو پر اساس چی د ژوند پیژند نی په برخه کی یی لری ور ثابته کړه چی دبدن انطبا قی عکس العملو نـــه دنو عی کمك په وسیله « انطبا قی سوخت» تحقق مو می چی په هـــر ژوندی نظام کی و جود لر ی«سیله» پخپل « بیله لټه یانه پاریدنه» نومی کتاب کی لیکی : دغه پدیدی له ډیر پخوانه دمکا شفی له لا ری نـــــه پیژند ل شوی وی !

« د تاریخ نه پخـــوا نســـا ن قاعد تاً دی ټکی ته یی پام اړولی‌دی چی ستومانی دسخت کار نتیجه په تو دو خی یا ساړه کی د ډیرو خت دپاره پاتیکیدل ، ویره نارو غی او داسی نور عکس العملونه په بدن‌کی تحریکوی .»

د سیله د وینا له مخی انطبا قی انـــرژی او حرارتی انـــرژی د و ی مختلفی پدیدی دی « کو لای شوچی نارو غی دبد ن دانطباق دیو شکل‌په توگه و پیژنو ، بدن پدی حال کی کو شش کوی چی بدبویی له مینځه یوسی یا له هغه سره یو ځای ژوند وکړی . پدی موده کی انسان‌کولای شی چی خواړه وخور ی، حتی لـــه اندازی نه ډیر خواړه وخو ری‌یعنی دلومړی ماده حرار تی انر ژی دپیدا کیدو لپاره بدن ته ورسو ی له دی ټولو سره سره دده قوت به هـــم تحلیل شی .»

دلته دا سوال را پیدا کیـــږی چی ددی نو ی نظر یی پر اساســـ باندی اضطراب ، هیجان اوانطباقی انرژی دننني انسان و ضع څنگـــه درکو لی شو ؟

یو پوه معا مله کوونکی یایـــو ورزشکار او داسی نورو کله چـــی دخپل ځان دیوی ځانگړ ی مسئلی سره مخا مخ کیږی څه پری‌تیریږی؟ په مختلفو شکلو نو سره ممکـــــن گډوډی (عدم تعادل) هما غه رقم‌چی سیله وایی :

زمونږ بدن په ټو لو د غســـی حالاتو کی یو رنگ عکس العملونه لـــه ځانه ښیی په د ی معنی چی

نوربیا

اطفال امروز

دروطن درین عظیم ترین محل تجمع مردم‌که در ادبیات وکلتور جوامع بشری مقام ارزشمند وبس والای را حایزبوده وبرای حفظ ونگهداشت ها سر ها و جان نثار گردیده است .

زمانیکه مرز های‌سیاسی وسر حدی کشور مامرز بندی ومشخص نشده بود ،انسان های که ارض در هر جایی که بودند همان جا را دوست می‌داشتند در جهت آبادی و عمران‌آن تلاش وکوشش انسانی به خرج میدادند .این دوستی ومحبت نسبت به محیط پیرامون یک امر طبیعی بوده هر قدریکه‌ازمحیط اطراف‌انسان فیض ونعمت بیشتر میسر میشد پیمانه علاقه‌و دوستی انسان ها بدان محیط بشتر می‌شد در گذشته های دور آن زمانیکه جامعه انسانی وارد مرحله برده داری شد ظالمان و جهان خواران پابه عرصه وجود گذاشتند و آوازه ظلم وجباری ایشان محیط راپرنمود وتجاوزواشغال گری شان هر آن بیشتر می‌شد .

که‌در اثر این برخورد هاسنگر های دفاع ازوطن یعنی همان مناطقیکه زیست می‌نمودند رشد نمودو مبارزات عادلانه علیه تجاوز گران آغاز گردید این مبارزات و پیکار های دفاعی از مراحلی گذشته وبارشد جامعه بورژوازی و ایجاد جامعه عاری از تفاوت ها وتناقضات نابرابر واستثماری وطبقاتی مقام ارزشمندی یافته ومهرومحبت‌وطن درروح‌وروان مردم عجین گردیده است .

کارنامه‌های فرزندان دلاور ومدافعان میهن در سراسر جهان ازجمله فداکاری ها وعشق سوزان انسان هاسر چشمه گرفته وبه یقین که آموزنده وعبرت آموز است .

دروطن مانیز کار نامه های دفاع از وطن از آریانای باستان وخراسان زمین تا افغانستان کنونی در ادبیات وکلتور دیرپای این خطه مقام شامخ وارزشمندی داشته ودارد .

در صفحات زرین تاریخ وطن مامنزلت‌وپایهٔ وطن پرستی از همه‌بیشتر مورد توجه بوده واحساس انسان هارا شعله ور می‌سازد بااین هم طبقات استثمارگرو ارتجاعی‌تلاش مذبوحانه نموده وسال ها کوشید ند تا عشق مردم را نسبت به وطن شان بدون حرارت حفظ نمایند تادر باره بی تفاوت ودلسرد باشند .

اما مرور صفحات تاریخ وگذشته های پرافتخار میهن مامیرساند که مادر وطن سالهای سا ل فرزندان صدیق ووطنپرست رادر دامان خویش پرورش داده و هر زمانیکه فاجعه وتاریکی در وطن چیره می‌شد جانبازانی بروز می‌نمود ند که با ایثار و فدا کاری و پیکار بی امان و ستیزه جویی وطن را نجات میدادند ودامان‌وطن را ازچنین عناصر پاک می نمودند .

چنانچه دیدیم‌وبه‌چشمان خود مشاهده نمودم خاندان نادر و داود و بعد هم امین جلاد این دشمن خانواده هاوطن را به سوی نا بسودی کشاندند و ماتم فراموش ناشدنی رادرخانواده هابه ارمغان گذاشتندومادروطن رابرای همیش غمدار وماتم دار ساختند ازآن جائیکه بحران ناآرامی ها، خون ریزی هاوناامنیتی هادامنگیر مردم شدو هر آن قضا یا حادترمی‌شد فرزندان مادروطن آنهاییکه درس وطن پرستی ، صداقت وراستی رادر آغوش‌مادران‌قهرمان وحماسه ساز ودر آغوش مادر واقعی وحیقیی‌خویش یعنی «حزب دموکراتیک‌خلق افغانستان»آموخته بودند ودردامان این مادر صدیق وآزاده ، پرورش راستی ودرستی و صفاو و صمیمت رانیک آموخته بودند بایک سوگندانسانی وطن ومردم وطن را ازچنگال اهریمنان وخفاشان و خون

بقیه در صفحه ٦٠

پرورش اطفال حماسه‌ساز

ترجمهٔ : غ

کودکان در موزیم

موزیم ها بخشی از تاریخ کتله‌های بشری را تشکیل می د هد . در حال حاضر د ر بسیاری از کشور های جهان پرو گرا م های جامع برای آ مو زش کو دکان در موزیم ها تحت اجرا قرار گرفته است .

بمنظور فرا هم آ وری تسهیلات بیشتر در جهت آ مو زش کو دکان در مو زیم ها از مدتی به اینطرف دروس و لکچر هـــا ی پیدا گوژیك شروع گردیده است . هدف و غایه از چنین دروس و لکچر ها عما نـــا آشنایی کو دکان و نو جوانان با ما هیت انواع‌واقسام ادوات و آثار داخل مو ز یـــم ها ، طریقه دو باره احیا نمودن آ نها و ارزیابی کردن هر چه بیشتر فعالیت ها ی فعالیت های عا دی و رو زانهٔ موزیم هـــا وآثار تاریخی بوده است . بـــه ا سا س تجاربیکه در طی سه سال اخیر در مـــورد ((نتایج وانتبا هات اطفال از مو زیم هـــا)) بدست آ مده همین اکنون کو دکان طر یقه پختن نان را مانند دورهٔ تراش سنگ‌آموخته اند و گذشته ازان عدهٔ کثیری از کو دکان خیاطی و ر سا می را با طریقه های کهـــن فرا گرفته اند . در تجربهٔ که چندی قبل به شمول پنجاه کودك در یکی از مو زیم های ها مبورگ تحت نظر و نظارت دا نشمندان صورت گرفت بیش از چهل وسه نفر آنها علا قهٔ شانرا پیرا مو ن احیای مجدد آ ثار تاریخی و عملی نمودن ر سوم و عـــا دات اجتماعی ادوار قدیم ابراز نموده اند .

طوریکه در تازه ترین راپور ها تـذ کار رفته همین اکنون در بسیاری از موزیم ها دروس و لکچر های باستانی وتاریخی‌ازطریق مراکز پیداگوژیك جر یان داشته در وازه‌های موزیم ها از همه بیشتر بروی کو د کـــان و نواجوانان باز می باشد . به اساس تجارب سال گذشته با تد و یر و گشایش مرا کز پیداگوژیك در داخل مو زیم ها می‌تـــوان پهلو های علمی، تحقیقاتی وتاریخی موزیـــم هارا نیز و سعت داد . در حال حا ضرمراکز پیدا گوژیك در داخل موز یم ها یا به انجمن های تاریخ تعلـق می گیـرد و یا اینکـــه توسط ادارات فر هنگی و کلتوری بنار والی ها تنظیم و ار زیابی می گردد . تا اکنو ن در هیچ یك از پوهنتون ویا انستیتوت در جهان کلاس هـــای ماستـری و یا داکتری برای آنعده از جوا نانیکه آرزوی‌تحصیلا ت عالی را در ر شته های ا حیای مجدد آثـار باستانی و تاریخی دارند گشایش نیا فـته است لیکن طوریکه مقا مات فرهنگی‌یونسکو اعلام نموده قرار است او لین پو هـنتو ن احیای مجدد آثار تاریخی و پیدا گو ژ یك در ها مبورگ تا سیس یابد .

در حال حاضر معلمین ، رهنمـایـــان و مربیون جهت تدریس پیداگوژیك در مو زیم هاکه در عیـن حال و ظیفهٔ تـدریس کلان ـ سالان رانیز بدوش دارند .

طوریکه در تازه ترین را پور یو نسکو تذکار ر فته در طی دو سال ا خیر بیش‌از چهار ده کورس پیدا گوژیك در کشور های اروپایی و از آنجمله آلمان فـدرال در تحت نظر دانشمندان یـونسکـو گشایش یـافته .

رنج کودك

پرسیده مادر ی به سر سفره ازپسر
کای نور دیده خاطر ت اندوهگین‌چراست ؟
بر چهرت از چه گرد کـدور ت‌نشسته است ؟
بر گو غم تو از چه و درد تو ازکجا ست ؟
گفتا : ((چو نیستم د مـی شاددرجهان))
پیدا یش من وتو خدا از پی چه‌خواست ؟
زین زند گاینی یی که همه فکر و نیستیست
پندارم اینکه مرگ به مابهترین‌دواست
هر روز ام به مسخره گـیرنـدهمسنان
کت جامه از چه کهنه وپیزار کم‌بهاست ؟
استاد طنعه می زند از بی‌لباسیم
کاین گونه ، جامه بهر تو بـس‌زشت وبد نماست
در صنف هم کسی ننشیند کنارمن
نفرت برند جمله ز طفلی که‌بی‌نواست
از نیش میخ کفش به جان آمدم‌دگر
پایم همه پر آبله وزخم جانگداز
پارسال هم گذشت ودر ین سال‌نومرا
نی کفش نی کلاه ونه پیـزار اونه قباست
پولیم نیست تاکه مدادی خر م‌به‌خویش
وان بچه گوید م : ((قلم نو کش‌از طلاست))
از پیر هن نمانده مرا آستین به‌دست
((او رابدست ساعت از یـــن‌شب نماست))
مادر چو از عزیز خود سوزد ل‌شنید
اشکش به رخ چکیده و آهشـ‌زسینه خواست
گفتا : ((عزیز من غم گیتـی ،گذشتنیست
نومید گشتن از روش دهر ،نابجاست
در تنگنای فقر ،نه تنها من توایم
((بر هر که بنگری ، به همیـن‌دردمبتلا ست))
((بر هر گذر که بگذری افتاده‌یی‌است زار
کورا ، زخشت ، باش و بالیـن‌زبوریا ست
دانش پژوه و رنجبر ی ،پیشه‌سازوبس
خوا هی رسی به منز ل ، ایـن‌است راه راست .

بقیه صفحه ۳۷

مولانا جلال الدین...

مها بتی قوی داشت ، در مجلس او مردم از هر د ستی راه دا شتند ، حتی یك تر سا ی مست میتوا نست در سما ع او حا ضر شود و شو ر وغر بد ه کند .

مولا نا حا فظه ای قوی دا شت، زبان های بسیار میدانست ، او حتی ابیاتی به ترکی و یونانی نیزسرود.

• • •

این قصه ز ند گی مو لا نا بود ، جا ی دارد از قصه او ج او نیزدم زنیم که بس شور ا نگیز تر وشوریده تر از زند گی او ست :

روح پهناور و بزرگ مو لا نا پرواز گا ه عشق خدا بود ، شو ر صو فیانه اش جهشی داشت به جانب ((نا محدود و نا مفهو م))

همه شورم ، همه جوشم
سر دریا ی تو دارم

هر غز لش دریا ئی ا ست متمو ج از عشق و عر فا ن ، اوبی پر وا شور درو ن را بیرو نمیر یخت ، بی اعتنا ء به صنعت شعر و پشت پا زدن بر همه قید ها ئی که‌عا یق نما یش اند یشه بود ،او قالب را به هیچ می انگا شت و براستی شوری که او دا شت چنان از اندازه و پیمانه بیرون بود که قالب برای گنجا یش آن کوچك بود :

قافیه اندیشم ودلدار من
گویدم مندیش جز دیدار من

مفا هیم در ذهن پا یا ن نا پذیرش شکل آرام و معتدل ندا شتند ، درزبا ن او جمله رنگ شعله میگرفت ، هیجان خود را بی مهابا فرو میر یخت ، حا ل کسی رادا شت که شدت تب به فریاد فغا ئش وا دارد ، هر غز لش از یك ذ و ق موز یکا لی سر چشمه دارد ، اوبه کیفیت تر کیب کلام ا همیتی‌نمیدهد وبه شور بر انگیختن میپر دازد :

در جا مهی آو یختم
اندیشه را خو ن ریختم
با یار خود آمیختم
با او درو ن پرد ه ام .
آو یختم اند یشه را
کا ند یشه هشیا ری دهد
زاند یشه بیزا ری کنم
زا ند یشه ها پژ مرد ه ا م .

او عشق را قو یتر ، طا غی تر، سرکش تر وفرا تر از حد قصورمی نما یا ند :

با ز فرو ریخت عشق ازدرودیوار من
با ز ببر یدبند ، ا شتر کین‌دار من
عقل مرا خوا ب برد ، صبر مر ا آب برد
گاه‌مرا باد برده تا چه شود کار من

شو رید گی یك آد م تب دا راز جمله ها ی پرا گنده ا ش پیدا ست ، او از اندیشه بری ا ست عشق‌را می جو ید ، تا که هو شیا ر ا ست و بیدار دم نمیز ند و چو ن نابهوش گردید شعر ش مانند خجه روح از او سر میزند :

تو مپندارکه‌من شعر بخودمیگویم
تا که هشیارم و بیدار یکی دم‌نزنم.

• • •

هر گه ز تو بگریزم ، با عشق تو بستیزم
اندر سرم از شش سو ،سودای تو میاید .

از باد ه سخن میگو ید و با د ه و حد ت را می جو یدکه فارغ ا ز رنگ و بوست و ویرا ازشر جلوه ها و نقش‌های نما یا ن خیا ت‌میرها ند .

شو ر ید گی رُو ح مولا نا تا بدا ن پا یه بود که مسند و اعتبارو ملا حظات اجتما عی را نا دیده گرفت و مد هو شی وسماع پیشه کرد ، جذ به ها ی رو حش و ی را از هو ش برد ، و هیجا نا ت درونش ملا حظات حقیر و قرا ر دا د های ثقیل جا معه آنروز را سوزا ند :

معشو ق گر گو ید برو درعشق ما رسوا بشو
من ز هد را یکسو نهم ، رسوا شوم ، رسوا شوم

مو لا نا چو ن از عشق سخن میگوید ، از خود بیخود میگردد :

سنگ شکا ف میکند از هو س لقا ی تو
جان‌پرو با ل میز ند ا ز طر ب هوا ی تو
عشق در آمد از درم ، د ست نهاد بر سر م
دید مرا که‌بی توا م ، گفت مرا، که : وای تو

بنسیت :

مو لا نا هدف‌زیستن را بازگشت به معشو ق میدا ند که در زبا ن او جز پروردگار نیست :

مابه فلك بود ه ایم ، یا ر ملك بوده ایم
باز هما نجا رو یم ، خوا جه که آن شهر ما ست

مو لا نا پیو سته در شور و طلب الهی بود ، مثنوی او که بزر گترین میوه ا ند یشه او ست و به بیش‌از بیست و شش هزار بیت میر سد این راثابت میکند چه همه داستا ن ها ی این شا هکا ر بزرگ به نتایج عر فا نی و دینی می انجا مد ، او در سر ود ن شعر عار فا نه مثنوی عطار و سنا ئی را سر مشق قرا ر داد :

هفت شهر عشق را عطار گشت
ما هنوز اندر خم یك کوچه ایم

دنیا ی مثنو ی د نیا ئی ا ست‌که در آن همه چیز حیا ت دارد :

هم هیا هو ی خا مو ش ا برو نسیم را در آ ن میتوا ن شنیدو هم نفس ز د ن گل و گیا ه را هیچ چیز در دنیا ی مثنوی گنگ وخا موش‌نیست .

قصه بد نبا ل قصه و عبر ت‌بدنبا ل عبرت مثنوی را آگنده ساخته ا ست مثنوی مثل سیل میخرو شد و پیش میایدوهرمضمون واندیشه ای رادر مسیر خو د میا ورد و گا ه مو لا نا در سر ودن چنا ن حا لت رو حانی مییا بدکه شعر ش حا لت شعر مجرد را بخود میگیرد اما غزل ها یش رنگ‌مستانه دیگری دارد ،

هدف غزل ها ی شور ا نگیز مو لا نا و صا ل حق و در ك وجود مطلق ا ست ، مو لو ی هنگا م سرودن این شا هکا ر هرد م حا لی دا شته ا ست :

بیا ئید ، بیا ئید که گلزار دمیده ا ست
بیائید ، بیا ئید که دلدا ر رسیده ا ست
مرده بودم ، زنده شدم ، گریه بودم خندهٔ شدم
دولت عشق آ مد و من دو لت پا ینده شدم

امروز مثنوی معنوی مو لوی یکی از شا هکار ها ی ز نده وجاویدا ن اد بیا ت‌تصو فی جها ن به شمار میا ید و در باره این ا ثر همین بس که بگوییم (نیکو لسون) خاور شنا س بزرگ انگلیسی‌مد ت چهل سا ل تما م‌روی آ ن کا ر کرد تا متن مثنوی را به ز با ن انگلیسی ترجمه کند و آنرا مورد ا ستفاده انگلیسی زبانهای جهان قرار دهد .

بقیه صفحه ۳۹

آزادگان...

ـچند ماه عسکری خواهد کرد ؟

ـیك سال دوره خدمت وشش ما هم ممکن‌است اضافه خدمت باشد • تا هنوزاضافه خدمتش معلوم نیست . حالی همی یك سال را تیر کند •

از او می‌پرسم :

ـگفتنی یی برای خواننده های مجله ندارید؟

ـچه بگویم بچم ؟ مادر ها و خواهر ها ، باید صبرو حوصله داشته باشند به آن‌هالازم است که اولاد های جوان شانرا به رفتن‌عسکری تشویق نمایند وبه حق اولادهای شان دعا نمایند .

سخنان این زن پایان می‌گیرد و ما مهمانان این شماره را خوش آمدید میگوئیم وسلسله این نشست هارا میگذاریم به روز هایی که در پیش داریم‌وصفحاتیکه‌ژوندون در هفته های آینده پیش کش خواننده ها خواهد کرد• مادر همین صفحه ، ستونی مختصر وکوتاهی خواهیم‌داشت‌در جوابگوی پرشهاوپاسخ هاونیز در باز تاب فشرده نامه های که برای ما خواهد رسید• شما میتوانید گفتنی هایتانرابه آدرس ژوندون ، عنوانی همین صفحه برای ما ارسال کنید ونیز ما آماده ایم به پذیرش مطالبی‌ایکه جالب وارزنده باشد و از طرف خواننده• برای نشر دراین صفحه برای ما فرستاده شود بپذیریم •

حماسهٔ برادری

بشر ف پیـــروز ی ها ی انقلاب شرا فتمند تـــور و
دوستی و همکار ی سا بقـه‌دارو خلل ناپذیر میـان مردم
همد ل وهمجوا ر اتحـــا دشورو ی و افغانستا ن
اسرار ر حما ن

انقلاب ثور

انقلاب ثور باشد زادهٔ وجدان خلق
انقلاب ثور باشد راوی آرمان خلـــق
سرخی دارد چون خـــون شریان خلق
تادر آید اوببر ، همچو طفل ناز پرور
می مکد او امروز از بستان خلق
بهر او دوران دیگر نیست نیست
میزند جولان در دوران خلق
هرکه قصدی می کند برجان او
می کند قصدی بجسم وجان خلق
انقلاب ثور افغان
نه بدشت و باغ وبوستان
نه به زیربرف وباران
مثل چوکری یا تاران
خود بخود از خاك نه رسته
جای خود در خاك نه جسته
انقلاب ثور پرشان
در بهای خون صد ها باغبان
چون گل عشق ووفای دوستداران
چون گل صدق وصفای روزگاران
چون گل درمان دردهای هزاران
از زمین انقلابی سرکشید
از زمین آفتابی سرکشید
اوگل امید شیرین
اوگل مقصود دیرین
اوگل دلهای آتشباز وگرم مردم است
قدرش از اندازه بیرون
قدر نان گندم است •

• • •

سالها تخم گل اندر حاطهٔ دهقان پیر
در جوار کلبهٔ بیچاره ها
در ضمیر شعر آتشباز شاعر
در ضمیر آرزوی کوچی و آواره ها
در نهاد هر صغیر و هر کبیر
در میان مزرعه دلهای مردان نبرد
در کنار مادر ان جان فدا
زیر بار کلفت و آزار ودرد
زیر حکم حاکم عیار ودون بی صفا
زیرسم مرکب کشور ستانان عرب
زیر پای لشکر اسکندرو چنگیزو لنگ
زیر دریای خون محمود ، سلطان غضب
خفته او بر سرافراختن
زندگی را سر زنو پرداختن
راه کشور عنبر افشان ساختن
راه آزادی خود می‌کافت او
لیك این راه مقدس را کجا می‌یافت‌او

• • •

تابیابد راه رستن این گل ارمان خلق
چون سپندی تا ببخشد دارو و درمان خلـق
خون دل میر یخت عمری از سر مژگان‌خلق
می‌برآمد ناله وافغان خلق
عاقبت از راه فضل انقلاب
از ره پرپیچ وتاب

ثور

ازره شیب و فراز
از ره فواره های پر گداز
از ره عجز ونیاز
از میان روز نه ، مانند نور آفتاب
یك صباحی اول فصل بهار
ماه ثور بی غبار
سربر آورد این گل اقبال افغان
سر کشید از دامن خاك کهن
همچو رزم روزنو ، روزی نو
همچو رمز فصل پیروزی نو
همچو رمز فصل استقلال افغان
فال نیك صبح استقبال افغان

• • •

در نظر آمد گل احمر چو آتش پرصفا
در دلش داغ ستم، داغ جفا
در رگش خون هزاران خیبری
خون صد ها قهرمان کشوری
خون صد ها تن فدایی وشهید انقلاب
زین سبب گرداندش دستی بدست
درمثال غنچه لبخند ها
دسته های کاکل دلبند ها
در مثال وحدت وپیوند ها
خلق روز جشن عید انقلاب
چون نوید انقلاب
این گل دیبا رموز روز گار زنده است
این گل زیبا گل صبرو گل پاینده است
گربود دشوار بشگفتن ورا
بلبلان را راز دل گفتن ورا
تشنه دیدار عازم آینده است
گرچه خاین همچو خارسخت آزارش نمود
محکوم زندان وبردارش نمود
دسته دسته
بسته بسته
در پلچرخی گرفتار ش نمود
او نه پژمرد
او نمرد
اینك از نو سربه بالا می‌کشد •
نقشهٔ افکار والا می‌کشد
باهمه نشو ونمای راستی
جلوه وسر سبزی های راستی
دشمن بدکین خودرا
دشمن بدبین خود را
دشمن بی دین خودرا
دشمن دیرین خود را میکشد !
انقلاب ثور بیشك زادهٔ وجدان خلق
راوی درد آشنای قلب پرارمان خلق
حامی دیگر برای دین وایمان نیست نیست
انقلاب ثور باشد حامی ایمان خلق
گل یار دیگر آمد عهد سوز وبی وفا
قاتل وعیار ودون وپر جفا
انقلاب ثور آمد یار خوش پیمان خلق
شد منور از جمالش اختر تابان خلق
جلوه خواه بیرقش امروز در هر شهروده
مژده گانی میدهد از پیروزی وجولان خلق
درپناه انقلاب ثور باشد جاودان
سر نوشت بی گزندی فعله ودهقان خلق•

کابل – ۸۰-۶-۲۴

درشمارهٔ آینده درموردمجموعهٔ اشعاراهدایی‌و مختصر بیوگرافی شاعر تاجیکستان اتحاد شوروی اسرار رحمانوف کـــه بنام «حماسهٔ برادری» به خلق قهـــرمـان افغانستان تحفه فرستاده شده است شمارا آشنامی کنیم .

بیانـی

از شگفتی های رنگا رنگ جهان

پلی که آسیا را به اروپا وصل میسازد

رودیارد کپلنگ هفتادو پنج سال قبل نوشت : ((اوه شرق شرق است و غرب غرب واین دو هیچگاه با هم یکجا نمیشوند .))

مگر اعمار این پل فولادی گفتهٔ اورا نقض میکند ، یك نوع پل جدید بالای آبنای باسفور س اعمار گردیده که مسافرت بین اروپا و آسیا را سهولت می بخشد .

پل باعظمت در اکتوبر ۱۹۷۳ بامراسمی که باپنجاهمین سالگرد جمهوری ترکیه مصادف بودافتتاح شد . برای قرنها آبنای باسفورس پرابلمی رابرای ترکها بوجود آورده بود. این آبنا بحیره سیاه وبحیره ایژه راوصل ساخته اما یك ملت را دو تقسیم ساخته است .

نخستین بار داریوش اول پادشاه فارس برای از بین بردن خالیگاه وساختن پل ، کشتی هارا در ۵۱۲ق.م. با همدیگر بست تاقشون اوتوانست عبور کند .تاریخ ثبت نکرده است که داریوش به سازندگان پل چیزی پرداخته باشد اماساختمان پل شش خطهٔ عصری بیش از سی ملیون دالر تمام شد.

دیزاینر ها توقع داشتند ، تا برای باز پرداخت این پل درظرف چهارسال یاکمتر از آن حق العبور پرداخته شود و متوقع بودند که بیست ودو هزار عراده روزانه ازآن پل عبور نماید .

پل باسفور س سه خالیگاه را در یکوقت وصل میسازد از طریق این پل مبادلات تجارتی از حومه شهر اسکودار به شهر استانبول انتقال داده میشود .

این پل دو قسمت ترکیه را باهم ارتباط داده، اروپا و آسیا را با هم وصل میسازد .

از بالا به پائین:

۱ـ نمایی از پل عصری جدید که بالای آبنای باسفورس اعمار گردیده است .

۲ـ نقشه قسمتی از قارهٔ اروپا وآسیا کهموقعیت آبنای باسفورس وپل را نشان میدهد .

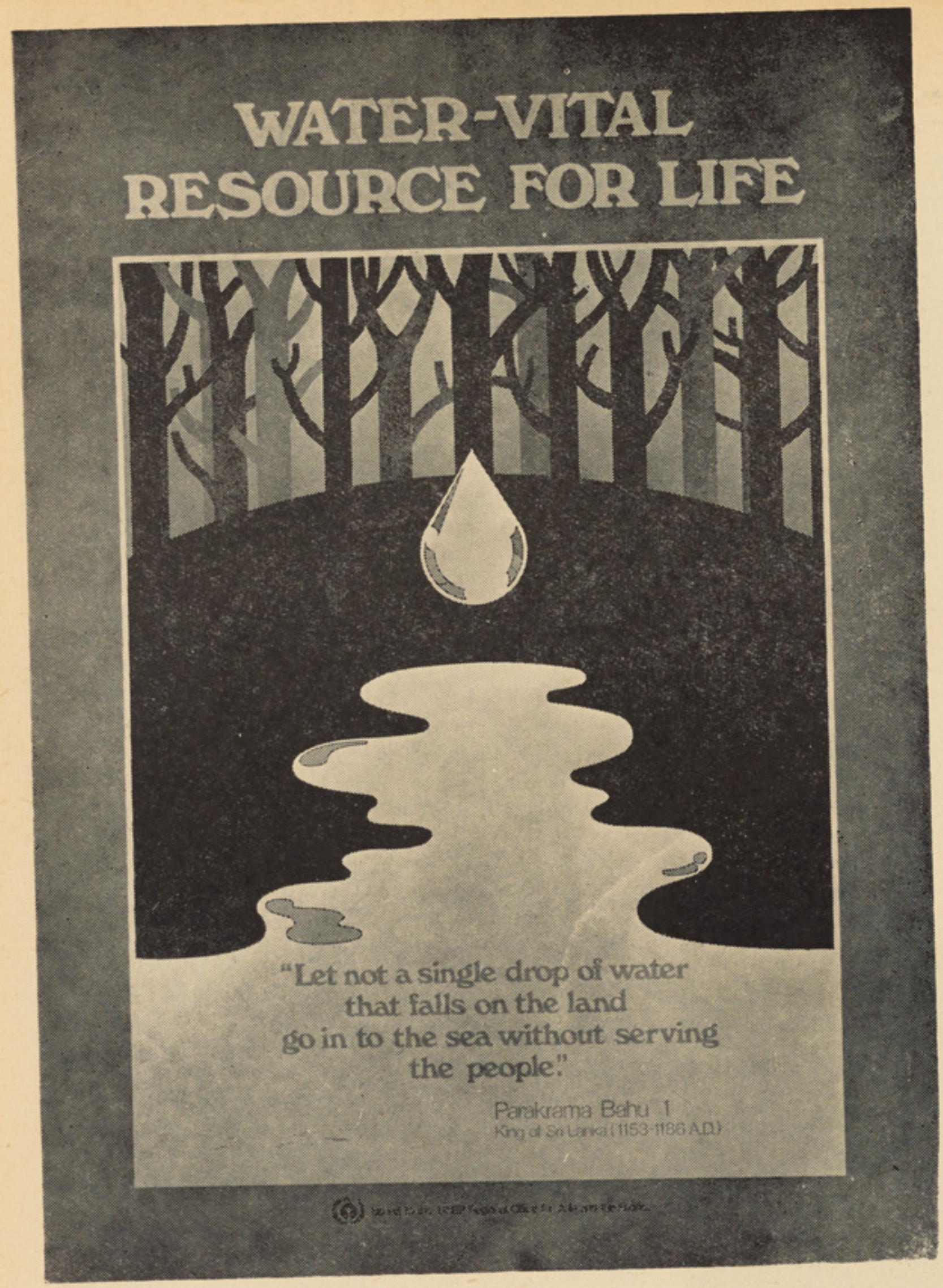

نگذارید یك قطرهٔ کوچك آبی‌که بالای زمین‌فرود می آید بدون استفاده به بحر بریزد .
(تصویر فوق عبارت از پوستری است که توسط ملل متحد بمناسبت دههٔ بین المللی آب‌به نشر رسیده است) .

آب‌محفوظ‌منبع حیات‌برای‌مردم

آب هر چند یك متاع عادی محسو ب می شود اما ملیون هانفر در جهان قادر بداشتن آن نبوده وبسیارکم ازآن متمتع میشوند .

متخصصین می گو یند که منبع آب‌محفوظ (آب مشروب) روبه قلت میباشد .

در حقیقت تنها برای یك فیصدی قلیلی نفوس دهات در آسیا و منطقه او قیا نو س که نفوس آن به ۸٤٥ ملیون بالغ می گردد میسر است .

احصائیه ها از تعداد بیست مملکت د رآسیا و اوقیانوس نشا ن مید هد که فقط از جمله سه مملکت یعنی بنگله‌دیش فی جی و تانگا قادر گردیده اند که آب‌محفوظ برای ٥٠ـ الی ۷۰ فیصد نفوس دها ت خود تهیه نمایند در یازده مملکت دیگر مثل افغانستان، بر ما، هندو ستان ، اندو نیشیا مالداویز، نیپال ، پاکستان، پاپووا، نیوگینی، سریلانکا، تایلند وویتنام فقط پنج الی بیست فیصد باشنده‌گان دهات به آب نوشیدنی دسترس دارند . در گروپ آخری شش مملکت که عبارت اند از ایران مالیزیا ، جمهوریت کوریا ، فلیپاین ، ساموا ، جزایر سو لو مان ، که آب محفوظ فقط به ۲۳ ـالی ٤۹ فیصد نفوس دها ت شان میرسد .

از مطا لعه ساز مان صحی جهان بر می آید که دسترسی به منابع آب برای مردم دهاتی از ضروریات حیاتی است . بدون آب آنها نمی توانند بطور کافی غذا تولید نمایند تاکالوری مناسبی رادروجود حفظ نمایند درنتیجه بهبودوصفی حیات شان به مشکل بدست می آید . مطالعه همچنین ادامه میدارد که نیروی تولید اجتماعی و رشد اقتصادی مربوط به انکشا ف منابع آب ووسایل حفظ الصحه اساسی در منا طق دهات میباشد .

قسمت های عمده انکشا ف منا بع آب درمنطقه‌اسکاپ شامل‌آبیاری‌قوه‌برق‌آبی،کنترول سیلاب و تهیه آب شهری و دها تی‌میباشددر صورتیکه اگر برای مردمان بیشتر در آسیاو او قیانوس مخصو صا در منا طق دهات آب کافی دارای صفا ت منا سب برای مصرف منزل و هم چنین برای زراعت و صنعت‌مورد ضرورت شا ن تهیه نماییم به روش ها یا تکنیکهای جدیدی نیازمند هستیم .

ساختمان بند ها به اندازه متوسط وبزرگ ساحهٔ زمین قابل زراعت را در تحت آبیاری، درشانزده مملکت از ۱۹۷۷ تاکنون به ۳۸۳٫۲ ملیون هکتار تز یید بخشیده .

تقسیما ت فیصدی زمین های تحت آبیاری به اساس قسمت های منطقه قرارذیل میباشد :

آسیای شر قی (چین و جمهوریت کوریا) ٤٦ فیصد ، آسیای جنوبی (افغانستان ، بنگله دیش ، هندو ستان ،ایران ، نیپال پاکستان وسری لانکا) ۲۷فیصدوآسیای‌جنوب شرقی (برما ، اندو نیشیا ، جمهوریت دیدو کراتیك خلق لاؤس ، مالیز یافلیپاین تایلند وویتنام ۲۰ فیصد .

یك ارز یابی انکشا ف و تنظیم منا بع آب نشان مید هد که یك ظر فیت عظیمی برای انکشاف آبیاری در چندین مملکت منطقه اسکاپ برای تزئید تو لید غله جا ت مو جود است .

اما از منابع بند های بز رگ و پرو ژ ه های تولید برق آبی نسبتا یك تعداد محدود مردم درسطح قریه مستفید گردیده اند . در تو لید ات شان تزئید به عمل آمده درحالیکه

بقیه در صفحه ٦۲

رزمندگان اتحادیه های صنفـــی‌جمهوری دموکراتیك افغانستان! درراه تطبیق‌تصامیم اولین کنگره‌خویش‌مجدانه پیکار نمائید . ابزار تو لید رابه‌صورت شا یسته‌ومونر بکار برید ، با کار پیگیر و سازنده سطح تو لید را افزا یش‌بخشید در راه بهبود شرا یط کار مسا عی بخرج دهید.

بقیه صفحه ۱٤

زحمتکشان‌میهن‌ما . .

ـ حالا در مقابل یکی از دکـــان های نانوایی در جوار جادهٔ میو نـد قرار داریم واز گل محمد نانوا که به قول خودش از مد ت سی وپنج سال بدین طر ف به شغل نانوا یی اشتغال دارد خواهش بعمل می‌آوریم تااگر پیامی به استقبا ل‌از سو مین جشن پیروز ی انقلاب شکو همـــند ثور به هموطنان خود داشته‌باشند ارائه بدارد ، میگو ید :

انقلاب زنجیر شکن ثور که‌آزادی واقعی انسان زحمتکش جامعهٔ مارا از زیر فشار های گو ناگون‌سیاسی اقتصادی ،اجتماعی و فر هنگی بـه ارمغان آورد انقلابی است که درراه حفظ وتکامل آن لحظه یی نبا یـــد تغافل ورزید وپیا م من به کلـــیه زحمت کشان کشور این است که اکنون که انقلاب زنجیر شکن ثوررا به پیروزی رسانیده ایم وقـــدر ت سیاسی را از سلطه جبـــارا ن و ستمگران به تصر ف خود در آورده ایم نگذاریم دیگر دشمنان کهنه‌کار میهن وجامعه مابا عوا م فریبی وریا کاری مانع رشد وتکامل جامعه مـا گردند واز سر عت تکامل انقلا ب ملی دمو کراتیك ما بکاهند زیـــرا امروز سرنوشت مرد م عذاب‌دیده‌ما باسرنوشت انقلاب شکو همـــند ثور سخت بهم گره خورده اند وبه یکدیگر ارتباط مستقیمی کسب‌کرده اند.

ـمحمد آصف که پیشه مسگر ی را از پدر به ارث برده است و از مدت بیست سال بدین طر ف در جادهٔ میوند به پیشهٔ مسگـــر ی اشتغال دارد به جواب سوالـــی در مورد مزایا ی پیروز ی انقـــلا ب شکوهمند ثور چنین گفت :

یکی از اثرات سود مند ی کـــه انقلاب شکوهمند ثور بالای حیا ت زحمتکشان کشور به بار آورده‌است شرایط تاسیس علنی اتحادیه ها ی صنفی زحمتکشا ن کشور است .

وی میگوید : قبـــل از پیـــر وزی انقلاب آزادی بخش ثور دو لتهـای مستبد وابسته به خاندا ن یحیی‌می کوشیدند تا وحد ت وهمبستگـــی مردمان کشور مارا بر هم زنـــند ونگذارند توده های وسیع مرد م به طور علنی وروز افزو ن در اتحادیه های صنفی و دیگر سازمان هـــای اجتماعی دور هم جمع گر دیده با کار دسته جمعی ورهبری شـــده خود وطن وجامعهٔ خویش‌رابه‌مدارج عالی ترقی سو ق دهند . ولی امروز از برکت پیروزی انقلاب شکو همند ثور این خواسته برحق زحمتکشا ن افغانسان تحقق پذیر فته روزبـروز وسعت می یابد ، همه‌اقشارواصناف زحمت کش کشوردر صفوف‌مربوطه خویش گرد می آیند وبرای‌رسید ن به جامعه عالی انسا نی سعی ومجاـ هدت بخرج می دهند ، یقین کامـل داریم که مردم زحمت کش مابزودی به ایجاد جامعه فاقد استثمار فـرد از فردنایل‌آمده‌به همه‌بقایای نابراـ بری های‌سیاسی،اجتماعی واقتصادی درکشور خویش خاتمه می بخشند.

ـ سید ولی محـــمد یکی از عـلاـ فان‌مندوی شهرکابل ضمن آنکـــه حلول سومین سالگرد انقـــلا ب آزادی بخش ثور رابه همهٔ زحمت کشان افغانستان مبار ك باد مـــی گوید در مورد ار زشهای انقـــلاب شکوهمند ثور اینطور بیا ن داشت:

یکی از دست آورد های‌انقلا ب شکوهمند ثور وبه خصو ص مرحله نوین وتکاملی آن ایجاد شرا یـــط مساعد برای تاسیس جبهه وسیـع ملی پدر وطن است که اکنو ن مادر آستانه تشکیل چنین یك‌جبهه‌مردمی ومترقی قرار داریم .

وی گفت : جبهه وسیع ملی‌پدر وطن که به اشترا ك همه اقشـــار وطبقات زحمت کش کشور اعم از کار گران ، دهقانان ، مامـوران و سایر ی زحمتکشا ن کشور اقوام قبایل و ملیت های مختلف کشـــور در تحت رهبر ی حزب دموکراتیك خلق افغانستا ن در شر ف تاسیس است چنان یك جبهه ملی و مرد می ای است که مارا در راه‌رسیدن به آرمان های والای انسا نی خویش درجهت اعمار یك افغانستا ن‌نوین ومترقی یاری بزرگتر می رسانـــد و زمینه رشد وتکامل سریع جا معـهٔ مارا بیش از پیش مسا عد می‌سازد از این رو برهمهٔ زحمتکشا ن کشور ما است تادر جهت ایجاد هر چـه زودتر این جبهه ملی و مرد می‌یعنی جبهه وسیع ملی پدر وطن با حزب ودولت انقلابی خویش از هیچگونه بذل مساعی دریغ نورزند .

ـ عزیزالله ((رضوی)) مـامور موسسه طبع وتورید کتب بیهقـی که در عین زمان به صفت محصـل درفاکولته شبانه علوم اجتـــما عی پوهنتون کابل مصرو ف فراگرفتن درس وتعلیم می باشد ضمن آنکـه حلول سومین سالگرد انقـــلاب دورا نساز ثور را گرامی مـی دارد چنین میگوید :

یکی از اهدا ف بزرگ حـــز ب دموکراتیك خلق افغانستا ن ودولت جمهوری دموکراتیك افغانستا ن‌این راه آورد عظیم انقلاب آزادی بخش ثور محو کامل جهل و بیسواد ی‌از دامان مطهر میهن ما وتجهیز هرچه بیشتر جوانان کشور باسلاح علم‌و دانش می باشد ، رو ی همین‌منظور بودکه دولت جمهور ی دموکراتیك افغانستان در شرایط پیروز ی‌مرحله جدید وتکا ملی انقلا ب آزادی بخش ثور و سقوط باند بی فرهنگ امین در پهلو ی سایر فعا لیت ها ی‌علمی وفر هنگی خویش به‌تاسیس‌فاکولته های شبانه در چوکا ت پو هنتو ن کابل همت گماشت تا آن عده از جوانان ما که در گذشته بنا بر موـ جودیت عللی نتوانستند تحصیلات عالی خویش‌رابه‌برپایه اکمال‌برسانند امروز در پهلو ی اینکه برای آبادی وشگوفانی میهن و جامعهٔ خو یش

زنده باد اتحادیه های صنفـــی‌جمهور ی دمو کرا تیك افغانستان.

مساعدت شرایط اقلیمی و کـارانقلابی دهقانان کشور باعث گردیده است تا در بازار های کشور وفرت‌مواد ارتزاقی بمشا هده برسد

اکنون کار گران و پیشه وران زحمتکش با فراغ خاطر به کار پرثمر خویش ادامه می دهند

کار وپیکار انقلابی می نما یند بتوانند در چوکا ت این پو هنحی هابه تحصیلا ت عالی خود ادا مه دهندودر رشته های مورد نظردانش تخصصی کسب نمایند .

وی گفت: دولت‌هایی که‌به خواست‌و اراده توده ها بوجود آمده باشند به دانش و آگا هی توده ها اتکا دارند و دو لت هاوحکوماتیکه خلاف میل و اراده توده هاعرض اندام‌نمایندبه جهل و اغفال مردمان ز حمتکش استوار اند . دولت جمهوری دموکراتیك افغانستا ن که براراده وحمایت باالقوه وبا الفعل خلق زحمت کش کشوز بوجود آمده‌است به دانش ومعرفت توده ها اتکا دارد ودر راه تنویر اذها ن زحمت کشان کشور از هیچگو نه بذ ل مساعی دریغ نمی ورزد .

– علی اکبر یکتن از زحمتکشان دیگر کشور ما که دکان کباب پزی دارد و از این رهگذر از سالیان درازی بدین سو امرار حیا ت می نماید راجع به یکی از آزادی های دیگر ی که از بر کت پیروز ی انقلاب آزادی بخش ثور نصیب‌مردم عذاب دیده ما گردیده است چنین گفت :

انقلاب شکو همند ثور در پهلو ی دیگر آزادی هایی که نصیب خلق زحمت کش کشور ما گردانیده‌است آزادی بیان وگفتار را نیز به‌زحمت کشان میهن به ارمغان آورده است وی می گوید :

قبل از پیروزی انقلا ب شکوهمند ثور مردم ما این حق را نداشتند که از حقو ق خود به طور علی دفاع نمایند ودر مقابل انوا ع بی‌عدالتی هاوحق تلفی هاییکه در مورد ایشان صور ت می گرفت سخنی بر زبا ن آرند ولی باپیروز ی انقلا ب رهایی بخش ثور و به خصو ص مرحله نوین وتکاملی آن این مامو ل برحق مردم مابوضا حت کامل تحقق پذیرفت و آزادی بیان وگفتار بطور واقعی آن در میهن ما عرض اندام نمود .

–فقیر محمد یکی از هموطنان عذاب دیده ماکه بروی جاده پلهوی تبنگی قرار دارد و از طریق فروش میوه جات امرار معیشت می نما ید درمورد یکی از راه آود های دیگر انقلاب ملی ودموکرا تیك ثور این طور می گوید :

انقلاب بر گشت نا پذ یر ثور همانطور یکه بسا آزادی های سیاسی واجتماعی مردم عذاب دیده‌میهن مارا به ارمغان آورد آزادی عام و تام‌ادیان و مذهب زحمتکشان کشور را نیز تضمین چه که تقویت وتحقق بخشیده است .

وی‌می‌گوید : انقلاب شکو همند ثور که دست بیداد گر چپاولگرا ن وستمگران را از دامان پا ك مرد م عذاب دیدهٔ میهن ماکوتاه نمو ده انوا ع آزادیها را نصیب خلق زحمت کش کشور ما گر دانیده‌است

پیکار جو یان سر سپرده‌حزب‌پرافتخار دموکرا تیك خلق افغانستان! در مبارزه بی امان علیه دشمنان‌انقلاب و در راه شگوفانی میهن‌آزاده ما پیشقدم باشید .

موجب آن شده است تا امتیاز با ـ ختگان‌درمیهن ما بابهانه‌قرارادادن‌به اصطلاح به خطر افتید ن دین مقدس اسلام در این نقطهٔ از جها ن ذهنیت عذاب دیده گان میهن مارا مغشوش سازند واز آئین مطهر اسلا م که همواره مورد احترا م حز ب ،دولت ومردم زحمت کش کشور ما قرار دارد تجار ت سیاسی نمایند تاباشد که به زعم خود از این راه منافع از دست رفتهٔ خودرا باز یا بند و مردم تازه از بند رهیده مارا با ز دربند استبداد بیرحما نهٔ خود بکشانند .

وی علاوه میکند : مثل معروف است‌که میگوید : ((چیز یکه عیا ن است چه حاجت به بیان است)) خدمتگذاری های صاد قانه حز ب ودولت انقلابی مارا در برابر دین مقدس اسلام که آئین دیر ین‌زحمت کشان کشور مارا تشکیل دهد هیچ بیننده یی نمیتواند انکار نماید

مادر عمل مشاهده می نما ییم‌که دولت جمهور ی دموکرا تیك افغانستان آزادی اجرا ی مرا سم‌دینی ومذهبی رابرای تما م مسلمانان کشور تضمین نموده است و پیروان سایر ادیان‌ومذاهب‌در اجرای مراسم دینی و مذهبی خویش که آسایش وامنیت جامعه را تهدید ننما ید آزادی کامل دارند . موجود یت اینگونه شواهد ومدار ك عینی مارا به حقانیت خدمت گذار ی‌حزب ودولت انقلابی مادر برابر مرد م عذاب دیده کشور هر چه بیشتر متیقن می سازد و تبلیغات بی‌اساس ودروغین محافل ارتجا عی و امپر- یالیستی جهان راکه علیه حز ب‌و دولت انقلابی مابراه انداخته اند از ریشه خنثی می‌سازد .

– عبدالحمید کار گر دستگاه مدل سازی فابریکه جنگلك حلو ل سومین جشن پیروز ی انقلا ب آزادی بخش ثور رابه همهٔ زحمت کشان کشور وبه خصو ص صنف کار گران‌میهن تبریك گفته چنین‌می افزاید .

دولت جمهور ی دموکرا تیك افغانستان که در اثر پیروزی انقلاب شکوهمند ثور بوجود آمده است مطابق به حکم اصول اسا سی جمهوری دموکرا تیك افغا نستا ن تلاش می ورزد تاسیا ست تساو ی حقو ق ،دوستی برادرا نه و رشد همه جانبهٔ تمام ملیت ها اقوا م و قبایل کشور را اعم ازخورد وبزرگ در وطن واحد ما افغانستا ن تحقق بخشیده به همبستگی زحمتکشا ن همه اقوام ، ملیت ها و قبا یل کشور در امر مبارزه مشتر ك به منظور تحقق اهدا ف وآرما ن های والای انقلاب‌شکوهمند ثور مساعدت کرده حقو ق قانو نی ایشا ن را تضمین وتامین می کند .

وی می افزاید : قبل از پیروزی انقلاب رهایی بخش ثور دو لتها ی مستبد وابسته به دودما ن یحیی با تعقیب‌سیاست‌های‌ارتجاعی وامپر- یالستی کوشش‌می‌نمودندتامیان‌اقوام قبایل وملیت های کشور ما، نفاق و دورنگی ایجاد نما یند وازپراگنده‌گی

بقیه در صفحه ٦٠

سرگرمی ها و مسابقات

تهیه وتنظیم از: صالح محمدکهسار

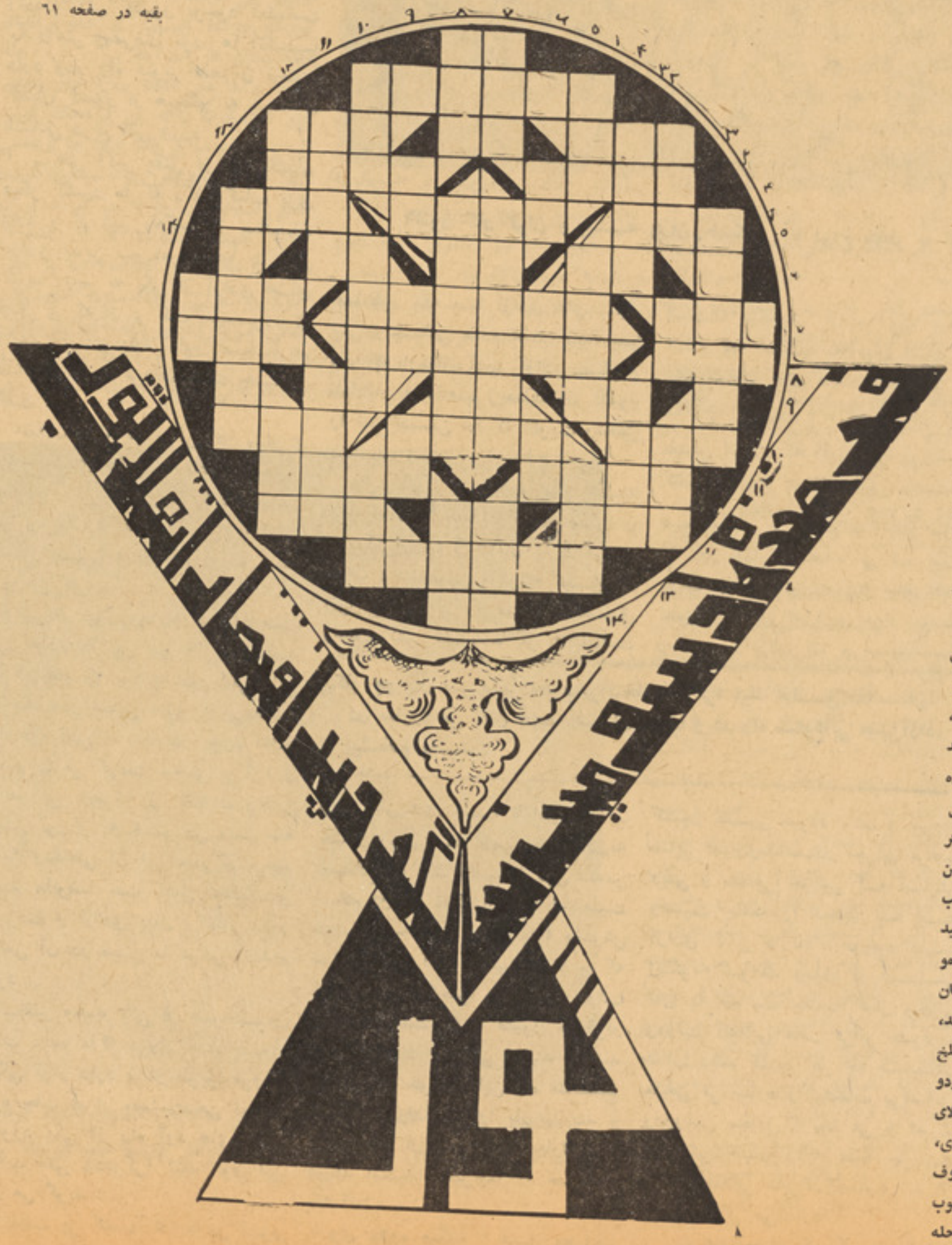

جدول به افتخار سومین سالگرد پرافتخار انقلاب ثور

صفحهٔ سرگرمیهاو مسابقات سومین سالگرد پرافتخار انقلاب ثور رابه تمام هموطنان کشور تبریك گفته وجدول رابه‌افتخار ش طرح‌نمودایم

افقی :ـ

۱ـ در جم شهرت دارد و هم شاعران‌آنرا بسیار توصیف می‌نمایند. ۲ـ اثر برجسته‌ازنویسنده مشهورفرانسوی البرکامو ـ۳، اثر برجسته یکی ازعلمای‌کشور عزیز ما ، از آنطرف نمیشود که خشك باشد، از هشتم بلند است ، ٤ـ این شهر شاهد بزرگترین انقلاب آسیایی میباشد و آنرا گهواره انقلاب‌نیز نامیدند،گرد، سحربه‌املای‌غلط ، فلمی است‌به اشتراك وجنتی مالا وراج کپور اگر منظم گردد ، از آنطرف‌پرنده‌است ، ٦ـ آخرین حصه حیوانات ، از کلمات ندائیه ، کلمه تعجب ۷ـ صد سانتی است ، آخرش را تخریب کنید سالون آن بجا میماند ، از حشرات مضرمو خطرناك برای نباتات ، ـــ ضرب المثل‌بزبان عوام ،سه‌حرف رابادست‌معکلوس یکجا سازید، از پراز یت های جلدی حیوانات ، ۹ـصبرتلخ است اما ٠٠٠٠ شیرین دارد ، دو خانه ودو حرف ، ۱۰ـ هرم شکسته،آواز موسیقی، بالای اسپ قرار دارد ، ۱۱ـ فلمی است هندی، وظیفه شکار چی ، امر به نرفتن ، ازبین‌حروف چقمق انتخاب نمائید ، از هردو طرف منسوب به خودم است ، ۱۳ـ روزی است که مرحله نوین انقلاب فرخنده ثور آغاز گردید ـعکس ماده است ـ

عمودی :ـ

۱ـ یك حرف ودو خانه ـ۲ـ به افتخارش جشن می‌گیریم، ۳ـهم شکران نعمت و هم حاصل لبلبو ، رول میان تهی ، قبول مینمایم به پشتو ، ٤ـ فساد پیشه ،اولین فصل‌سال ٥ـ دروازه عربی ، طرف ، اگر نباشد هیچ چیز را شنیده نمیتوانید ، ٦ـ عددی است‌به پشتو ، حرف ندائیه ، ضمیر اشاره ۷۰ـدر داخل بدن جادارد ، از ریاضی دانان قرون وسطی اروپا که به جرم کشف یکی از قوانین طبیعی تکفیر ومحکوم به اعدام گردید .

در پهلوی استدیوم قرار دارد و جای تفریح است ، ۸ـ ازاصطلاحات شطرنج،این ریاضیدان

بقیه در صفحه ٦۱

بقیه صفحه ٤٥

سالگرد انقلاب شکوهمند ثور...

انسان بر گزیده رادر لابلای آثارهنری‌خویش منعکس سازد •

انقلاب ثور هنرمند را مو ظف گردانید که جز به نفع توده ها به چیز دیگری نیاندیشد و هنرمند حق ندارد قصه تنهایی وشکست بگوید باید از جمع بگوید وازپیروزی های انسان امروز • هنرمند باید خدمتگزار راستین جامعه باشد وتلطیف گراحساس‌مردم. به مردم راه ورسم زندگی بهتر رابیاموزاندو ذوق مردم رابه سطح متعالی ارتقا دهد.

ماازصمیم قلب جشن فرخنده انقلاب ثوررا به همه هموطنان نجیب مان تبریك میگوییم وسرافرازی شانرا میخواهیم • اتحادو اتفاق مامرگ دشمن است ، یکپارچگی ما مشت کوبنده بردهن ناپاك ارتجاع می‌کوبد •

• • •

راغبه‌محصل پوهنځی ادبیات : آنکه وحشیانه استثمار میشد بر صدر مجلس نشست منظورم مردم شریف ماست ...

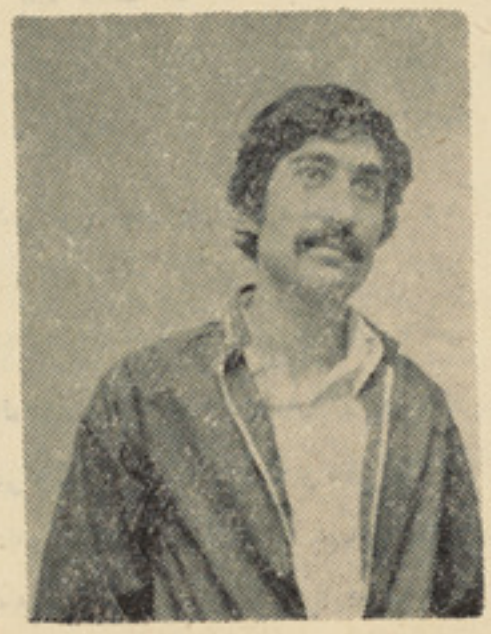

همایون : دشمنان می پنداشتند که جلو توفان توفندهٔ انقلاب را میگیرند، امابی خبر ازاینکه توفان انقلاب خس وخاشاك را سبکسرانه می برد ...

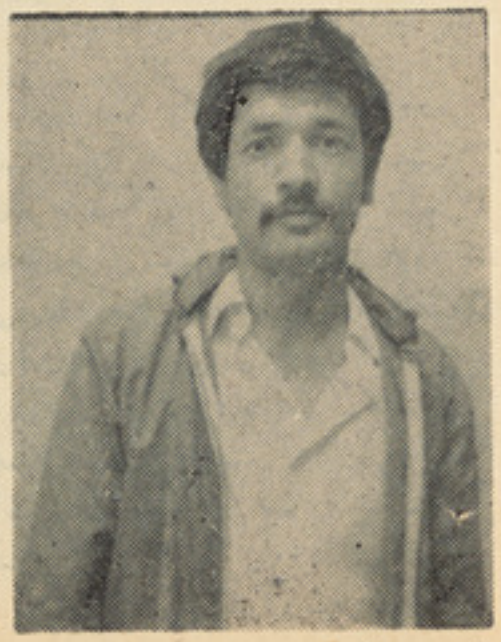

غیور جویان : بگذارید که سگان ازپی‌قافله غوغو کنند کاروان به پیش میرود ....

همایون محصل سال سوم پوهنځی ادبیات وزبان باروشن اندیشی وواقع بینی به‌پاسخ این پرسش که چه گفتنی های درباب سومین سالگرد انقلاب ثور دارد ، گفت :

پیروزی انقلاب ثور نقطهٔ عطف در تاریخ معاصر ماست ، پیروزی نور برظلمت است پیروزی حق برباطل است وبالاخره پیروزی زحمتکشان برستم کیشان است .

جشن سالگرد انقلاب‌شکوهمند ثور بار دیگر روی دشمنان را سیاه ساخت وزمستان رفت وروسیاهی به ذغالیان ماند •

دشمنان می‌پنداشتند که جلو توفان توفنده انقلاب رامیگیرند ، امابی خبراز اینکه توفان انقلاب خس وخاشاك را سبکسرانه می‌برد وبه باد نیستی درهم می‌پیچاند • دشمنان به تن لرزه افتادند گرد باداران خود حلقه زدند ، پلان هاریختند ، توطئه ها چیدند دهشت - افگنی هابر پا کردندکه مگر بتوانند سد انقلاب گردند •

امابی خبر از اینکه تاریخ برنمی‌گردد،و انقلاب به پیش میرود •••

وی افزود : بعداز پیروزی انقلاب شکوهمند ثور بخصوص مرحلهٔ نوین وتکاملی آن توده‌ها زندگی پرسعادتی را آغاز کردند برمقدرات وسر نوشت خویش خود حاکم شدند ،گردهم جمع آمدند از دست آورد های انقلاب ثور باشعف وشور پشتیبانی کردند • صفوف خود را فشرده تر ساختند وبه تشکیل جبهۀوسیع پدر وطن آرمانهای خویش‌را تحقق یافته دیدند آزادانه‌نظرداد‌ندوآزادانه خواست ونظرخویشتن رادر مطبوعات کشور انعکاس دادند •

در گذشته ها توده ها رااز آموزش سیاسی دور نگه میداشتند و کتاب های مترقی، پنهانی میان روشنفکران ردوبدل میگردید وکسی حق خواندن کتاب های سیاسی را نداشت •

پیروزی انقلاب ثور ، همه‌رابا سیاست آشنا ساخت ، توده هارا آموزش سیاسی داد ،کتاب های مترقی به قیمت بسیار نازل دستیاب‌همه گردید ، هر کس هر کتابی را میخواست بخواند میتوانست. وبه اینگونه‌همگان خوراك فکری خوب دریافتند •

برما جوانان است‌که سر سختانه وعاشقانه از دست آورد های انقلاب دفاع نماییم• از هیچ چیز نهراسیم وبا مشکلات در آمیزیم وواقعیت هارابی پرده وعریان ببینیم • حقایق رابا مردم درمیان بگذاریم و فریبکاری دشمنان رابه مردم آشکار نماییم واز چهرهٔ شان نقاب دروغین مردم دوستی را بدریم تاپرده هابرافتد وحقایق آشکارا جلو گیری کند .

برما جوانان است که از وضع جامعه خود آگاهی یابیم وبه مدد دانش وعقل گره از کار فروبسته بکشایم . با هیولای بیسوادی بجنگیم و در خدمت گسترش سوادو دانش‌قرار گیریم •

باری ، اینروز ها که به تجلیل سالگرد انقلاب شکوهمند ثور زانو زده‌ایم ،بازهم ، باردیگر توطئه ارتجاع وامپریالیسم بین المللی نقش بر آب میگردد •

اما رفتن و رزمیدن انسان زحمتکش ثبت دفتر زمانه میشود •

غیور جویان محصل صنف سوم رشته آلمانی پوهنځی زبان وادبیات ، آرزشهای سالگرد انقلاب شکوهمند ثور را چنین ارج میگذارد :

انقلاب ثور که‌به خواست اکثریت توده های رنجدیده وستمکشیده مردم افغانستان به پیروزی رسید ، نقطهٔ چرخشی بود در تاریخ کشور وپیروزی درخشانی بود به‌نفع‌نیروهای صلح وسوسیالیسم •

از پیروزی انقلاب شکوهمند ثور درست سه سال میگذردودرظرف همین سه سال محدود بخصوص مرحله نوین تکاملی انقلاب ثور وحدت‌گسست ناپذیری‌میان‌مردم‌وحزب، مردم و دولت ایجاد گردیده است • مرد باشور وشوق برای آبادی کشور خود کار میکند ، داوطلبانه برای بلند بردن سطح عایدات دولت زحمت میکشند و داوطلبانه برای دفاع از دست آورد های انقلاب شکوهمند ثور در جبهه های گرم مبارزه شرکت می‌جویند •

آیا اینها کافی نیست که روی دشمنان فروخته شده واجیررا سیاه گرداند ؟

بگذاریدکه‌سگان ازپی قافله غوغو کنند . کاروان به پیش میرود • چنانکه هم همینگونه شد • باهمه‌دسایس دشمنان ،با همه پروپاگند های وسایل دروغ پراگنی دسته جمعی غربی، انقلاب ثوربه پیش شتافت چنانکه همین اکنون شاهد سومین جشن سالگرد انقلاب شکوهمند ثور هستیم وشادی میکنیم وطبل رسوایی درو غبر دازان را می‌کوبیم •

باهمه دهشت افگنی ها حجم تولیدات نسبت به سالهای گذشته‌افزونی یافت• پلان های طرح شده باکمال دقت پیاده گردیده ولی اگر این نیروهای کثیف ارتجاع و امپریالیسم مارا آرام نگه میداشتند واضحا دست آورد های مادر رشد اقتصادی وارتقای سطح رفاه مردم باز هم بیشتر از پیشتر می‌بود • هدف هاو آرمان‌های حزب ، انقلاب ودولت انقلابی ماجز بهتر شدن حیات مردم و آرامی توده ها فارغ ازهرگونه‌قید ظلمت بار چیز دیگری نیست •

وظیفه ورسالت وطنپرستان و هم میهنان شریف ماست که فریب دروغ ویاوه سرایی های دشمنان‌رانخورندوشجاعانه برضد دشمنان قدعلم نمایند تاهرچه زود تربه سوی افق‌های مژده بخش فرداره زنیم ورسالتمندی خودرا

باجان ودل انجام دهیم • جوانان ما که نیروی پرتوان وخلاق جامعه اند رسالت بس عظیم ومسوولیت نهایت سنگین رادرقبال خد مت به مردم وپیشرفت و تعالی وآبادانی جامعه خود دارند • بایستی هر چه بیشتر وظایفی راکه حزب ، انقلاب وجامعه بدوش شان سپرده اند موبه موبه انجام رسانند وهمین ...

این کارگر زحمتکش شغل پدری‌خویش را دنبال می نماید

بقیه صفحه ۱۱

زحمتکشان میهن...

آنها سوء استفاده نموده به بر - آورده شدن اهدا ف نا مقد س ضد مردمی خویش نایل آیند.ولی امروز ازبرکت پیروز ی انقلاب شکو همند ثور هد ف اساسی دو لت مارا امحای عدم تساوی در سطح رشد اقتصادی اجتماعی وفر هنگی تما م منا طق کشور تشکیل می دهد ودولت در راه تحقق این آرمان شریفا نه کوشش بعمل می آورد .

- خلیفه امان جان کار گر شعبه حرو ف چینی مطابع دو لتی به‌پاسخ سوالی مبنی‌بر اینکه انقلاب شکوه- مند ثور چه اثرات مثبتی رابا لا ی حیات زحمتکشان کشور به‌خصوص صنف کار گران بجا گذارده است چنین می گوید :

بادرنظر داشت اثرات نها یت ارزنده وحیا تی ایکه پیروز ی‌انقلاب شکوهمند ثور بخوص مرحله نوین و تکاملی آن بایدی حیا ت اقتصادی واجتما عی زحمتکشا ن کشور به خصو ص بالای ماکارگران بجا گذاشته است می خوا هم‌بیکی از این اثرات سود مند اشاره‌نمایم.

یکی از تحو لات بزرگی که دراثر پیروزی انقلا ب شکو همند ثور وبه خصو ص مر حله نوین وتکاملی آن درحیا ت اقتصادی ماکار گران واجیران دولت رونما گردید افزودی معاشات مامی باشد که در شرا یط کنونی بالای حیا ت اقتصاد ی ما نهایت سود مند ومو ثر می‌باشد.

وی گفت : دولت جمهور ی دمو- کراتیك افغانستا ن که خود یك دولت کارگری است ، به وضع حیا ت کار گران تو جه جد ی مبذول می دارد ودر راه‌بهبود اقتصاد کارگران زحمتکش کشور سعی می نماید . ماز این اقدام نیك دولت انقلابی خود باکما ل قدر دانی یاد آور ی نموده آمادگی کامل خودرا در راه بر آورده‌نمودن اهداف ونیات انسانی حزب ودولت انقلابی خود وعده می دهیم .

- عبدالخلیل کار گردستگاه حفظ ومراقبت فابریکه جنگلك پیرا- مون به استقبا ل سو مین جشن پیرو زی انقلا ب ثور چنین گفت : مادر جامعهٔ خود اعیاد وجشن های فراوانی داریم و لی هیچ جشنی وهیچ روزی برابر با جشن‌پیروز ی انقلاب شکو همندثور فرحت بخش نیست . چه در همین روز خجسته بودکه زحمتکشا ن متدین میهن ما به سر نوشت‌سیاسی خویش مقدر گر دیدند و در اثر مبارزا ت بر حق وعاد لانه خود کا خ دیر ین ار تجا ع وامپریالیزم رادر کشور فرو ریختند .

وی گفت : زحمتکشا ن افغانستان اکنون سومین‌سالگردپیروزی انقلاب شکوهمند ثور رادر شرایطی تجلیل می نما یند که توطئه ها ودسایس دشمنان انقلاب شکو همند ثور یکی پی دیگرافشاو خنثی‌می‌گردد وماسك ها از چهره های سیاه اجیرا ن ارتجا ع وامپر یالیز م جها نی فرو می افتد

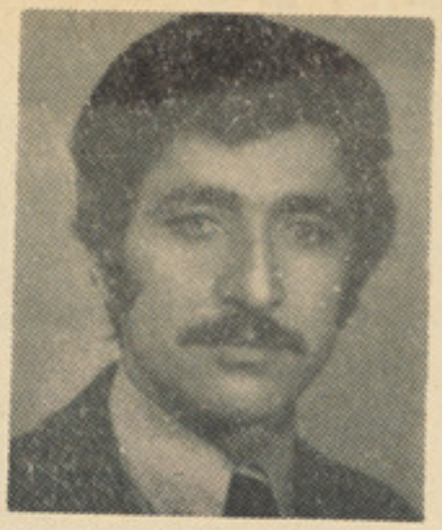

عبدالخلیل کارگر فابریکه جنگلك

عبد المحمد کارگر فابریکه جنگلك

بقیه صفحه ۲۲

پیروزی وبهروزی...

تلاش بود تا در جهت آزادی کامل‌زن و در راه رهایی این برده گوش به فرمان مرد خدمتی را انجام دهد و به خاطر ساز مان دهی کار های مثمری را در بین زنان انجام نمودو هیچگاه سعی و تلاش را از دست نداد تا اینکه سر انجام انقلاب زنجیر شکن ثور زنجیر های بردگی را ازدست وپای زن افغان دور نمود و به زن افغان فضای بازو آزاد بخشید .

در خاتمه ما در حالیکه در آستانه تجلیل از سو مین جشن شکو همند ثور قرار داریم میخواهیم به زنان حماسه آفرین به زنان شجاع و مبارز به مادران قهرمان ودوشیزه‌گان رزمجو بگوئیم که تنها با تکامل و رشد همه جانبه دمو کراسی می توان به عدالت اجتماعی دست یافت لهذا مازنان وظیفه خویش میدانیم تابا کار و تلاش خستگی ناپذیر خویش در جهت تحکیم و حدت خلق های افغانستان فعالانه سهم گر فته و نقش خویش را در توسعه پایه های جبهه وسیع ملی پدر وطن که تکیه گاه اجتماعی حزب ودولت درانجام تحولات عمیق اجتما عی و اقتصادی به شمار میرود به طور شایسته ایفا کنیم .

زنده باد جنبش دمو کرا تیك‌و متر قی زنان افغانستان و جهان .

بقیه صفحه ۵۰

پرورش اطفال ...

آشامان قرن نجات دادند و صفحه نوین رادر تاریخ افغانستان انقلابی گشودند که برای نگهداشت ورنگینی آن باید فرزندان مایعنی اطفال امروز که مردان وزنان فرد او پاسداران واقعی وحقیقی افغانستان آزاد و آباد اند .

دفاع ازدست آوردهای‌انقلاب ثور وباالخاصه مرحله‌نوین‌وتکاملی‌آن‌رابانیر ومندی‌هرچی‌تمامتر پاسبانی و حفظ نمایند ودر نگهداری آن‌ازدل وجان بکوشند .

همچنان افتخار به مادرانیست که‌در طول تاریخ فرزندان شجاع ، دلیرو حماسه آفرین وانقلابی رادر دامان پاك شان‌پرورش داده اند.

بناء مادران ، زنان باشهامت افغان بیایید در افتخار جاودانی وطن پرستان سهیم باشیم وفرزندان وطن پرست، رزمجو ، پیکارگر و انقلابی رابا روحیه و خواسته های عصروزمان وآرزومندی‌انقلاب ثورپرورش‌وتربیت نمایم.و ایشان‌شاگردان مدرسه انقلاب‌سازیم‌وبه‌ایشان درس‌صداقت ،فداکاری‌وراستی راتدریس‌نمائیم زیرا مسوولیت وجدانی این حکم رابه ما صادر می‌کند .

به پیش به سوی تربیت فرزندان انقلابی درجهت حفظ و حراست انقلاب ثور این زندگی ساز نسل های امروز وفردای کشورمان

بقیه صفحه ۱٤

کارگران زحمتکش...

خلق افغانستان ((پیش آهنگ طبقه کارگر وتمام زحمتکشان کشور)) در راه محو ونابود ی‌کامل عناصر ضد انقلاب واجرای کار و عمل سازنده وانقلابی درجهت ارتقا و تعالی کشور ورفاه جامعه رسا لت تاریخی خویش رادر برابر پدر و طن انجام می دهند .

– اگر در این زمینه پیا می به کار گران کشور داشته باشید لطفا ابراز بدارید ؟

– پیام من به‌همه کار گرا ن زحمت‌کش کشور این‌است که در تحت‌این‌جبهه ملی و مردمی بسیج شوند ونگذارند که دشمن از پرا- گنده‌گی واز هم پاشیده گی آنهاسوء استفاده نموده به فعالیت های ضد انقلا بی خویش در سرزمین مقدس ماادامه بد هد . همه ز حمتکشان کشور که آرزوی رسید ن به یك جامعه عادلانه نوین را از سالیا ن درازی در دلها ی خویش می پر – ورانندا‌ز تاسیس این جبهه ملی و مردمی استقبال پر شور بعمل آورند ودر راه تاسیس هر چه زود تر ا ین جبهه بکو شند.

محمد هاشم یکی از کار گران دیگر دستگاه بادی سازی این فابریکه به جواب سوال دیگر ما که رسالت یکنفر کارگردربرابراقدامات نیك‌دولت درشرایط کنونی چیست؟ چنین میگوید:

– دولت مایك دولت کار گری است که ازمیان توده های‌کارگران وزحمتکشا ن کشور بوجود آمده به نفع آنهاکار می‌کند ، ازنظر من رسالت یکنفر کار گر درشرا یط کنونی کشور این‌است که علاوه بر آنکه برای آبادی میهن خو یش کار می‌کند وبا کار سازنده اش اکثر نیاز مندی های مردم خودرامرفو ع می‌سازد به موضو ع عمده دفاع ازانقلاب آزادی بخش‌ثوروحفظ دست آورد های‌رهایی بخش آن‌ارج عظیم بگذارد وبا پیروی از این اصل‌عمده که همهٔ آزادی هایی راکه اکنو ن مردم عذاب دیده مانصیب شده‌انداز برکت پیروزی همین انقلاب است در دفا ع از آن از سرو مال خود دریغ نور زندو با پیوستن در صف مدافعین انقلاب ، خارندوی و قوای مسلح رسالت تاریخی خودرا در برابر وطن ایفا نمایند.

بخصوص برجوانان آگاه ورزمنده کشور ماست تا در ادای وجیبهٔ بزرگ خدمت مقدس عسکر ی در تحت‌درفش پرافتخاردولت جمهوری دموکراتیك افغانستا ن بیش ازپیش آمادگی نشان دهند وبا پیوستن به صفوف قوای مسلح و خارند و ی کشور سنگر مدافعین انقلاب راهر چه‌بیشتر نیرومندتربسازندونگذارند دشمنان آتش بجان مردم افغانستان بیش از این علیه میهن ، مرد م و انقلاب ما اعمال سبو تاژ کارانه انجام دهند .

بقیه صفحه ۵۸

جدول به افتخار...

مشهوردرسال ۱٦٤۳در«ووس تورت» متولدشد اورا بحیث کاشف جاذبهٔ عمومی می‌شناسند • مجرم پابریده شده ، ۹– در ردیف اول عمودی نیز همین است ، سن معکوس ، گشت دوام دار، ۱۰– خلص هندوستان ، در اشعار خیام زیاد توصیف شده است • زیادی نیست، ۱۱– مار گزیده را چنین کنند ، فصل برگ ریزان –۱۲– خانگی آن پرواز کرده نمیتواند نصف مکتب ، از آنطرف در فلم های ایرانی کار میکند، ۱۳–این نویسنده بزرگ درسال ۱۸۷٦بدنیا آمد ودرسال ۱۹۱٦ درماه دسامبر چشم از جهان‌بست‌تاسن۱۹ سالگی‌به مشغولیت های عجیب وغریب دست دادوبه همین منظور چندین بار بجرم ولگردی‌بزندان محکوم‌شد•در مدت هژده سال نویسنده گی پنجاو یك کتاب بزرگ ویکصد وبیست وپنج داستان کوتاه نوشت وهمان گدای ولگرد در او اخر عمر آنقدر کارش بلند رفت که حقوق در آمدش دو چند حقوق رئیس جمهور آن‌کشور بود این نویسنده در چهل سالگی براثر افراط در کار در گذشت این هم چنداثر او طب‌طلا– دوزخیان –اتشپاره زرین،۱٤–حرف مثبت پشتوامابه املای‌غلط .

د ۳۰ مخ پاتی

بلا ربه شپه...

نیژدی شوی او په ناپا یه خواشینی سره یی وویل :

– هغه شپه ادی‌خواب‌لیدلی‌ووچی زه‌قوماندان شوی یم •زه (دډگر په‌کالیو)کی امر ونه صادروم اوپه ستروما نیو اوبرجورو کلا وو باندی‌د یرغل اوبرید دستورونو در کوم •

ددی خوب نتیجه داوه چی دمالك مشری ښځی زماپه مور باندی گوزار کړی واود هغی سربی‌مات‌کړی‌و. اوورته‌ویلی وچی ته سپیره اوس دومره شوی چی داسی غټ غټ خوبونه وینی ••• او وروسته تر ټکولو یی هغه له کوره شړلی وه •••

–نو بیا ؟

بریدگی په ډیره تلوسه داپوښتنه‌وکړه •

جگتورن بری یوبل سگریت ولگاوه •لوگی یی کړی کړی له خپلی خولی نه‌وویست • یوه شیبه غلی و• او بیایی پخپل ډډغږ سره وویل:

–پدی کی‌یوه میاشت تیره شوه • زما مور سخته ناروغه وه اود ټوخی له زوره خوب نه ورته ، داسی یی ټوخل لکه چی سږی یی له خولی وخی •

زه‌نوی قطعی ته معرفی شوی وم • هغه شپه چی زه یی درته یادوم همداسی سخت باران اوریده • زه‌نو کری وم • خوخو خله د سربازانو له قاغو شونو څخه تیر شوم •دیویو والگی وهلی سر باز دټوخی غږ به زه دمورپه چرت کی ډوب کړم •

دتوری شپی په گیډه کی یو ډیره ستره پینه په خوځیدو وه • او دغسی بارانی شپی غوښتل چی خپل سوغات ، خپل پیټی دسبا په رڼا باندی وسپاری •

خوشپه ددغی پیښی زور ته ټینگه‌نه شوه• دشپی زاره وچاودیدله • شپی طاقت ونه شو کړی • څکه چی تاریخ خپل مولود په احتیاط احتیاط سره ولس ته‌نه شو سپارلی• دشپی زړه چاودون له پایه گرز گروز سره ملگری •

دتوفان عظیم قوت په خوځیدوو • توفان دسترو مانیو او برجورو کلاوو دیوالونه داسی خوځول او ټکول لکه چی دوروستو و نوستهی اوریښی خوځوی •

پرستروماڼیو باندی داسی سکروټی‌اوریدلی لکه چی له تالندی له غږ سره دبرښنا خړیکی خپر یږی •

دا دانقلاب فاتحی الوتکی دی چی دلوټ او تالان پرمانیو یی گوزارونه کول او دافاتح ټانکونه وو چی پر زړی ځمکی باندی یی دولس دنوی اوراتلونکی سر نوشت کرښی ویستلی•

داوخت نور زما غوږونو ته‌د ستومانه او ناروغو سر باز انو او دخپلی‌مور خگروی او ټوخی نه راتلل • ماته دتوفان غږ تر غوږه‌کیده او دا وخت زه پخپله توفانی شوی وم •

آسمان پر له پسی غږ مبیده • او ورسره ورسره یی دولس توفانی قهرلاپسی توفانی کاوه • توفان زما دمور خوب تعبیر کړی‌و• دشپی زاره چاودیدلی وه • خو کله چی په رڼاورځ‌کی مورته ورغلم ، موردخپل پوریری کړی و ، باران خپلی توتکی دسرای دکوټی پر غولی پرته وه • ځان یی سوړو او نبض یی‌نه الوته • خو یو ترخه خندایی پرشونډو بخشیدله ، دمورسا هغه وخت ختلی وه چی تاریخ خپل مولود ، پرولس باندی‌وسپاره •

آسمان هماغسی غږ مبیده او دتاریخ نوی زیږیدلی ماشوم،دتوفان‌اوقوی سیلیو په څپوکی مخ په وړاندی ، دافق په‌لورلارخلاصوله او دسبا خرك یی لگاوه •

دټولی قوماندان تر څنده پوری غلی و.د صحیی بریدگی په حیرت او تلوسه ورته کتل اوداسی یی احساسوله چی په ماغزوکی یی څه نوی رڼاخریکی وهی . غوښتل یی چی له قوماندان څخه څه بله پوښتنه وکړی • پدی کی دزرك دعسکری بوټانو غږ شو چی دخیمی خوله ته‌په رارسیدوکی و• همدا چی خیمی ته ننوت نود خیمی دوره وړمه وچلیده اود هریکین پلتهوښوریده. دبوټانو پوندی‌یی سره وټکولی او دصحیی بریدگی ته‌یی وویل :

– صاحب! روغتون ته‌ټپی سربازان راوستل شویدی – سر طبیب صاحب تاسو غواړی•

بریدگی دفنر په خیرنیغ ودریداو خپل کمر- بندیی سم کړ • ټانکی خوله یی‌په سر کړه او قوماندان ته‌یی رسم وتعظیم وکړ قوماندان خپل‌لاسونه تر خپل سر لاندی ایښی واوپرکټ باندی یی تکیه کړی وه • سترگی یی دخوب‌له زوره مرغی کیدی .

دصحیی بریدگی همدا چی دخیمی نه ووت نوزرك سر باز ورته وویل :

–ټپی سربازان یی له ختیخ لوری راوستلی دی !

بریدگی افق ته‌یی وکتل • په افق کی‌سره بخنه رڼا خپره وه او افق یی روښانه کړی‌و. خود سپکی توپخانی غږ هماغسی گونگ اوورو ورو له ختیخ لوری څخه راته •••

بقیه صفحه ۲۶

بررسی مختصر از...

پرو گرام ها ی کو تاه مدت وطویل‌المد ت پی ریزی نمود ه ا ست که این بخش از ا نرا مختصرا توضیح میداریم ! البته پلان کار قصیر‌المد ت وطویل ا لمد ت آ ن طو ر ذیل ا را ئه میگر دد :

۱ در ارتبا طباکمسیون‌تشکیلات:

کمسیو ن تشکیلا ت مو ظف ا ست تا کار ز نا ن و دختر ا ن جوان را که در سا ز مانهای‌اجتماعی از قبیل سازمان د مو کرا تیک جوا نا ن ـ اتحاد یه ها صنفی ـ اتحادیه کو پرا تیفها ی د هقا نی اتحادیه ها ی مبتکر عضو یت دا رند و ضمنا ء اماده کا ر بحیث عضو سازمان د مو کراتیك ز نا ن‌میباشد تنظیم می نما ید .

کمسیون تشکیلا ت همه ا عضای سازمان را ا لی ختم ۱۳۵۹ ثبت نموده و سر شما ری را در بین اعضا ی س.د.ز.ا ـ انجا م مید هد.

ولا یا ت از لحا ظ کا ر سازمانی در بین ز نا ن به زو نها تقسیم گردیده و در راس آنها یکی ا ز اعضای شورا ی مر کزی گما شته میشو د . با تشکیل یك کمیته‌اداره از ا حوا ل وو ضع فا میل ها ی رفقای شهید وا رسی مینما ید .

با ین منظور با ید با تهیه انکیت ها یك جا با کمسیو ن ا مور اجتما عی با ز ما ند گا ن واعضای فا میلی ها را را جستر نما یند .

۲ در ار تبا ط با تشد ید کار آموزشی و سیا سی :

آغاز کمپاین سوادآ موزی‌تحت شعار هر با سواد با ید دو بیسواد ر ا خواند ن و نو شتن بیا مو ز اند.

استفاده هر چه و سیعتر ا ز انستیتو ت علو م ا جتما عی کمیته مرکزی ح.د.خ.ا کا ر سازما ن‌مجلهٔ زنان را با ید آغاز کرد .

تنظیم نشر یه از مواد و محتویات کنفرا نس

۳ـ در ار تبا ط با کمسیو ن‌امور اجتما عی :

تو جه جد ی بو ضع کو د کان یتیم و با ین منظور طر ح پیشنهاد بخا طر بو جود آورد ن ((خا نه اطفال)) در شهر کا بل و بر رسی امکا نا ت مبد ل سا ختن انتر نا ت آطفا ل

ـاحصا ئیه گیری و تهیه گزارش در ار تبا طبا اطفا ل بی‌بضا عت .

ـمطا لعه امکا نا ت ایجاد یك کود سکتا ن د ر چو کا ت‌س.د.ز.ا.

ـایجاد مکاتب مسلکی برای اطفال و لگر د .

٤ درا رتبا ط با کمسیو ن ا مور تولیدی :

ـتوجه جد ی بو ضع ز نا ن زحمتکش و تلاش‌در جهت ار تقا ی دانش حر فو ی و عمو می آنا ن.

ـطرح پیشنهاد به اتحادیه ها ی کارگری و س.د.ج.ا بخا طر کا ر مشتر ك و نظا رت ازجریان بکار بستن قانونی حمایه کارزن د ر موسسات تو لید ی .

ـا قدا م به منظور کلو پ ز نا ن در شهر کا بل و شبکه ها ی تو لید ی .

ـتنظیم و تهیه مواد تحلیلی‌از وضع ز نا ن ز حمتکش .

ـهمکاری نزدیك با کو پرا تیف های صنفی و تو قیه د ستگاه های صنا یع د ستی که زنا ن در آ ن مصروف اند .

۵ در ار تبا ط با کمسیو ن‌روابط بین المللی :

ـتو سعه منا سبا ت همکا ر ی با سازما ن د مو کرا تیك متر قی زنان جها ن . تحکیم مرا و دا ت با سازما نها ی ز نا ن بخصو ص آن سازما نها ی که نما یند ه ها ی‌شان در کنفرا نس ا شترا ك ورزید ه بودند .

ـتبادله هیا ت ها ی نما یند گی واشتراك در محا فلی و ملا قا ت‌ها بین المللی .

ـارسا ل مواد و ا خبا ر منتشره در ار تبا ط با کنفرا نس .

در ار تبا ط با فعا لیت ها ی جاری

ـارسا ل اطلا عا ت بصورت‌مداوم انسا ن

دراصول اساسی جمهو ری‌دمو ـ کرا تیك افغا نستان بمثا به‌قا نو ن اساسی مو قت نتنها ا صل برابری زنان با مردا ن ا نعکا س یا فته بلکه را ه ها ی و سیعتر شیو ه های شدید و تقو یت و موا ظبت دو لت از و ضع ز نا ن به مثا به‌زحمتکشان و مادرا ن وطن نشا ن داده ا ست بدین تر تیب سازما ن دمو کرا تیك زنان در وضع فعلی با نابسا مانی هایی که از دوره سیاه امین وباند فا شیستی و ی به میرا ث گذاشته شده است و ظیفه بس مهم و خطیری در پیش دارد .

سازمان د مو کراتیك ز نا ن افغا نستان با اهداف وا لا ی‌انسانی خویش پلا نها ی کا ر خود را وهله به و هله جهت تا مین حقو ق آزادی وبرابری با مردا ن در همه شئو ن حیات ا قتصادی ، سیا سی‌واجتماعی و اشترا ك وسیع وخلا قا نه زنا ن در ا مر اعمار جا معه نو ین و فار غ از استثمار فر د از فرد به منصه ا جرا قرار مید هد .

ما امید واریم ز نا ن رز منده ومترقی کشور در تحت در فش‌جبهه وسیع ملی پد ر و طن در امر آبا دا نی و شگو فانی کشورو دفاع از د ستا ورد ها ی انقلاب ثو ر بخصو ص مر حلهٔ نو ین تکا ملی آن سهم هر چه بیشتر و فعا لانه گر فته و رسا لت تا ریخی خود را در پیشگاه مرد م و جا معه د لیرانه ایفا ء نما یند .

به پیش در راه ر شد فر هنگ آگا هی و بیدا ری ز نا ن کشو ر عزیز ما افغا نستان .

بقیه صفحه ۵۵

آب محفوظ نعمت...

قیمت ملکیت شا ن بلند رفته .

یك سند از کمیتهٔ منابع طبیعی این تقسیم غیر مساویانه عواید را مربوط به‌عدم پلان گذاری در سیستم انتقا ل آب برای دهقان می داند . بعضا سیستم تقسیم‌کانال تکمیل نگردیده و حتی در جاهائیکه سا خته شده برای فعالیت و حفظ و مرا قبت آن پیش‌بینی نشده است .

در شمال شرق تایلندشبکه های بزرگ آبیاری فقط برای تقر یبا سه فیصد نفوس در منطقه آب میرساند اما با اصلاح سیستم تقسیما ت سا حه تحت آبیاری ۸٫۹ فیصد یا از دو چند بیشتر تعداد استفاده کننده‌گانرا تو سعه می بخشد .

بند های بزرگ و سا ختمان های تو لید برق آبی تاثیرا ت مخا لفی بالای حفظ الصحه محیطی وارد نموده یك مطا لعه ساز مان صحی جهان ارائه می داردکه پروژه بزرگ منابع آب موازنه طبیعی سیستم محیطی را بر هم زده می تواند ومعلو م گردیده که‌مشکلات غیر متر قبه را از رهگذر طفیلی ها ئیکه باآب رابطه داشته و تولید امرا ض را می نماید به ظهور رسانیده مثلا برای تکثیر پشه در منا طقی که زره بر صحیح و جود نداشته باشد ، در حوا شی آب کم عمق در اطراف ذخایر که سبب بروز ملاریا ، میلدریاسز وحتی تب زرد (یرقان) میشود .

مطالعه سازمان صحی جهان تاکید مینماید که موفقیت هر ستراتیژی در جهت انکشا ف منابع آب به اندازه زیادی‌مربو ط به سهم گیری مردم میباشد . روش کمك به خود برای موفقیت ضروری است و مملکت ها این را باید قبول نمایند و در جهت انسجام آن در پروگرام های تهیه آبدهات ونظافت پلان گذاری نمایند .

یك مشکل دیگر مورد علاقه عبارت از رقابت است در امور آبیاری ، تهیه‌آب برای جمعیت و صنعت ، با داشتن یك سا حه معین وفصل مشخص مقدار آب برای زراعت کم و بیش یك اندا زه معین میباشد . رشدنفوس و بلند رفتن سو یه زندگانی احتیاج آبرا برای جمعیت بصورت مداوم افزایش می دهد .

اما در سکتور صنعتی بزر گتر ین مجال برای تعدیل در استفاده ازآب موجود است . تکنالو جی جدید تخنیك های نوی‌را برای تقلیل استفاده از آب در بعضی فابریکه هاو هم چنین در تو لید انرژی برق آبی روی کار آورده . لیکن بیشتر طریقه های جدید عبارت از تشدید انرژی می باشد بحران مو جوده در تو لید انرژی سراسر جهان شاید یك تاثیری در رشد آینده احتیا جات آب برای هردو یعنی در سکتور صنعتی و هم در سکتور انرژی برق حرارتی داشته باشد .

۲۸ اپریل
۱۹۸۱

سال ۳۳ شماره